

ماهنامه تحلیلی
ویژه هادیان سیاسی بسیج

هدایت

سال پانزدهم

سال ۱۳۹۴

شماره - ۱۵۹

امام فاطمه ای (مدظله العالی) :

جمهوری اسلامی ایران تا روزی که آرمان فلسطین به ثمر برسد، مصمم خواهد ایستاد و آن روز را جوانان قطعاً خواهند دید.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره ۱۵۹، سال ۱۳۹۴

«هدایت»

«ماهنامه تحلیل سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسئول: عبدالله داورزنی

سردبیر: حمید عبداللهی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

ویراستار: غلامرضا گودرزی

مخاطبان: هادیان سیاسی بسیج

همکاران این شماره:

- ۱- حسین عبداللهی فر ۲- عباس سلیمان زاده ۳- عباسعلی بیگدلی ۴- عبدالله گنجی
۵- محمدرضا فرهادی ۶- محمدرضا مرادی ۷- وحید مهدوی

شمارگان: ۷/۶۰۰

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۳۳۲۳۹۶۷۳-۶

رایانامه هادی (ایمیل): E-mail: ssb\۱۰@chmail.ir

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۰۰۰۸۰

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ✓ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی است، بنابراین بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد. انتظار می رود هادیان، عزیز ما را یاری فرمایند.
- ✓ انتقادات و پیشنهادها برای ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ✓ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ✓ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	سفن هدایت
۵.....	کلام نور

بخش سیاسی

- * بحران یمن و مذاکرات ژنو؛ دلایل ناکامی و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای...۱۷
- * دلایل شکست حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ترکیه و چشم‌انداز پیش‌رو...۳۲
- * واکاوی علل دشمنی دشمنان علیه ایران اسلامی...۴۱
- * وجوه افتراق دو گفتمان جاهلیت مدرن و نوین اسلامی...۵۹
- * نگاهی به تحركات انتخاباتی جریان‌های سیاسی...۷۰

بخش اقتصادی

واقعیت‌های رشد اقتصادی ۹۳..... ۸۱

بخش پرسش و پاسخ ۹۳

توافق وین نماد یک سر آغاز جدید ملی و بین‌المللی

وقتی در پانزده خرداد ۴۲ و پس از سرکوب قیام مردمی توسط نظام دیکتاتوری شاه از امام خمینی^(ه) سؤال شده بود که با کدام نیروی انسانی، به دنبال اسقاط نظام شاهنشاهی است، فرموده بودند که این نیروها در گهواره هستند. حضرت امام^(ه)، نسل پانزده خرداد ۴۲ را سربازان انقلاب اسلامی می‌دانند که در یک سیر تکاملی به خلق بزرگ‌ترین رویداد قرن بیستم، یعنی انقلاب اسلامی منجر شد. با اعلام توافق هسته‌ای در وین به تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ نیز یک آغاز جدید و غرورانگیز شکل گرفته است که حاصل بسیاری از جانفشانی‌ها، تلاش‌ها، مجاهدت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها و فقر و بیماری‌هاست. همچنین نتیجه آنچه تحت عنوان تحریم و فشار محاصره اقتصادی به عنوان جنایت علیه مردم ایران به کار گرفته شده بود، می‌باشد.

این بنای عظیم که امروز خلق شده است حاصل

سنگ
هدایت

ایثارها، جهادها، دلسوزی‌ها و خون‌دل‌های با دست خالی و تحمل بسیاری از فشارها و سیاست‌های ناروای غرب علیه مردم است. اگر گام‌ها و موفقیت‌ها و پیشرفت‌های قبلی نبود، امروز با همه زحمات تیم هسته‌ای به این نقطه نمی‌رسید. دکتر روحانی و ظریف دهه قبل هم با غربی‌ها مذاکره کردند ولی امروز ۱۹ هزار سانتریفیوژ و ۱۰ تن اورانیوم ۵ درصد و ۲۰۰ کیلو اورانیوم ۲۰ درصد و رآکتور آب سنگین اراک، در کنار یک اراده‌ حمایتگر ۷۵ میلیونی و نفوذ منطقه‌ای غیر قابل انکار و اقتدار محور مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی و رژیم‌های مرتجع و هدایت همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی، به کمک دکتر روحانی و محمدجواد ظریف آمده‌اند تا این پیروزی بزرگ خلق شود.

این کاملاً منطقی و روشن است که بنای عظمت امروز با گذاشتن آجرهای متوالی ساخته می‌شود و مجموعه‌ای از توانمندی‌های داخلی و خارجی، ملی و فراملی در کنار هم قرار گرفته‌اند تا از یکسو دشمن با احساس شکست و ناتوانی و فقدان گزینه‌های مؤثر در مذاکره حاضر شود. و از سوی دیگر یک باور ملی از غرور ناشی از موفقیت‌ها و پیروزی‌ها و پیشرفت‌ها، موتور محرک مردم و نظام را به سوی فتح قله‌های جدید به حرکت درآورد.

به خوبی می‌دانیم و خودفریبی هم نمی‌کنیم که برداشته شدن تحریم‌ها و یا نقض تحریم‌ها در مشکلات اقتصادی کشور سهم بالایی در کاهش بحران‌های اقتصادی در داخل کشور ندارند، ولی همانگونه که این پیروزی با مداخله مؤلفه‌های هسته‌ای و غیر هسته‌ای به دست آمده است، پیامدهای ناشی از فضای جدید در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی دارای پتانسیلی بسیار گسترده ایست که عرصه‌های مختلف هسته‌ای و غیرهسته‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

شاید روندهای اجرایی توافق و یا شاکله و محتوای این توافق، در زمانبندی مطلوب، به پیش نرود و یا نقصان‌هایی داشته باشد، ولی فضای

روانی ناشی از این توافق که متکی بر اجماع و اقتدار فراگیر ملی است در محیط داخلی قادر به ایجاد یک نشاط و شادمانی پرانرژی و خودباوری نسبت به پیروزی در مقاومت و پایداری و پایداری در اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی است.

این فضای پیروزمندی در محیط منطقه‌ای و خارجی، دوستان را خوشحال و دشمنان را غمگین می‌کند، که پایه‌گذار رخداد‌های جدید و ائتلاف‌های جدید است و سرازیر شدن ظرفیت‌های همکاری از خارج و فعال شدن پتانسیل‌های داخلی، در عرصه‌های اقتصادی، تکنولوژیک، علمی، تحقیقاتی و... موجی از فرصت‌های جدید تولید خواهد کرد که نیازمند برنامه‌ریزی‌ها، مدیریت فرصت‌ها و هوشمندی اجرایی است.

این شادمانی و احساس غرور که ناشی از ناتوانی استکبار و قدرت‌سازی خودی است، عاملی نیست که نقاط ضعف و نقد نسبت به توافق وین را فراموش کنیم. این نقد و آسیب‌شناسی همانقدر ارزشمند است که قدرشناسی از پیروزی‌ها و تلاش‌های تیم‌های مذاکره‌کننده از ابتدا تا کنون نقش بازی کرده‌اند.

این آسیب‌شناسی بخشی از توافق است که باید توسط مجلس و شورای عالی امنیت ملی و همه آحاد مردم که در ساخت پیروزی نقش و سهم داشته‌اند، به اجرا در آید. این کار آنقدر پربهاست که نقاط قوت و مثبت در این توافق نیازمند محافظت و قدردانی است.

برای ارج نهادن به پیروزی، نمی‌توانیم به آمریکا و غرب اعتماد داشته باشیم و فکر کنیم آنچه به دست آمده است حاصل تکریم آنهاست، بلکه آنچه نباید در حاصل کلام نادیده گرفت این است که این توافق، نماد یک آغاز و تحول در محیط ملی و بین‌المللی است. در درون کشور این خودباوری، اثبات شده است که پیروزی با اجماع و وحدت ملی و پایداری و پایداری به دست می‌آید. ملتی شایسته رشد و بالندگی و افتخار است که یک‌صدا و مستمر، بر

حقوق و خواسته‌های قانونی و انسانی خود پافشاری می‌کند.

این سرآغاز در پهنای و گستره بیشتری به مصداق می‌رسد. برای اولین بار در تاریخ صهیونیستی، غرب اولویت‌های خود را بر خواسته‌های افراسی رژیسم صهیونیستی ترجیح می‌دهد. این شکاف رویکردی، نابودکننده اعتمادی است که مهاجران یهودی را در سرزمین غصب‌شده فلسطین جمع کرده است. این جامعه موزائیکی با موج جدیدی از شکنندگی روبه‌روست. همین سرخوردگی در هم‌پیمانان آمریکا و به ویژه ارتجاع عرب است که گزینه‌های آنها را محدود و صفر خواهد کرد، نظم منطقه‌ای جدید در پیش است و نظم جهانی اثبات کرد که نظم تک‌قطبی را به خاک سپرده و نظم جدید هم به سوی چندجانبه‌گرایی و چندقطبی جهانی به پیش می‌رود. آمریکا و دوستانش قادر نیستند اراده خود را بر قدرت‌های دیگر و حتی بازیگران جدید و قدرت‌های جدید جهانی تحمیل کنند و اصرار اوباما در سخنرانی پس از اعلام توافق بر جایگاه جهانی آمریکا بی‌دلیل نیست. اوباما فراموش کرده است که در ده سال گذشته از چه جایگاهی به جایگاه امروز رسیده و خوشحالی آنها از خاصیت مدیریت آمریکا در بحران‌های جهانی، نوعی دلخوشی و خودفریبی است.

آنچه مهم است اینکه همانند، رخداد‌های مهم تاریخی که سرفصل‌های جدید را ساخته‌اند، توافق هسته‌ای وین نیز یک سرآغاز و سرفصل تاریخی است و اگرچه به بهانه پرونده هسته‌ای شکل گرفته است، ولی پیام‌های ریز و درشت زیادی که ارتباطی با پرونده هسته‌ای ایران نیز ندارند، با خود همراه دارد و منتقل می‌کند.

بیانات مقام معظم رهبری

توصیه فرماندهی معظم کل قوا به فرماندهان
جنگ نرم:

اهمیت و اثرگذاری اساتید؛

- استاد فقط به معنای معلم نیست، بلکه به معنای مربی نیز هست؛ این یک راز طبیعیِ مکشوف برای همه است.

- به طور طبیعی تعلیم با امکان تربیت همراه است؛ از این فرصت باید استفاده کرد. اگر استاد ما متدین باشد، دارای غیرت ملی باشد، دارای انگیزه انقلابی باشد، دارای روحیه سخت کوشی باشد، به طور طبیعی اینها به متعلم منتقل می شود.

- باید عناصر مؤمن و انقلابی در هیأت های علمی، قدر دانسته شوند. این را من خطاب به مدیران عزیزمان، به مسئولین وزارت آموزش عالی و وزارت بهداشت و آموزش پزشکی می گویم: قدر بدانید!

نکاتی پیرامون مسأله علم در کشور؛

- رسیدن ما به رتبه بالای علمی، ناشی از شتاب فوق العاده کار بود. طبق آمارهای جهانی، شتاب

پیشرفت علمی در کشور، سیزده برابر متوسط جهان بود؛ این را مراکز آماری علمی دنیا اعلام کردند که ما هم مکرر قبلاً اعلام کردیم. این شتاب، امروز کم شده.

- بنده معتقدم محیط دانشگاه، محیط فهم سیاسی، تحلیل سیاسی، دانش سیاسی، آگاهی سیاسی است؛ این را من مانع نیستم؛ نه، [بلکه می‌گویم] سیاست‌بازی نشود، سیاسی‌کاری نشود، حاشیه‌سازی نشود.
- یکی از غلط‌ترین کارهایی که در این یکی دو سال اخیر اتفاق افتاد، مسأله بورسیه‌ها بود. اگر راست هم بود راهش این نبود که ما مسأله را روزنامه‌ای کنیم.
- تحول در علوم انسانی که به دلایل بسیار یک امر لازم و ضروری است، نیاز دارد به جوششی از درون و حمایتی از بیرون.
- در چشم انداز، ۴ درصد از بودجه عمومی را برای پژوهش در نظر گرفتند؛ ما حالا آن قدر همتان برای این در کوتاه مدت، بلند نیست، اما همان ۱/۵ درصد یا ۲ درصدی که ممکن است و صحبت است، باید انجام بگیرد.
- مسائل مربوط به نقشه جامع علمی کشور باید تبدیل بشود به یک گفتمان و به صورت جدی اجرا بشود.
- نگاه کنیم ببینیم کدام رشته علمی، در کدام دانشگاه و در کدام منطقه کشور دارای اولویت است؛ آمایش علمی سرزمینی کشور به این معنا است.
- در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، دانشجویان دنبال این هستند که یک چیزی را تحقیق کنند، یک چیزی را بنویسند، رساله‌ای را تهیه کنند؛ این احتیاج دارد به یک نظام، احتیاج دارد به یک نگرش کلان، به یک هدایت کلی که چه تهیه بشود که کشور بتواند از آن استفاده بکند.

هدف دشمنان ملت ایران؛

- هدف دشمنان ملت ایران این است که نگذارند این کشور و این ملت

به جایگاه شایسته خودش، آن جایگاه تمدنی، برسد.

- هدف تحریم‌ها مسأله هسته‌ای فقط نیست، مسأله حقوق بشر هم نیست، مسأله تروریسم هم نیست.
- یک ملتی، یک حرکتی، یک هویتی به وجود آمده است مبتنی بر منابعی و مبادی‌ای درست نقطه مقابل مبادی نظام استکبار و نظام ظلم و انظلام؛ نمی‌خواهند این به جایی برسد؛ ما در یک چنین موقعیتی هستیم؛ ما در یک چنین جایگاهی هستیم.
- تحریم‌ها هم البته زحمتهایی ایجاد می‌کند، اما می‌تواند مانع پیشرفت نشود؛ [باید] از ظرفیت‌هایمان استفاده کنیم.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید دانشگاه‌ها

۱۳۹۴/۰۴/۱۳

افسران جنگ نرم در محضر فرماندهی معظم کل قوا:

نکاتی پیرامون سخنان دانشجویان؛

- جوان ایرانی خوشبختانه جوان پرانگیزه و پرشوری است؛ درست نقطه مقابل آن چیزی است که بعضی از مراکز مغرض آماری و غالباً با منشأ خارجی یا اساساً خارجی اعلام می‌کنند. آنها می‌گویند جوان ایرانی افسرده است.
- اگر شعار، خوب، پُرمحتوا، پُرمضمون، حاکی از یک حقیقت قابل گسترش فکری انتخاب بشود، این می‌شود هم حرف، هم عمل؛ مطرح کردن آن جهت‌دهنده و برانگیزاننده است.
- به مسئولین محترم می‌گویم که به هیچ وجه نگذارید افرادی که کلیدهای کار دستشان است، بر تشکل‌های انقلابی و تشکل‌های اسلامی سخت‌گیری کنند.
- اینکه ما بیایم دانشجویها را به خیال خودمان برای نشاط بخشیدن

به محیط دانشجویی، به اردوی مختلط ببریم یا کنسرت موسیقی در دانشگاه تشکیل بدهیم، جزو غلط‌ترین کارها است.

- ما که گفتیم کرسی آزاداندیشی، از اول نظرمان همین بود؛ کسی بیاید و نظر مخالف خودش را هم بگوید؛ منتها شما جوان دانشجوی انقلابی مسلمان ولایی، آن قدرت منطق و قوت استدلال را پیدا کنید که بتوانید قشنگ بروید با خونسردی در مقابل او قرار بگیرید و استدلال او را باطل کنید.

- شما حرف من را از خود من بشنوید. ممکن است یک نفری جزو منصوبین رهبری هم باشد، درباره فلان مسأله یک عقیده ای خلاف رهبری هم داشته باشد، هیچ اشکال ندارد؛ این جور چیزی هم هست.

- اگر مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه با استکبار که تمام نمی‌شود. آمریکا اتم مصادیق استکبار است.

- هرچه ما بتوانیم در جامعه مسأله مشکل جنسی جوان‌ها را حل کنیم، این به نفع دنیا و آخرت جامعه ما است.

آرمان‌خواهی؛ فریضه دانشجویی؛

- مهم‌ترین کار برای اعتلای معنوی و روحی، پرهیز از گناه است؛ این مهم‌ترین کار است. سعی کنید از گناه پرهیز کنید... بلافاصله بعد از این، انجام فرائض است؛ در میان فرائض هم از همه مهم‌تر نماز است؛ نماز اول وقت، باحضور قلب.

- یکی از فرائض هم فرائض دانشجویی است... اولین فریضه دانشجویی عبارت است از آرمان‌خواهی. یک عده‌ای تبلیغ می‌کنند و وانمود می‌کنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی.

- همه پیغمبران همین جورند. ادیان الهی آمده‌اند برای اینکه در

- جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد.
- بایستی دنبال تفکر اعتماد به نفس ملی و اعتقاد به قدرت و توانایی ملی [بود] و به عنوان یک آرمان حتماً باید تعقیب بشود.
- دعوای با جمهوری اسلامی این است که این، نظام سلطه گر و سلطه‌پذیر را نپذیرفته [است].
- مسأله عدالت‌خواهی خیلی مهم است، شعب گوناگونی دارد؛ به اسم هم اکتفا نباید کرد، باید واقعاً دنبال بود.
- لعنت بر آن کسانی که برخلاف سنت‌های اسلامی و سنت ازدواج، با سنت ازدواج صریحاً مخالفت می‌کنند و بعضی از منشورات ما و دستگاه‌های فرهنگی ما متأسفانه این را ترویج می‌کنند؛ باید با اینها مقابله کرد.
- دانشجو تصمیم‌ساز است؛ دانشجو گفتمان‌ساز است. شما وقتی که یک آرمانی را دنبال می‌کنید، می‌گویید، تکرار می‌کنید و بجد پای آن می‌ایستید، این یک گفتمان در جامعه ایجاد می‌کند، این موجب تصمیم‌سازی می‌شود.

الزامات تأثیرگذاری شکل‌های دانشجویی

- خیلی از بچه‌های جوان ما -دانشجو و غیر دانشجو- وقت‌هایشان را هدر می‌دهند، در این شبکه‌های اجتماعی و مانند اینها می‌گردند یا در بعضی از جلسات بیهوده می‌نشینند. وقتتان را هدر ندهید، وقتتان را درست مصرف کنید، هم به درس برسید، هم به کار تشکیلاتی برسید.
- بگردید در مجموعه بیانات امام، در مجموعه معارف انقلاب اسلامی، در مطالعه دقیق قرآن و نهج‌البلاغه، آرمان‌ها را فهرست کنید، طبقه‌بندی کنید، دسته‌بندی کنید، روی اینها کار کنید و بر آرمان‌ها ایستادگی کنید.
- واقعیت‌ها نباید ما را از آرمان‌ها دور کند؛ واقعیت‌ها باید مثل پلکانی ما را به آرمان‌ها نزدیک کند. اگر یک واقعیت مزاحمی هم پیدا شد، با آن

مقابله کنیم.

- یکی از این الزامات عبارت است از کار بر روی مفاهیم اسلامی، یعنی عمقی روی مسائل کار کردن؛ سطحی‌نگری ضرر میزند.
- تفکر وقتی خدایی نشد، سلیقه‌ای است؛ سلیقه‌ای که شد، آن وقت ارزش‌ها بر اساس منافع گروه‌های قدرتمند تعریف خواهد شد.
- اگر معنای اسلام رحمانی این است که ما با دشمنانی که علیه اسلام، علیه ایران، علیه ملت ایران، علیه پیشرفت ایران دارند تلاش می‌کنند و از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند، بایستی با چهره محبت‌آمیز، با دل صاف و پاک برخورد کنیم، نه، این اسلام نیست.
- یکی از الزاماتِ اثرگذاری این است که بتوانید بدنه دانشجویی را جذب کنید... البته جذابیت از راه اردوی مختلط، صددرصد غلط و خطا است.
- من شنیده‌ام در دانشگاه ما یک جریان‌هایی باز دارند حرف مارکسیسم را دوباره زنده می‌کنند... اگر واقعیت داشته باشد و الان جریان مارکسیستی به صورت فکری در دانشگاه ما فعال باشد، قطعاً پول آمریکایی‌ها دنبالش است.
- در اسلام، اقناع داریم؛ معنای این «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» هم که در قرآن هست، این است، یعنی تفکر دینی را جز با اقناع نمی‌شود منتقل کرد و منعکس کرد. بتوانید اقناع کنید؛ این، جاذبه ایجاد می‌کند.
- از عناصری که نامطمئن بودنِ خودشان را اثبات کردند، مطلقاً استفاده نکنید؛ مطلقاً استفاده نکنید.
- یکی از چیزهایی که برای تشکل‌ها به نظر من خیلی لازم است و خوب است، فهم وضع کنونی کشور است.

تفرقه‌افکنی؛ سیاست دشمن در دنیای اسلام

- امروز در دنیای اسلام گرفتاری‌ها بسیار زیاد است. اسلام این همه بر

وحدت و یکپارچگی مسلمین و برادری مسلمانان تأکید فرموده است... با این همه سفارش و تأکید، امروز ما مسلمان‌ها متأسفانه به این دستور اسلام عمل نمی‌کنیم.

- من می‌خواهم از آحاد مسلمین، مخصوصاً از علما، روشنفکران، مسئولان دولت‌ها، سیاستمداران، زبده‌گان، نخبگان در همه کشورها درخواست کنم که دست خائن دشمنان امت اسلامی را در این تفرقه ببینند و مشاهده کنند. این تفرقه طبیعی نیست.

- این تفرقه را تزریق می‌کنند به دنیای اسلام؛ چرا؟ برای اینکه منافع قدرت‌های بزرگ در این تفرقه است. نمی‌خواهند امت اسلامی یکپارچه باشد.

- اگر امت اسلامی یکپارچه بود، اگر بر روی مشترکات خود تکیه می‌کرد، در سپهر سیاست جهانی بدون تردید یک قدرت منحصربه‌فرد می‌شد.

- فکر کردند ملت‌ها را باید از صهیونیسم منصرف کنند. چه کار کردند؟ این جنگ‌های داخلی را راه انداختند؛ این جنگ‌های سنی و شیعه، این سازمان‌های جنایت‌کاری از قبیل القاعده و داعش و امثال اینها، ساخته و پرداخته شدند برای اینکه ماها را به جان هم بیندازند و ملت‌ها را در مقابل هم قرار بدهند.

سیاست‌های خائنانه قدرت‌های استکباری در منطقه؛

- در عراق، سیاست قدرت‌های استکباری این است که نظام برآمده از انتخابات و اکثریت و دموکراسی را سرنگون کنند.

- در سوریه، سیاست استکبار این است که به هر قیمتی، دولتی را که شناخته شده است به مقاومت در مقابل صهیونیسم، سرنگون کنند؛ سیاست ما ضد این است.

- آمریکایی‌ها [حزب‌الله لبنان] را می‌گویند تروریست و ایران را به خاطر حمایت از اینها می‌گویند مدافع تروریسم! مدافع تروریسم، شما

هستید. شما هستید که داعش راه می‌اندازید، تروریست تربیت می‌کنید و صهیونیست‌های خبیث و تروریست را زیر بال خودتان نگه می‌دارید.

- الان نزدیک چهار ماه است که دارند یمن را می‌کوبند. چه کسی را می‌زنند؟ مساجد را، بیمارستان‌ها را، شهرها را، خانه‌ها را می‌زنند، مردم بی‌گناه و بچه‌ها را می‌کشند؛ جرم اینها چیست؟ آمریکا از اینها حمایت می‌کند.

- الان هم [شما آمریکایی‌ها] دارید اشتباه می‌کنید؛ با مستبدترین رژیم‌ها دست دوستی می‌دهید، دستتان در یک کاسه است.

نکاتی پیرامون مسأله هسته‌ای

- [آمریکایی‌ها] کسانی نیستند که حرف راست از دهانشان خارج بشود؛ صداقت در اینها نیست. در همین آزمایش دشوار مذاکرات و توافق هسته‌ای [بی‌صداقتی‌های متعدد و مکرر آنها در طول این زمان نشان داده شد.

- ملت ایران باید متحد باشد. از این قضایای هسته‌ای و غیر هسته‌ای و مانند اینها، دودستگی درست نشود که هر دسته یک جور بگویند -بالاخره یک کاری است دارد انجام می‌گیرد، مسئولینی دارد، دنبال می‌کنند؛ ان شاءالله آنچه منافع ملی است تشخیص بدهند و دنبال آن باشند- بین مردم نباید دودستگی به‌وجود بیاید.

- اگر یک ملتی از درون، خود را قوی کند، علم خود را، صنعت خود را، ایمان خود را، فرهنگ خود را تقویت بکند، نیروهای بیرونی نمی‌توانند رویش تأثیر بگذارند. این نسخه‌ای است که امروز همه ما بایستی به این نسخه عمل کنیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۴/۰۴/۲۷

تحلیلی کوتاه بر مواضع رهبر معظم انقلاب^۱

پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای ۲۳ ماهه جمهوری اسلامی ایران با گروه ۵+۱ درباره پرونده سیزده‌ساله هسته‌ای ایران، رهبر انقلاب در پاسخ به نامه رئیس‌جمهور محترم و نیز خطبه‌ها و همچنین دیدار مسئولین نظام و سفرای کشورهای اسلامی در عید فطر ضمن اعلام سیاست‌های کلی نظام در خصوص ادامه مبارزه با استکبار و سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه به بیان نظرات تکمیلی خود درباره این موضوع پرداختند که در این بین چند نکته قابل تأمل است:

۱- تشکر از تیم مذاکره‌کننده: رهبر انقلاب پس از پایان مذاکرات، تشکر خود را از تیم مذاکره‌کننده بیان داشتند و گفتند: «چه این متنی که تهیه شده است، در مجاری قانونی پیش‌بینی شده خود تصویب بشود و چه نشود، اجر آنها محفوظ است». تشکر و قدردانی رهبر معظم انقلاب از آن جهت حائز اهمیت است که با انتشار متن جمع‌بندی و ضمائم آن، برخی از انتقاد سالم تجاوز کرده و به فضای تخریب و اختلاف و دودستگی دامن زدند. البته نگاه نقادانه به این جمع‌بندی با توجه به بدعهدی طرف مقابل کاملاً طبیعی است، اما در این بین، برخی مجدداً و علی‌رغم توصیه و تأکیدات رهبر انقلاب به‌خصوص در دیدار با مسئولان نظام، باز هم تیغ انتقاد خود را به نحوی به سمت تیم مذاکره‌کننده برده‌اند که گویی متن جمع‌بندی جز با خیانت آنها آماده نشده است. این رویکرد دقیقاً برخلاف حکمت و مصلحت بوده و در مسیر ریل‌گذاری شده رهبر انقلاب قرار ندارد.

از طرفی هم برخی از این ابراز تشکر رهبر معظم انقلاب از زحمات تیم مذاکره‌کننده را مترادف تأیید نتیجه مذاکرات می‌دانند که این نگاه هم اشتباه

^۱ - پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) -

است. رهبر معظم انقلاب در دیدار رضائی امسال خود با مسئولان نظام گفتند: «من از همه توانی که در اختیارم هست استفاده خواهم کرد برای کمک به دولت؛ دولت را تأیید می‌کنم، حمایت می‌کنم، مثل همه دولت‌های گذشته... همه دولت‌هایی که بعد از انقلاب سر کار آمدند، دولت‌های منتخب مردمند و بنده در همه این دوره‌ها - آن‌وقتی که مسئولیت داشتم - از همه این دولت‌ها حمایت کردم. همه دولت‌ها هم نقاط مثبتی دارند، [هم] نقاط منفی‌ای دارند؛ هیچ دولتی نیست که بگویم من همه نقاط مثبت است یا کسی بگوید همه نقاطش منفی است؛ نه، مثبت و منفی مخلوط است».

۲- تأکید بر طی کردن مسیر قانونی: پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات

در وین، برخی توقع داشتند رهبر انقلاب موضع حمایتی و یا انتقادی آشکاری اتخاذ کنند، در حالی که هنوز مسیر قانونی و ساز و کار مشخص‌شده برای این توافق به انتها نرسیده است. امام جواد علیه‌السلام می‌فرمایند: «إظهارُ الشَّيْءِ قَبْلَ أَنْ يُسْتَحْكَمَ مَفْسَدَةٌ لَهُ؛ آشکار کردن چیزی پیش از استوار شدن، مایه تباهی آن است.» (تحف العقول ص ۴۵۷) تأکید رهبر انقلاب بر طی شدن مسیر قانونی از دو جهت قابل تأمل است:

الف) به دلیل بدعهدی و نقض عهدهای فراوان از طرف مقابل و به‌خصوص آمریکا، این جمع‌بندی باید کاملاً ارزیابی و به‌اصطلاح، «چکش‌کاری» شود تا راه سوءاستفاده را برای طرف مقابل ببندد.

ب) نگاهی به گذشته و حال در تاریخ جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که سبک رهبری و سیاست‌گذاری کلان معظم‌له، همچون بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی^(ره)، برای تصمیم‌گیری درباره مهم‌ترین مسائل کشور، طی شدن فرایندهای قانونی و استفاده از ظرفیت عقل جمعی بوده است. از سال ۱۳۸۳ که پرونده هسته‌ای ایران به جریان افتاد، تاکنون سه دولت مسئولیت رسیدگی به این پرونده را برعهده داشته‌اند. سه دولت با رویکردها و تاکتیک‌های متفاوت و بعضاً متضاد که هرکدام روش‌های خود را

در چارچوب خطوط قرمز برای ورود به این پرونده لحاظ کرده‌اند. در طول همین مدت هم، مسائل آن در مقاطع مختلف با عنایت به خطوط اصلی، ملاحظات، رویکردها و روش‌های دولت‌های برآمده از رأی مردم پس از طی شدن فرایند قانونی به جمع‌بندی و تصمیم‌گیری رسیده است. سیره رفتاری رهبر انقلاب در این زمینه نشان می‌دهد که نه مثل برخی باید ذوق‌زده بود و نه مانند برخی دیگر برای اصول انقلاب فاتحه خواند! بلکه باید تا پایان یافتن و قوام پیدا کردن مسأله پیچیده مذاکرات هسته‌ای، در تحلیل‌ها و نقدهای مان نیز این ملاحظه را رعایت کرد.

۳- پرهیز از دو دستگی: رهبر انقلاب در دیدار با مسئولین نظام و سفرای کشورهای اسلامی در روز عید فطر فرمودند: «ملت ایران نیز باید متحد باشد و قضایای هسته‌ای نباید زمینه‌ساز دودستگی در کشور شود.» در این زمینه باید گفت که یکی از مهم‌ترین حربه‌های دشمنان انقلاب اسلامی، تبدیل فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران به تهدید، برای خودش است. نمونه بارز آن را می‌توان پس از انتخابات سال ۸۸ مشاهده نمود که چطور مشارکت بالای ۸۵ درصدی مردم در انتخابات که باید سکوی پرتاب جمهوری اسلامی در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای می‌شد، موجب مخدوش کردن چهره نظام اسلامی شد. باید از پس این رخدادها و فتنه‌ها درس بگیریم که چگونه از فرصت‌های مان در جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی گام برداریم. باید مراقب بود که مسأله ما در مذاکرات، حل پرونده هسته‌ای است نه یارکشی انتخاباتی و نه دعوای سیاسی و حزبی.

۴- نگاه روندنگر به پرونده هسته‌ای: نگاه کلان و روندنگر یکی از نقاط مهم در سخنان رهبر انقلاب بوده است؛ چنانچه ایشان در خطبه‌های عید فطر فرمودند: «ده سال، دوازده سال است که شش دولت بزرگ جهانی - که از لحاظ ثروت اقتصادی و غیره، جزو کشورهای مقتدر دنیا محسوب می‌شوند - اینها نشسته‌اند در مقابل ایران، با هدف اینکه ایران را از پیگیری صنعت

هسته‌ای خودش باز بدارند ... نتیجه [اش] این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتریفیوژ را در کشور تحمّل کنند؛ ناچار شدند ادامه این صنعت را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه تحقیقات و توسعه این صنعت را تحمل کنند». بنابراین نگاه نقطه‌ای، مقطعی و فنی صرف موجب می‌شود که در تحلیل این مسأله به خطا برویم. برای تحلیل پرونده‌ای با این زوایای پیچیده که شامل مرور زمان هم شده است، اندکی باید بیشتر تأمل و تحمل کرد و با نگاهی کلی به روند پرونده هسته‌ای کشور، منصفانه داده‌ها و ستانده‌ها را بررسی و قضاوت کنیم.

رهبر انقلاب ضمن آنکه هشدار دادند که باید راه خدعه‌های طرف مقابل بسته شود، راه حل مشکلات را در وحدت آحاد مردم دانستند. و مگر نه این است که فرمایشات این روزهای رهبری و توجه به آنها چراغ راه امت مسلمان ایران است؟!

بحران یمن و مذاکرات ژنو؛ دلایل ناکامی و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

محمد رضا فرهادی

چکیده

مهم‌ترین دلیل عربستان سعودی از حمله به یمن، مقابله با انقلاب و جلوگیری از تبدیل شدن این کشور به یک الگو برای سایر کشورهای منطقه بود. با گرفتار شدن آل سعود در یمن سایر بازیگران هم‌پیمان این کشور در صدد خروج عربستان از این بحران بدون اذعان به شکست حملات آن برآمدند که در این راستا برگزاری نشست‌های بین طرفین (هیأت ریاض به نمایندگی از عربستان و منصور هادی و هیأت یمن به نمایندگی از انصارالله و دیگر گروه‌های یمنی) از مهم‌ترین برنامه‌های ائتلاف بود. کنفرانس ژنو که در واقع بعد از نشست ریاض (بدون دعوت از انصارالله در ریاض تشکیل و مهم‌ترین اصل آن تأکید بر قطعنامه شورای امنیت بود) با کارشکنی طرف سعودی و درخواست‌های نامعقول آنان همچون

عقب‌نشینی انصارالله از مناطق تحت تصرف خود و خلع سلاح این جنبش به شکست انجامید. کنفرانس ژنو به خوبی نشان‌دهنده عدم یک تصمیم قاطع برای خاتمه بحران در یمن بود که کشورهای مختلف همچون عربستان و آمریکا هر کدام درصدد اهدافی (همچون امتیازگیری از انصارالله و عقب‌نشینی از شهرهای مهم یمن) بودند که با مقاومت انصارالله با پیشنهادهای طرف مقابل این کنفرانس به نتیجه خاصی نایل نشد.

کلیدواژه‌ها: یمن، آمریکا، نشست ژنو، عربستان، بیداری اسلامی

مقدمه

همزمان با بیداری اسلامی در کشورهای جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا، کشور یمن نیز تظاهراتی را علیه دیکتاتوری علی عبدالله صالح آغاز نمود که با طرح شورای همکاری خلیج فارس، معاون عبدالله صالح (منصوره‌ادی) به قدرت رسید، اما به علت ناکارآمدی وی و همچنین مهلت دوساله بر مبنای طرح شورای همکاری برای تعیین رئیس جمهور در یمن، تظاهراتی به رهبری جنبش انصارالله صورت پذیرفت که با ساقط شدن هادی از قدرت و تشکیل شورای انتقالی، این کشور وارد مرحله‌ای جدید از اتفاقات سیاسی شد. در این راستا بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مخالف با انقلاب یمن به رهبری عربستان حملاتی را علیه مردم بی‌گناه یمن صورت دادند که هدف اصلی از این حملات تغییر نگرش در رهبران انصارالله و عقب‌نشینی از شهرهای مهم و همچنین فشار به مردم این کشور برای روی گردانی از جنبش انصارالله بود، اما به تدریج و با ناکارآمدی این حملات کشورهای ائتلاف درصدد مذاکراتی برای برون رفت از وضع موجود بودند که خواست طرف یمنی بر انجام مذاکرات در یمن بود، اما با مخالفت طرف مقابل

روبه‌رو گردید که هدف خود را امتیازگیری بیشتر از انصارالله می‌دانست. طبق توافقات صورت گرفته گروه‌های یمنی در ژنو گرد هم آمدند اما بنا بر زیاده‌خواهی‌های هیأت ریاض (منصور هادی) این مذاکرات به نتیجه مشخص و کاملی نرسید. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به علت ناکارآمدی نشست ژنو و نقش بازیگران مختلف (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) در به شکست کشاندن این نشست می‌باشد.

چگونگی شکل‌گیری بحران یمن

همزمان با شروع بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در اواخر سال ۲۰۱۰م، قیام مردم یمن علیه دیکتاتوری علی عبدالله صالح نیز آغاز شد. این قیام پس از چند ماه به سرنگونی وی منجر شد، اما با دخالت غرب و برخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از جمله عربستان این قیام منحرف و منجر به ریاست جمهوری عبدربه منصور هادی شد. وی نیز همان روش و شیوه‌های حکومتداری علی عبدالله صالح را در پیش گرفت. گران شدن انرژی در این کشور بهانه خوبی به جنبش انصارالله داد تا جلوی انحرافات رئیس‌جمهور را بگیرد. پس از چند هفته تظاهرات و اعتراضات در صنعا و چند شهر دیگر یمن، بعد از مدت‌ها و با میانجگری سازمان ملل توافقی میان طرفین (انصارالله و منصور هادی) صورت گرفت که در آن به خواست‌ها و شروط انصارالله که یکی از مهم‌ترین آنها تقسیم قدرت در بین جریان‌های مختلف بود، اشاره شده بود. یکی از شرایط توافق‌نامه در واقع تشکیل یک کمیته‌ای برای تدوین پیش‌نویس قانون اساسی بود که با شکل‌گیری آن و تدوین این پیش‌نویس، مفادی که دوطرف بر روی آن تمرکز کرده بودند از سوی نمایندگان دولت رعایت نشد. با گسترش اعتراضات مردمی علیه منصور هادی دو عامل زیر سبب اوج‌گیری در تحولات یمن شد:

۱- بازداشت عوض بن مبارک (نخست‌وزیر سابق و مسئول دفتر دولت هادی): بازداشت بن مبارک (وی متولد ۱۹۶۶م در عدن و دارای مدرک دکترای مدیریت بازرگانی از دانشگاه بغداد بوده و همچنین دارای سوابق همچون مسئول کارکنان اتحادیه کشورهای حاشیه اقیانوس هند و مدیریت مرکز مطالعات عالی در دانشگاه صنعا و... بوده و در این اواخر از سوی منصور هادی به عنوان نخست‌وزیر معرفی گردید که با مخالفت انصارالله به سمت مسول دفتر رئیس جمهوری رسید.) از سوی کمیته‌های مردمی وابسته به انصارالله باعث شد که هر یک از دو طرف تفسیری مختلف از آن ارائه کنند. دولت عبدربه و حامیان غربی و عربی آن، از این اقدام به آدم‌ربایی تعبیر کردند و کوشیدند از آن به اقدام تروریستی تعبیر کنند. حال آنکه انصارالله و حوثی‌ها آن را به بازداشت انقلابی تعبیر کردند که در واکنش به تلاش‌های ایذایی وی برای کودتا علیه دستاوردهای انقلاب صورت گرفت. البته به اعتقاد کارشناسان، حوثی‌ها با این اقدام قصد ارسال هشدار و پیام به دولت عبدربه را نیز داشتند که اگر چنانچه از چارچوب توافقات گذشته خارج شوند و در مسیر اهداف و سیاست‌های عربستان قرار گیرند، به سرنوشت عوض بن مبارک دچار خواهند شد.

۲- فدرالی کردن یمن: از زمانی که یمن جدید شکل گرفته این کشور در اغلب مقاطع تاریخی به صورت بسیط و مرکزی اداره شده است و در مواردی هم که یمن به دو بخش شمالی و جنوبی در فضای جنگ سرد تقسیم شده بود به مدت چند دهه به صورت دویاره اداره شده اما در نهایت در هر دو کشور تمرکز قدرت حاکم بوده است. با این حال نسخه جدیدی که تلاش می‌شد در چارچوب قانون اساسی جدید یمن به کشور تجویز شود، نظام فدرال بود، آن هم به صورت چند ایالتی که این نسخه علاوه بر اینکه خطر تجزیه این کشور را به همراه داشت، تلاشی برای محروم کردن حوثی‌ها

و زیدی ها به عنوان اکثریت حاکم بر یمن از دسترسی به دریا بود. از این رو این طرح پیش از اینکه اهداف و مصالح کلان یمن واحد را به همراه تأمین خواسته ها و مطالبات انقلابیون مورد توجه قرار دهد، در اصل کنترل و محدود کردن حوثی ها را هدف قرار داده و بر همین اساس از همان ابتدا با مخالفت انصارالله مواجه شده بود. در واقع هدف اصلی از طرح نظام فدرالی یکی جلوگیری از خودمختاری منطقه جنوبی و دوم هم عدم دسترسی انصارالله به خلیج عدن و دور بودن از تنگه راهبردی باب‌المندب بود. در واقع با طرح چنین پیشنهادی بود که انصارالله از وجود کودتا و تجزیه کشور خبر داد و این اصل را مخالف با توافق طرفین بر اساس توافق قبلی دانستند و شروع کشمکش‌های طرفین از همین بحث آغاز شد.

دو عامل فوق جرعه‌های درگیری دوباره در یمن را صورت داد که با آزادی بن مبارک و عدم تمکین منصور هادی به توافق صورت گرفته با انصارالله موسوم به توافق صلح و شراکت (که مهم‌ترین بند آن شرکت سایر گروه‌های یمنی در کابینه بود)، نیروهای انصارالله و دیگر گروه‌های یمنی به این نتیجه رسیدند که رئیس جمهور فعلی در راستای برنامه‌های کشورهای خارجی عمل کرده و منصور هادی با بی‌توجهی به خواسته‌های انقلابیون و فراهم کردن زمینه دخالت عربستان در یمن و توجه به مهره‌های رژیم عبدالله صالح، زمینه اختلاف با نیروهای انقلابی - که رهبری آن‌ها را حوثی‌ها (نیروهای انصارالله) بر عهده دارد- شد و در جهت طرح‌های آمریکا و عربستان، یمن را به سوی جنگ داخلی و تجزیه پیش برد و از سمت خود استعفا داد. تحلیل‌گران مسائل یمن اعتقاد دارند این اتفاق با دستور مستقیم آمریکا و کشورهای خلیج فارس رخ داده است تا نیروهای انقلابی را دچار تردید کرده و آن‌ها نتوانند خلأ ناشی از این استعفا را پر کنند و با پیامدها و آثار آن در ابعاد مختلف به ویژه در زمینه مسائل مربوط به زندگی عمومی

مردم تعامل کنند. آن‌ها تصور می‌کردند این موضوع در نهایت به تسریع تجزیه و شکاف در کشور منجر می‌شود؛ به ویژه اینکه هجمه تبلیغاتی و تلاش‌های داخلی و خارجی برای تحریک برگه‌های فرقه‌گرایانه و مذهبی و افزایش اختلافات مناطق مختلف یمن برای تعمیق بحران و پیچیده‌تر کردن اوضاع کنونی کشور در دستور کار کشورهای مداخله‌جو قرار گرفت. اما انصارالله با تشکیل شورای انتقالی و شورای ریاست جمهوری در عمل این خلأ را پر کرد.

نیروهای انصارالله در جهت حفظ وحدت و تمامیت ارضی یمن و دفاع از خواسته‌های مردم و جلوگیری از درگیرهای داخلی، کنترل شهر صنعا، پایتخت یمن، را در دست گرفتند و منصور هادی را که از مقام خود استعفا داده بود، در حصر خانگی قرار دادند. منصور هادی در اسفندماه سال گذشته از حصر خانگی فرار کرد و علی‌رغم استعفا از مسئولیت، با پشتوانه عربستان و سایر دولت‌های ذی‌نفع در یمن به جنوب این کشور گریخت و با تشکیل یک دولت مستقل در عدن سعی در تجزیه این کشور را داشت که با عدم همراهی گروه‌های جنوبی حتی موفق به تشکیل کابینه نیز نشد. در راستای شکست‌های پی‌درپی منصور هادی و کشورهای حامی وی و موفقیت‌های انصارالله کشورهای هم‌پیمان منصور هادی با چراغ سبز آمریکا به گزینه آخر خود یعنی حمله نظامی به یمن روی آوردند. آل سعود که در ابتدا یک حمله همه‌جانبه را به یمن در ذهن می‌پروراند با عدم همراهی کشورهای موثلف همچون پاکستان در حمله زمینی تنها به حملات هوایی اکتفا کرده که تا به امروز که نزدیک به چهار ماه از حملات هوایی به یمن می‌گذرد هنوز دستاورد خاصی برای کشورهای ائتلاف نداشته است و همین امر موجب شد که به صورت آبرومندانه‌ای درصدد برون‌رفت از بحران فوق برآیند و در این راستا بود که طرح نشست‌های سیاسی و گفتگوهای سیاسی برای حل بحران بین

طرفین (منصور هادی و انصارالله) پیشنهاد شد، اما با مخالفت انصارالله مواجه گردید و علت اصلی مخالفت انصارالله برگزاری نشست در یمن بود نه کشور دیگر. بنابراین طرفین موافقت کردند که گفتگوهای خود را در ژنو سوئیس و زیر نظر سازمان ملل برگزار کنند که این مذاکرات بنابر کارشکنی‌های هیأت ریاض به شکست انجامید.

نشست ژنو

قبل از برگزاری این نشست کنفرانس ریاض در کشور عربستان تشکیل شد که دستور کار این کنفرانس تأکید دوباره بر قطعنامه شورای امنیت (۲۲۱۶) بود. (این قطعنامه خلع سلاح انصارالله، عقب‌نشینی از شهرهای یمن و بازگشت به استان صعده و همچنین تحریم رهبران انصارالله خروج از کشور اشاره می‌کند). در بیانیه پایانی کنفرانس ریاض مباحثی مطرح شد که مهم‌ترین بندهای آن تشکیل هسته‌های اولیه ارتش و نیروهای امنیتی به رهبری تشکیلاتی ملی که در فساد نقش نداشته باشد و نیز استفاده از تمامی ابزارهای نظامی برای پایان دادن به شورش و درگیری‌ها در یمن، همچنین به حل مسأله رهبران نظامی که در درگیری‌ها و خشونت‌ها در یمن نقش داشته‌اند پرداخته و از نهادهای بین‌المللی می‌خواهد تا هرگونه معاملات مالی و روابط دیپلماتیک را با شورشیان و کسانی که به درگیری‌ها در یمن دامن می‌زنند، متوقف کنند، در این پیش‌نویس در خصوص جنبش انصارالله (شیعیان حوثی) آمده که باید اوضاع استان صعده به وضعیت قبل از جنگ ۲۰۰۴ برگردد و در نهایت باید نهادهای دولت از طریق مجازات افرادی که به صورت غیرقانونی این نهادها را اشغال کرده اند فعالیت خود را آغاز کنند و همچنین سلاح‌ها و تجهیزات بازپس گرفته‌شده و تمامی شبه نظامیان از شهرهای یمن عقب‌نشینی کنند. در این پیش‌نویس همچنین خواسته شده تا

قطعه‌نامه ۲۲۱۶ شورای امنیت و تمامی قطعه‌نامه‌های مربوطه اجرا شده و در ایجاد مناطق امن در داخل یمن سرعت بخشیده شود. اما این دستور کار با مخالفت انصارالله مواجه شد و هیچ کدام از مفاد مورد نظر توسط طرفین یمنی پذیرفته نشد. بسیاری معتقد بودند که برگزاری کنفرانس ریاض با هدف مقدمه‌سازی برای پیش بردن اهداف عربستان در کنفرانس ژنو بود که در عمل این اتفاق رخ نداد و این کنفرانس بیش از همه بُعد تبلیغاتی پیدا کرد. بنابراین با این مقدمه، روشن می‌شود که سعودی‌ها به کنفرانس ژنو به دید فرصتی برای به دست آوردن آنچه از طریق حملات هوایی تأمین نشده است، می‌نگریستند. بر همین اساس کنفرانس ژنو در روز ۲۵ خردادماه سال جاری و بعد از چند روز تأخیر انجام گرفت که با کارشکنی عربستان هیأت صنعا بعد از کش‌وقوس‌های فراوان سرانجام به ژنو رسید.

مواضع طرف‌های گفتگو

با شروع گفتگوها، بان کی مون دبیرکل سازمان ملل، خواهان برقراری آتش بس دو هفته‌ای در طول ماه رمضان شد. بنابراین محور اعلامی در این گفتگوها از طرف برگزارکنندگان "برقراری آتش بس" بود. با این حال "یاسر العوادی" عضو هیأت یمنی با بیان این که ما به دنبال آتش بس عمومی و نه یک ماهه و در طول ماه رمضان هستیم، خواهان گفتگو با طرف عربستانی شدند. در دیگر سو هیأت ریاض نیز آتش بس انسان دوستانه را باعث سوءاستفاده برخی گروه‌ها خواند و خواهان دستیابی به راه حل جامع و پایدار شد.

در مورد دیگر مواضع و خواسته‌های مطرح شده از سوی هیأت یمنی که البته به صورت نه چندان رسمی بیان شده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- عدم گفتگوی مستقیم با منصور هادی و نمایندگان او به دلیل مشروعیت نداشتن؛
- ۲- پیشنهاد گفتگوی مستقیم با سعودی‌ها به عنوان کشور حمله‌کننده؛
- ۳- توقف حملات هوایی پیش از توافق برای آتش‌بس؛
- ۴- اعتراض به حضور برخی از افراد در هیأت ریاض از جمله عبدالوهاب الحمیقانی که به خاطر پشتیبانی از القاعده یمن مورد پی‌گرد بین‌المللی قرار دارد.

در مقابل هیأت ریاض بر موارد زیر تکیه داشت:

- ۱- اصرار بر عقب‌نشینی انقلابیون از مناطق تحت کنترل خود؛
 - ۲- اعتراض به تعداد بیش از دو برابر اعضای توافق‌شده (ده نفر)؛
 - ۳- مواجهه با انصارالله به عنوان یک نیروی شورشی و اتهام‌زنی.
- هر یک از هیأت‌های یمن و ریاض و همچنین نماینده سازمان ملل در امور یمن در پایان گفتگوهای غیرمستقیم، ارزیابی خود را از گفتگوها بیان کردند. "حمزه الحوثی" نماینده انصارالله گفت: «من کاملاً ناامید شدم، ما تمام تلاش خود را برای موفقیت گفتگوها انجام دادیم، اما موانع زیادی وجود داشت، به خصوص درخواست عقب‌نشینی». وی افزود: «ما نمی‌توانیم عقب‌نشینی کنیم و یک محیط خلأ به وجود آوریم. به هر حال من امیدوارم که بتوانیم در آینده نزدیک به گفتگوها ادامه دهیم». در طرف مقابل "ریاض یاسین" وزیر امور خارجه دولت فراری یمن، با متهم کردن حوثی‌ها آن‌ها را به دلیل عدم اجازه برای پیش‌برد امور مورد انتظار ملامت کرد. وی ادامه داد: «اما این به معنای شکست ما نیست». ریاض یاسین در حالی هیأت یمنی را حوثی می‌خواند که در واقع این هیأت نمایندگان گروه‌های مختلف سیاسی این کشور و نه یک قومیت یمنی بودند. (www.tabincenter.ir)

دلایل شکست گفتگوها

در بحث چرایی شکست این مذاکرات می‌توان به عوامل زیر اشاره نمود:

۱. عدم گفتگو دو هیأت یمنی و ریاض:

دو گروه مزبور به هیچ وجه با هم مذاکره مستقیم نداشتند و خواسته‌های خود را با مذاکره با "احمد ولد شیخ" نماینده سازمان ملل، انجام می‌دادند و در واقع این فرد بیشتر نقشی واسطه‌ای را ایفا می‌کرد. بنابراین وقتی دو طرف مذاکره‌کننده از اول همدیگر را قبول نداشته باشند و به نوعی مشروعیت یکدیگر را زیر سؤال ببرند، نمی‌توان آینده روشنی برای این مذاکرات متصور بود.

۲. وجود شکاف و چنددستگی بین طرفین:

همان‌طور که در مواضع دو طرف ذکر گردید، هیأت ریاض که در ابتدا توافق شده بود که بحث قطعنامه شورای امنیت را مطرح نکند، در این کنفرانس به این قطعنامه استناد نمود و انصارالله نیز پیش‌تر از عدم مورد قبول بودن آن تأکید کرده بود. از سوی دیگر در هیأت یمنی چند نفر از اعضای وابسته به علی عبدالله صالح نیز حضور داشتند که بدون شک صالح منفعت زیادی در به شکست کشاندن گفتگوها داشته و دارد؛ زیرا ادامه بحران در یمن فرصت مناسبی برای بازگشت دوباره وی به ساختار قدرت است و رویایی است که از زمان کنار گذاشته شدن از قدرت در سر رئیس‌جمهور سابق یمن وجود دارد.

۳. زیاده خواهی‌های عربستان سعودی:

سعودی‌ها از همان ابتدا درصدد سنگ اندازی در این مذاکرات بودند که در نتیجه همین سنگ اندازی‌ها بود که هیأت اعزامی از صنعا پایتخت یمن نمایندگان کمیته‌های مردمی نتوانست در مراسم افتتاحیه کنفرانس ژنو شرکت کند؛ بنابراین در نشست افتتاحیه که با حضور دبیرکل سازمان ملل و

نمایندگان ۱۵ عضو شورای امنیت برگزار شد تنها هیأت ریاض حضور یافت. مانع‌تراشی عربستان تنها به این مباحث شکلی محدود نمی‌شود، بلکه این کشور تلاش داشت دستور کار مورد نظر خود را به کنفرانس ژنو تحمیل کند تا در پرتو آن به اهدافی که از طریق نظامی دست نیافته است، جامه عمل بپوشاند. نگاهی به محتوای طرح هفت‌بندی سازمان ملل این نکته را بهتر نشان می‌دهد:

محور اول، برقراری آتش‌بس فوری، نظارت بر آن و عقب‌نشینی گروه‌های درگیر بر اساس قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل.

محور دوم، ایجاد تسهیلات برای امدادگران و سازمان‌های امدادگران، ادامه بازرسی محموله‌های کمک و نظارت بر آن توسط سازمان ملل.

محور سوم، عقب‌نشینی طرف‌های درگیر از مناطق درگیری و اتخاذ تصمیمات اجرایی برای مبارزه با تروریسم.

محور چهارم، ادامه بازرسی‌های سازمان ملل از محموله‌های تجاری وارداتی در گذرگاه‌های یمن

محور پنجم، افزایش تلاش‌های فرستاده سازمان ملل برای برقراری آتش‌بس و عقب‌نشینی‌ها بر اساس قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل.

محور ششم، تأکید بر رعایت قوانین حقوق بشری و محافظت از شهروندان عادی و افزایش کمک‌های انسان دوستانه.

و محور هفتم، برقراری گفتگوهای سیاسی در یمن به واسطه فرستاده سازمان ملل.

همچنانکه ملاحظه می‌شود جای جنایات جنگی عربستان در حملات یک‌جانبه خود به اهداف غیر نظامی در یمن خالی است و هیچ اشاره‌ای به مسئولیت‌های تجاوز یک‌جانبه عربستان نشده است و در آن از عبارت آتش‌بس

استفاده شده که مسئولیت برابر را برای دو طرف در نظر می‌گیرد. علاوه بر این در این طرح هیچ محدودیتی برای فعالیت القاعده و استفاده ابزاری عربستان از این گروه تروریستی در یمن دیده نمی‌شود و حتی یک بار هم نه حملات هوایی عربستان و نه حملات انتحاری القاعده محکوم نشده است. به نظر می‌رسد حتی اگر هیأت ریاض به نمایندگی از منصور هادی به شکلی از توافق با هیأت یمنی دست می‌یافت، نمی‌توانست بدون رضایت عربستان آن را بپذیرد؛ عربستانی که به چیزی کم‌تر از بازگشت حوثی‌ها به کوه‌های صعه رضایت نمی‌دهد. (WWW.Tasnimnews.com)

مالک الحجری عضو هیأت اعزامی از صنعا نیز گفته بود: «عربستان سعودی نقش بزرگی در اعمال فشار بر هیأت اعزامی ریاض (دولت فراری یمن) داشت و از ابزار دیپلماتیک برای جلوگیری از حصول توافق نهایی درباره آتش بس در ژنو استفاده کرد. گفتگوهای سیاسی انجام شد تا به یک توافق سیاسی، نظامی و امنیتی منجر شود و ما این پیشنهاد را برای فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن مطرح کردیم و در رایزنی‌هایمان با موضوعی روبه‌رو شدیم که در ضدیت با مواضع سازمان ملل است. هیأت اعزامی ریاض به دلیل فشارهای عربستان سعودی در رایزنی‌های دو روز گذشته به شدت بر مواضع خود اصرار می‌کرد. عربستان نقش بزرگی در به شکست کشاندن تلاش‌ها برای رسیدن به توافق در ژنو داشته است».

از سوی دیگر دلیل مخالفت عربستان در به نتیجه نرسیدن نشست ژنو این است که رژیم سعودی و گروه یمنی وابسته به آن اگرچه از حمایت‌های فراوان خارجی برخوردارند ولی به هیچ کجای یمن سیطره‌ای ندارند؛ بنابراین از سوی حریف که بخش اعظم یمن را در اختیار دارد، جدی گرفته نمی‌شود و هیچ قدرتی هم وجود ندارد که او را به پذیرش طرف مقابل وادار نماید. از این رو رژیم وابسته و عوامل یمنی آن تا زمانی که نتوانند به موفقیت

چشم‌گیری در صحنه میدانی یمن برسند، رغبتی در به نتیجه رسیدن این گفتگوها را نخواهند داشت.

۴. مخالفت بازیگران فرامنطقه‌ای:

در این بین نقش دو کشور آمریکا و ترکیه بیشتر از همه نمود دارد. ترکیه به علت اینکه در صورت توافق هیأت‌های مذکور و یا یکی از طرفین، گرایش‌های آنها به سمت ترکیه متمایل نیست و گرایش هیأت یمنی بیشتر به سوی ایران و هیأت ریاض نیز به سوی عربستان است، در صورت برتری یکی از طرفین رقبای منطقه‌ای ترکیه همچون ایران و عربستان قوی‌تر خواهند شد و بهترین گزینه برای ترکیه روی کار آمدن گرایشی با رویکرد اخوانی می‌باشد (گرایش اصلاحیون که شامل ناصری‌ها، بعثی‌ها و طیف عبدالله صالح می‌شود).

آمریکا نیز به عنوان بازیگر فرامنطقه‌ای تأثیرگذار بر تحولات منطقه با به نتیجه رسیدن این مذاکرات کلاً مخالف بود و دلایل این امر را می‌توان در موارد زیر عنوان نمود:

الف. آمریکا که بر منابع نفتی دولت‌های حاشیه خلیج فارس مسلط شده، نگران است برخی گروه‌های یمنی منافع این کشور در منطقه را تهدید کنند؛ به ویژه اینکه یمن یک میراث تمدنی و ذخیره انسانی در اختیار دارد که به صورت گسترده پتانسیل تبدیل شدن به دست برتر جزیره العرب و پرنفوذترین کشور در حاشیه دریای سرخ را دارد. در طول سال‌های گذشته و در حاکمیت علی عبدالله صالح رئیس جمهور مخلوع یمن واشنگتن به بهانه مبارزه با سازمان القاعده لحظه‌ای از مداخله در امور داخلی یمن دست بر نداشت، این کشور برای توجیه مداخله‌های خود حجم گسترده‌ای از ارباب رسانه‌ای را در مورد میزان خطرات سازمان القاعده در یمن به راه‌انداخت و سرویس جاسوسی مرکزی آمریکا (سیا) آن را خطرناک‌ترین سازمان

تروریستی در جهان خواند. به همین علت بود که نام سازمان القاعده در یمن حتی در حمله اخیری که به روزنامه فرانسوی شارلی ابدو صورت گرفت نیز مخفی نماند. موضوعی که تحلیل گران سیاسی آن را به تلاش برای ایجاد بهانه برای مداخله های بیشتر بر امور یمن تحت عنوان مبارزه با تروریسم ارزیابی کردند.

ب. آمریکا از افزایش قدرت یمن می ترسد؛ چرا که ممکن است با تسلط انصارالله بر یمن و کنترل تنگه راهبردی باب‌المنندب دریانوردی آمریکا در دریای سرخ در معرض تهدید قرار گیرد.

ج. آمریکا نمی خواهد انقلاب یمن مطالبات خود را محقق کند، اما در عین حال نمی خواهد سازمان القاعده بیش از این توسعه پیدا کند. این کشور در تعامل با القاعده در یمن همان روشی را دنبال می کند که در تعامل با داعش در عراق در پیش گرفته است. به این معنا که ضربه های محدودی به آن وارد می کند، اما نمی خواهد به صورت نهایی این گروه را از بین ببرد؛ چرا که باید از آن بر ضد انصارالله و خیزش مردمی جنوب استفاده کند. این کشور همچنین نمی خواهد یمن به سمت هرج و مرج فراگیر پیش برود؛ چرا که این موضوع بر امنیت عربستان سعودی و حاکمیت شکننده این کشور در سایه بحران های داخلی و خارجی پیرامون آن تأثیر منفی خواهد داشت. آنچه آمریکا به دنبال آن است ایجاد یمن ضعیف و تحت قیمومت و تسلط آمریکا بوده و سیاست های یمن در طول سال های گذشته شاهی بر این مدعا است.

د. آمریکا کلاً با مشروعیت دادن به انصارالله مخالف است و در صورت تشکیل دولتی مشارکتی نیز سهم انصارالله را باید نادیده بگیرد، چون در هر صورت مشروعیت انصارالله یعنی قبول انقلاب در این کشور.

ه. آمریکا از الگو قرار گرفتن یمن در منطقه می ترسد و به نوعی با اثبات پایداری مردم و گروه های یمنی از الگو قرار گرفتن این جنبش برای سایر

کشورهای عربی هراس دارد و به نوعی درصدد تضعیف بیش از حد این جنبش و سایر گروه‌های هم نوع در منطقه است.

نتیجه‌گیری

به طور مشخص بحران یمن براساس یکسری توافقات صورت گرفته میان ارتجاع عربی و هم‌پیمانان آنان در منطقه است. عربستان با همراهی آمریکا حملاتی را به این کشور صورت داد تا بتواند به اهداف خود که مهم‌ترین آن جلوگیری از به ثمر رسیدن انقلاب این کشور است، انجام دهد. با گرفتار شدن عربستان در باتلاق یمن، طرح گفتگوهای سیاسی مطرح شد که با برگزاری نشست ژنو و زیاده‌خواهی‌های عربستان از همان ابتدا می‌توانست پیش‌بینی کرد که هیأت ریاض خواهان به نتیجه رسیدن مذاکرات نیست؛ زیرا تنها به مسائلی همچون قطعنامه‌های شورای امنیت تأکید می‌کرد. از طرف دیگر انصارالله نیز با نشان دادن قدرت خود در برابر هجوم عربستان و پاسخگویی بالا توانسته تا حدودی دست برتر را در عرصه نظامی و حتی سیاسی به دست گیرد. از سوی دیگر حضور انصارالله در این نشست شاخص مهمی برای این جنبش است؛ چرا که تا امروز در گفتگوهای گذشته انصارالله عملاً به عنوان بازیگری مستقل و مهم در نظر گرفته نمی‌شد.

به عنوان نکته پایانی می‌توان اذعان نمود تا زمانی که عربستان و منصور هادی بر خواست‌های نامتعارف خود تکیه می‌کنند هیچ دستاوردی عاید آنان نمی‌شود و باید مطالبات خود را در حد معقول بیان کنند.

دلایل شکست حزب عدالت و توسعه

در انتخابات پارلمانی ترکیه و چشم‌انداز پیش‌رو

محمد رضا مرادی

حزب عدالت و توسعه در بیست‌وپنجمین دوره انتخابات پارلمانی ترکیه نتوانست به اهداف بلندپروازانه خود دست یابد و از کسب اکثریت کرسی‌ها پارلمان بازماند. حزب عدالت و توسعه در این دوره از انتخابات نسبت به انتخابات بیست‌وچهارمین دوره پارلمان ترکیه در سال ۲۰۱۱ با کاهش بیش از ۹ درصدی آرا مواجه شد. به نظر می‌رسد سیاست‌های داخلی حزب عدالت و توسعه و اتخاذ برخی رفتارهای سیاسی در مناطق کردنشین ترکیه باعث آزرده خاطر شدن کردهای ترکیه از این حزب و از دست دادن پایگاه سیاسی این حزب در نزد کردهای ترکیه شده است. حزب عدالت و توسعه از زمان به قدرت رسیدن فراز و فرودهای زیادی داشته است. این حزب در ابتدا سیاست‌های نسبتاً موفقی را در ترکیه به اجرا گذاشت، اما برخی از رفتارها و اقدامات داخلی و منطقه‌ای این حزب باعث کاهش اقبال مردم ترکیه نسبت به این حزب شد. در این مطلب سعی می‌شود ضمن بررسی انتخابات اخیر ترکیه، دلایل شکست حزب عدالت و توسعه بررسی و چشم‌انداز آتی این حزب ترسیم شود.

انتخابات پارلمانی ترکیه

انتخابات اخیر ترکیه به نوعی رفتارندوم برای محبوبیت اردوغان و حزب عدالت و توسعه بود. بیست‌وپنجمین انتخابات پارلمانی ترکیه یکشنبه ۷ ژوئن در ۸۱ استان ترکیه برگزار شد. بیش از ۲۰ حزب سیاسی برای تصاحب ۵۵۰

کرسی پارلمان ملی به رقابت پرداختند. این انتخابات برای حزب عدالت و توسعه سرنوشت‌ساز بود. این حزب بعد از ۱۳ سال حکمرانی، چنانچه اکثریت پارلمانی (۳۳۰ کرسی) را کسب می‌کرد، می‌توانست قانون اساسی پیشنهادی خود را به فراندوم بگذارد و برای دوره‌ای دیگر به تشکیل حکومت تک حزبی خود تداوم بخشد. این قانون اساسی درصدد تبدیل سیستم پارلمانی ترکیه به سیستمی ریاستی با اختیارات بیشتر به اردوغان بود. احزاب اپوزیسیون نیز از جمله حزب جمهوری‌خواه خلق در کمپین انتخاباتی با حمله به سیاست‌های داخلی و خارجی حزب عدالت و توسعه در سوریه و وعده بازگرداندن آوارگان سوری در ترکیه، سعی در جلب حمایت رأی‌دهندگان داشت. حزب حرکت ملی که گرایش‌های تندروانه ناسیونالیسم ترکی دارد، به انتقادات شدید از گفتگوهای صلح با حزب کارگران کردستان و فسادهای اقتصادی اعضای ارشد حزب عدالت و توسعه در دولت پرداخت و نوید محاکمه آن‌ها را در آینده‌ای نزدیک با آب‌وتاب می‌داد.

حزب دموکراتیک خلق‌ها نیز که عمدتاً به عنوان نماینده کردها در صحنه سیاسی ترکیه شهرت دارد، این بار دست به یک ریسک بالایی زد و به صورت یک حزب، نه کاندیداهای مستقل وارد میدان رقابت شد. چنانچه این حزب نمی‌توانست حد نصاب ۱۰ درصدی را که برای ورود احزاب در پارلمان تعیین شده است کسب نماید، تمام کرسی‌هایش را به حزب برنده واگذار می‌کرد. ۸۶ درصد از واجدین شرایط رأی در انتخابات یکشنبه ۷ ژوئن ۲۰۱۵ شرکت کردند. نتایج انتخابات در یک دهه اخیر شگفت‌انگیز بود؛ حزب عدالت و توسعه بعد از ۱۳ سال، اکثریت پارلمانی را از دست داد. این حزب با ۴۰.۸۷ درصد از کل آراء، تنها توانست ۲۵۸ کرسی را از آن خود کند. حزب جمهوری‌خواه خلق با کسب ۲۴.۹۵٪ درصد کل آراء، ۱۳۲ کرسی، حزب حرکت ملی ۲۹ درصد کل آراء و ۸۰ کرسی؛ حزب دموکراتیک خلق‌ها ۱۳.۱۲

درصد و ۸۰ کرسی به دست آوردند.

مقایسه این نتایج با انتخابات پارلمانی ۲۰۱۱ که حزب عدالت و توسعه ۳۲۷ کرسی و ۵۰ درصد از کل آرا، حزب جمهوری خواه خلق ۱۳۵ کرسی، حزب حرکت ملی ۵۳ کرسی، حزب دموکراتیک خلق ها در قالب کاندیداهای مستقل و حزب آشتی و دموکراسی ۳۵ کرسی را کسب کرده بودند، گویای شکستی تلخ برای حزب عدالت و توسعه و حزب جمهوری خواه خلق بود. با از دست دادن اکثریت پارلمانی، حزب عدالت و توسعه نمی تواند به تنهایی تشکیل حکومت دهد و برای این امر نیاز به ۱۷ تا ۱۸ کرسی دیگر و برای تغییر و به رفراندوم گذاشتن قانون اساسی به ۳۳۰ کرسی دارد. به همین واسطه ناگزیر از ائتلاف با احزاب دیگر اپوزیسیون است. ناظران سیاسی ترکیه، بازنده بزرگ انتخابات را حزب عدالت و توسعه و برنده اصلی آن را حزب دموکراتیک خلق ها ارزیابی کرده اند. این حزب به شکلی غیرقابل پیش بینی توانست ۱۳ درصد آرا را از آن خود کند. حزب دموکراتیک خلق ها، حزب اول در ۱۴ استان جنوب شرق ترکیه و حزب سوم در استانبول بود. حزب حرکت ملی نیز با سود بردن از انتقاداتش از فرایند صلح با حزب کارگران کردستان، توانست میزان آرای خود را افزایش دهد.

دلایل شکست حزب عدالت و توسعه

حزب عدالت و توسعه متأثر از اقدامات و رفتارهای اشتباه خود در سال های اخیر بسیاری از حمایت های داخلی خود را از دست داد. دلایل شکست این حزب در انتخابات پارلمانی اخیر را می توان در دو حوزه داخلی و خارجی بررسی کرد.

دلایل داخلی

یکی از دلایل داخلی شکست حزب عدالت و توسعه در انتخابات اخیر به

نوع رفتار کجدار و مریض اردوغان با کردها بر می‌گردد. سیاست‌های متناقض اردوغان در برابر کردهای ترکیه باعث شد این قوم به وعده‌های اردوغان چندان اعتماد نداشته باشند و در این دور از انتخابات برای اولین بار به صورت حزبی وارد انتخابات شدند. حزب عدالت و توسعه بیشترین کاهش آرا را در مناطق کردنشین ترکیه داشته است. به طور میانگین کاهش ۱۷ درصدی آرای حزب عدالت و توسعه در مناطق کردنشین ترکیه و کاهش نزدیک به یک میلیون رأی این حزب در این مناطق موضوعی است که این حزب را با شکست سیاسی بعد از ۱۳ سال روبه‌رو کرده است. با نگاهی به آرای حزب دموکراتیک خلق‌ها در بیست‌وپنجمین دوره انتخابات پارلمان ترکیه و مقایسه آن با دوره قبل به این موضوع پی خواهیم برد که با ورود حزب دموکراتیک خلق‌ها به پارلمان ترکیه اکثریت آن آرای که در سال ۲۰۱۱ به حزب عدالت و توسعه داده شده بود به سمت حزب دموکراتیک خلق‌ها گرایش پیدا کرده است. بنابراین وجود حزبی با هویت کردی یکی از عوامل اصلی شکست حزب عدالت و توسعه در مناطق کردنشین ترکیه بوده است. از سوی دیگر در اواخر سال ۲۰۱۱ میلادی در منطقه کردنشین اولودره استان شرناخ ترکیه و در مرز اقلیم کردستان عراق، ۳۴ کرد روستایی که ۲۲ تن آن کودک بودند به خاطر بمباران هوایی جنگنده‌های ارتش ترکیه کشته شدند. با وجود گذشت سه سال از این حادثه تلخ هنوز حکومت و دولت ترکیه در خصوص محاکمه عاملان این بمباران هیچ اقدامی صورت نداده و پرونده این کشتار را مختومه اعلام کرده‌اند. کشتار اولودره را می‌توان شروع افول حزب عدالت و توسعه در مناطق کردنشین ترکیه دانست. رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در چند ماه اخیر سیاستی را آغاز کرد که برای حزب عدالت و توسعه گران تمام شد. اظهاراتی که با سخن مشهور "در ترکیه دیگر مسأله کردها وجود ندارد" آغاز شده و با انتقادهای شدید از روند

مذاکرات ادامه پیدا کرد. در واقع هدف از این اظهارات نزدیک کردن حزب عدالت و توسعه به ملی‌گرایان ترک و دریافت آرای آنان در انتخابات بیست‌وپنجمین دوره پارلمان ترکیه بود. سیاستی که نتیجه عکس به بار آورد. نه تنها ملی‌گرایان ترک به حزب عدالت و توسعه نزدیک نشدند، بلکه کردهای ترکیه نیز از این حزب فاصله گرفتند.

مسئله دیگر در شکست حزب عدالت و توسعه تظاهرات پارک گزی بود. در روز ۲۸ مه ۲۰۱۳ درگیری‌هایی بین پلیس ترکیه و معترضانی که از چند روز پیش در اعتراض به تخریب بوستان گردش تقسیم در شهر استانبول متحصن شده بودند، صورت گرفت. نیروهای امنیتی ترکیه با شلیک گاز اشک‌آور به سمت تظاهرکنندگان و خودروهای آب‌پاش، صدها تن را زخمی و بیشتر از ۵۰ نفر را بازداشت کردند. تظاهرات پس از آن روز به شهرهای دیگر هم کشیده شده است. معترضان از اقتدارگرایی دولت اردوغان ناراضی بودند. این درگیری‌ها خشونت‌بارترین تظاهرات در ترکیه طی سالیان گذشته بوده است. برخی رسانه‌های کشورهای غرب با اشاره به رویدادهای سال‌های گذشته ملت‌های عربی، نام بهار ترکی را به این اتفاقات داده‌اند. چیزی که در این تظاهرات برجسته شد خشونت بود که حکومت ترکیه در سرکوب این تظاهرات از خود نشان داد و موجب کشته شدن صدها نفر و زخمی شدن هزاران نفر دیگر گردید و تمام جامعه ترکیه را با علامت سؤال بزرگی مواجه کرد که حزب عدالت و توسعه بعد از ۱۲ سال اقتدار مطلق خود آیا در حال حرکت به سمت اقتدارگرایی و سیستم پلیسی است؟

یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل شکست حزب عدالت و توسعه در عرصه داخلی، کاهش رشد اقتصادی ترکیه بوده است. در چهار سال اخیر نرخ تورم، بیکاری و کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ترکیه به بدترین وضعیت خود در ۱۳ سال اخیر رسیده است. افزایش بیش از ۴۰۰ درصدی قیمت بنزین و

یا افزایش بیش از ۵۰۰ درصد قیمت نان در ترکیه باعث به وجود آمدن نارضایتی‌های شدید در عرصه اقتصادی ترکیه شده است. در ترکیه در ۵ ماه اخیر ۱۰۵ هزار بنگاه درآمدی خرد، صنایع کوچک و کارآفرین به دلیل وضعیت بد اقتصادی اعلام ورشگستگی کرده‌اند. نرخ بیکاری در ۱۳ سال اخیر به بیشترین حد خود ۱۱.۲ درصد در این کشور رسیده است و رشد اقتصادی که در سال ۲۰۰۲، به ۶.۲ درصد رسیده بود در سال ۲۰۱۴ به ۲.۹ درصد سقوط کرده است. بدهی خارجی این کشور که در سال ۲۰۰۲ رقم ۶۴ میلیارد و ۵۳۳ میلیون دلار را نشان می‌داد، اما در سال ۲۰۱۴ به رقم ۱۱۷ میلیارد و ۶۹۷ میلیون دلار افزایش پیدا کرده است.

دلایل خارجی

اما جدای از دلایل داخلی برخی عوامل خارجی نیز در شکست حزب عدالت و توسعه نقش بسزایی داشتند. شاید بتوان دلیل اصلی شکست حزب عدالت و توسعه در عرصه منطقه‌ای را سیاست‌های اشتباه ترکیه در برابر سوریه دانست. همگام با افزایش فشارهای بین‌المللی علیه بشار اسد، ترکیه به نقطه‌ای رسید که در اوایل ۲۰۱۲، سوریه را تهدید به هجوم نظامی کرد. پس از اصابت موشک‌های ارتش سوریه به مجاورت کمپ پناهندگان سوری در ترکیه، اردوغان از نیاز به واکنش سازمان ملل و همچنین به کارگیری ماده ۵ ناتو توسط ترکیه صحبت به میان آورد. طبق این ماده، سایر اعضای ناتو می‌بایست از ترکیه در قبال تجاوزات سوریه حمایت به عمل آورند. هرچند این اظهارات بیشتر به مثابه مانور سیاسی برای افزایش فشار بر دولت اسد به شمار می‌رفت، هم‌زمان نشانگر نیاز ترکیه به کمک‌های دیپلماتیک و نظامی بین‌المللی بود. ترکیه در این چند سال که از بحران سوریه می‌گذرد در کنار قطر و عربستان مهم‌ترین دشمنان ملت سوریه بوده‌اند که از هیچ اقدامی برای تشدید بی‌ثباتی‌ها در این کشور امتناع نکرده‌اند. در واقع این سیاست اردوغان

در برابر همسایه جنوبی خود باعث شد که وجهه ترکیه در خاورمیانه بیش از پیش تخریب شود و تخریب این وجهه بر عرصه داخلی نیز بسیار تأثیرگذار بود که نتیجه آن در انتخابات پارلمانی اخیر کاملاً مشهود بود. دخالت همه‌جانبه دولت ترکیه در کشور همسایه خود عواقب پیش‌بینی‌نشده‌ای برای ترکیه داشته است؛ به طوری که حدود یک میلیون و هشتصد هزار پناهنده سوری در این کشور ساکن شده‌اند که این امر خود موجب مشکلات بسیاری برای مردم این کشور شده است. از جمله مشکلات به وجود آمده در پی سکونت نزدیک به دو میلیون سوری در ترکیه مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی است. چنین وضعیتی مردم ترکیه را نسبت به حزب حاکم بدبین کرده است.

از سوی دیگر حمایت‌های پیدا و پنهان ترکیه از گروه تروریستی داعش نیز باعث شد که ترکیه به عنوان کشور حامی تروریست‌ها شناخته شود. حمایت رسمی یک دولت از گروه‌های تروریستی و علنی کردن این حمایت‌ها در محیط بین‌الملل امری غیرمعمول است، به گونه‌ای که همواره کشورهای اروپایی، آمریکا، عربستان و... که حامی گروه‌های تروریستی هستند، این موضوع را کتمان می‌کنند. اما در اقدامی عجیب، ترکیه نسبت به اظهارات مقامات کشورهای مختلف و مقامات حزب جمهوری خلق ترکیه در مورد حمایت آنکارا از داعش، واکنشی مبنی بر تکذیب این حمایت‌ها بروز نداده است. مسئولان حزب جمهوری خلق ترکیه رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه را متهم کرده‌اند که از نیروهای مسلح داعش در سوریه و عراق حمایت می‌کند. همچنین برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند که عناصر داعش از طریق ترکیه به عراق و سوریه می‌روند و دولت این کشور در حال خرید نفت‌های به سرقت‌رفته توسط داعش است. اواخر خردادماه سال جاری میلادی (۲۰۱۴) نیز احمد تورک، شهردار ماردین در نشست‌ای که با حضور نماینده اتحادیه اروپا

در ترکیه و گروهی از خبرنگاران در این شهرگردنشین برگزار شد، با ارائه گزارشی مفصل و موثق که همراه با شواهد مستند از جمله تصاویر و فایل ویدیویی بود، از حمایت رسمی ترکیه از گروه داعش خبر داد. وی همچنین اعلام کرد که عناصری از گروه داعش در حالی که ملبس به لباس نظامی ترکیه و مجهز به خودروهای نظامی این کشور هستند به داخل (سوریه) عبور می کنند. برخی اخبار نیز از دیدار گیلان پینار، از اعضای حزب حاکم عدالت و توسعه با یکی از شورشیان داعش حکایت می کنند. حمایت های آشکار و پنهان ترکیه از گروه اسلامی عراق و شام موسوم به داعش باعث نفرت مردمی از اقدامات این حزب شد. اقدامات حزب عدالت و توسعه در حمایت از گروه داعش اعتراض احزاب دیگر ترکیه را در پی داشت؛ به طوری که همه احزاب مخالف حزب حاکم به صورت آشکار مخالفت های خود را از این همراهی اعلام کردند و از عواقب خطرناک این حمایت ها نسبت به ترکیه و منطقه اعلام نگرانی کردند. این امر باعث شد حزب عدالت و توسعه نتواند توجیهی برای اقناع افکار عموم ارائه دهد.

چشم انداز آینده حزب عدالت و توسعه

حزب عدالت و توسعه با کسب کرسی هایی که در پارلمان به دست آورده است اگر نتواند در موعده ۴۵ روزه کابینه ائتلافی را تشکیل دهد گزینه های سختی پیش رو خواهد داشت. مهم ترین گزینه نیز انتخابات زودهنگام است که با توجه به شکست حزب عدالت و توسعه در انتخابات اخیر بعید به نظر می رسد که تغییری در نتیجه انتخابات صورت بگیرد. بنابراین بیشترین احتمال تشکیل کابینه ائتلافی است. در این صورت حزب عدالت و توسعه باید برای حمایت سایر احزاب در کابینه ائتلافی امتیازاتی را بدهد. این امر قطعاً باعث خواهد شد حزب عدالت و توسعه از یکه تازی در عرصه داخلی و خارجی

دور شود و باید گفت این حزب دیگر تنها جریان تعیین کننده سیاست ترکیه نخواهد بود. اردوغان در سال های اخیر با حمایت از تروریست ها ضربات سختی بر حزب عدالت و توسعه وارد کرد و باعث شد این حزب از روزهای طلایی خود دور شود. اکنون باید دید که در آینده سیاست های حزب عدالت و توسعه کدام مسیر را در پیش خواهد گرفت. اما با توجه به شکست های اخیر این حزب محتمل ترین گزینه آن است که حزب عدالت و توسعه تا حدودی از اشتباهات راهبردی خود فاصله بگیرد و سعی در جبران خطاهای پیشین داشته باشد.

واکاوی علل دشمنی دشمنان علیه ایران اسلامی

عباس سلیمانزاده

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اعلام استقلال آن از شرق و غرب، از همان ابتدا ابرقدرت‌ها سعی نمودند تا با فشار بر ملت ایران، آنها را وادار به تسلیم در برابر خود نمایند. هر کدام از دو ابر قدرت برای فشار بر ایران و بازگرداندن نتایج انقلاب به نفع خود تلاش نمودند تا با استفاده از ابزارهای مختلف به این هدف خود نایل آیند. شوروی با استفاده از نزدیکی جغرافیایی خود به مرزهای ما دست به تحریک قومیت‌های مختلف و ایجاد آشوب و ناآرامی در مناطق مختلف نمود. از سوی دیگر احزاب وابسته به شوروی مثل حزب توده نیز در آن دوران بسیار فعال شده و اقدامات مخفیانه‌ای را برای مبارزه با انقلاب اسلامی در پیش گرفتند. همچنین عقبه‌های فکری مارکسیستی در دانشگاه‌ها نیز تلاش نمودند تا جامعه ایران را به سمت عقاید مادی پیش ببرند که در همه این موارد با رهبری امام خمینی(ره) و تلاش و درایت فرزندان این ملت با شکست روبه‌رو شد. از سوی دیگر آمریکا نیز که تا چندی پیش خود را مسلط بر ایران می‌دید تمام توان خود را برای براندازی این انقلاب مردمی به کار گرفت و هنوز بعد از سی‌وهفت سال نیز به تلاش‌های ناکام خود ادامه می‌دهد. در این نوشتار ضمن اشاره گذرا به توطئه‌های جبهه استکبار علیه ایران اسلامی، دلایل و علل ریشه‌ای این خصومت در مورد نظام جمهوری اسلامی بررسی خواهد شد.

۱- مروری بر توطئه‌های دشمنان علیه ایران اسلامی

از آغاز شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا به حال علی‌رغم اینکه در روند انقلاب و نظام اسلامی ایران فراز و نشیب‌هایی را در نوع گفتمان حاکم و دسترسی به اهداف و آرمان‌های اسلامی توسط دولت‌های موقت، جنگ و دفاع مقدس، سازندگی، اصلاحات و اصولگرا و اعتدال شاهد بودیم و نیز در غرب در کشورهای چون آمریکا دولت‌های گوناگونی از احزاب کبوترهای دمکرات تا طیف بازهای جمهوری خواه در گردش مدیریتی بودند، ولی دشمنی و عناد غرب نسبت به انقلاب و نظام و مردم ایران پایان نیافت. اگرچه در برخی مقاطع در غرب چراغ سبزها و تغییر لحن‌هایی از رفتار خصمانه به سمت رفتار به ظاهر دوستانه شاهد بودیم، اما همه این عملکردها و رفتارها برخاسته از سیاست‌های اعلامی و ژست تبلیغاتی ظاهری غرب بود نه سیاست‌های اعمالی و اقدامی آنان.

چنانکه با دقت نظر در مواضع آنان در مقاطع بعدی روشن می‌گردد که غرب در سناریوی طراحی شده علیه جمهوری اسلامی برای رسیدن به اهداف خود گاه درصدد «تغییر رفتار» و مواضع اصولی و انقلابی مسئولان جمهوری اسلامی و گاه در پی «محروم کردن ایران» از توانمندی‌های علمی صنعتی و پیشرفت‌های مادی و معنوی ایران و نیز برخی مقاطع به دنبال «تغییر نظام» جمهوری اسلامی ایران بودند. براساس موقعیت‌های زمانی و شرایط متفاوت نظام جهانی موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز شرایط داخلی جمهوری اسلامی ایران و نیز موقعیت ملی کشورها و قدرت‌های غربی تاکتیک‌هایی چون اولویت‌گذاری در بهره‌گیری از تهدید نرم تهدید نیمه سخت و یا تهدید سخت را در دستور کار خود قرار می‌دادند.

برای نمونه در عصر حاکمیت لیبرال‌ها در دولت موقت ایران آمریکایی‌ها

با این تحلیل که لیبرال‌ها رابطین و دوستان خوب ما محسوب می‌شوند سعی در نزدیکی به آنها و برگزاری جلسات دوستانه همانند دیدار برژینسکی، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور آمریکا (دوره کارتر) با مهندس بازرگان در الجزایر داشتند. (تغییر رفتار)

غرب در سال‌های عصر پس از پیروزی انقلاب اسلامی عمدتاً به تغییر نظام و براندازی و فروپاشی جمهوری اسلامی می‌اندیشید. چنانچه طراحی کودتاهای گوناگون، حمایت از گروهک‌های تروریستی، پشتیبانی از رژیم بعثی عراق در جنگ تحمیلی، طراحی عملیات‌های پیش‌دستانه در منطقه خاورمیانه و حمله به کشورهای اسلامی چون افغانستان عراق و لبنان و ارباب و تهدید ایران حمایت از جریان‌های افراطی اصلاح‌طلب و قائلین به انقلاب‌های مخملین و انقلاب سفید در ایران گوشه‌ای از دست‌های آلوده قدرت‌های غربی در حرکت‌های خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. (تغییر نظام)

با پیروزی انقلاب اسلامی تغییرات بنیادی در موقعیت استکبار جهانی در منطقه به وجود آمد که برخی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای آنها عبارت بودند از:

- از دست رفتن پایگاه‌های استراق سمع و مراکز جاسوسی آمریکا در منطق؛
- کاهش حجم صادرات نفت ایران؛
- افزایش قیمت نفت در سطح جهانی؛
- کاهش صادرات کالاهای نظامی و غیر نظامی به ایران؛
- امکان صدور انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورهای منطقه؛
- به خطر افتادن موقعیت دولت‌های سلطه‌گر در منطقه؛

- به خطر افتادن امنیت تنگه هرمز از نظر مطامع استکباری آمریکا؛
- بی‌اعتبار شدن موقعیت استکبار در منطقه و ایجاد جو عدم اعتماد در وابستگی‌اش؛
- از دست رفتن (ژئودارم منطقه) و شکست سیاست غرب در منطقه؛
- به هم ریختن معادلات تنظیم‌شده توسط قدرت‌های بیگانه برای منطقه.

عکس‌العمل استکبار جهانی در قبال به خطر افتادن منافع نامشروعش، طراحی توطئه‌های مختلف و پیچیده‌ای بود که این دسیسه‌ها یا به طور مستقیم توسط طراحان اصلی به مورد اجرا گذاشته می‌شد و یا به وسیله عناصر سرسپرده آنها نظیر گروهک‌های ضدانقلاب، منافقین، خوانی، عناصر وابسته رژیم شاه و یا دولت‌های وابسته منطقه عملی می‌گشت. اما این اقدامات با شکست مواجه شده و بر عزم مردم ایران برای ایستادگی در برابر آمریکا و بر تلاش این ملت برای خودکفایی، افزوده است. در اینجا به گوشه‌ای از اقدامات خصمانه آمریکایی‌ها علیه ملت ایران اشاره می‌کنیم:

۱-۱- نفوذ عناصر وابسته به ارکان نظام

استکبار جهانی پس از ناکامی در جلوگیری از فروپاشی رژیم منحوس پهلوی، تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز کرد تا با مشارکت سیاسی عوامل نفوذی خود در ارکان دولت، ادارات و نهادهای انقلاب را آرام و گام‌به‌گام از دسترسی به اهداف اصلی بازدارد. هدف آنها در این مرحله جلوگیری از اجرای احکام و مقررات اسلامی بود. با مروری در وقایع بعد از انقلاب خواهیم دید که علی‌رغم رخنه عناصر وابسته، به خصوص در

سال‌های اولیه، با تیزبینی‌های حضرت امام (ره) و هوشیاری و تلاش مردم، این توطئه استکبار با شکست مواجه می‌شود. در نهایت، با استعفای مهندس بازرگان از نخست‌وزیری و با عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری و حذف کامل لیبرال‌ها از مسئولیت‌های دولتی، حاکمیت کامل حزب الله آغاز گردید و بدین ترتیب یکی از توطئه‌های استکبار نیز کارآیی خود را از دست داد.

۲-۱- حرکت‌های تجزیه‌طلبانه (غائله قومیت‌ها)

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی، استکبار جهانی توطئه‌های تجزیه‌طلبانه گوناگونی را طراحی کرد و برای اجرای آنها به تحریک و استفاده از عوامل و عناصر خود در داخل پرداخت. این حرکت‌های تجزیه‌طلبانه که به منظور تضعیف نظام و برهم زدن یکپارچگی کشور صورت می‌گرفت تهدیدی جدی علیه تمامیت ارضی ایران اسلامی به حساب می‌آمد که با توجه به تنوع قومیتی در ایران، در محور به هم پیوسته‌ای اکثر استان‌های مرزی و حاشیه‌ای را در بر می‌گرفت. از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به برافروختن جنگ داخلی در کردستان به دست گروه‌های ضدانقلاب، غائله‌های گنبد در مازندران، خلق عرب در خوزستان و خلق مسلمان در تبریز و غائله ایل قشقایی و مانند آن در مناطق دیگر اشاره کرد. تنها سوغاتی که استکبار جهانی در پس شعارهای ظاهر فرییش توسط گروه‌های ضدانقلاب برای مردم مناطق آشوب‌زده به ارمغان آورد، فاجعه عظیمی بود که به ریختن خون بهترین فرزندان آنها و سایر نقاط ایران اسلامی منجر شد.

۳-۱- حربه ترور (مسئولان و مردم)

استکبار جهانی برای وارد کردن ضربات کاری بر پیکر انقلاب اسلامی، پرده دیگری از توطئه یعنی تروریسم کور را به صحنه آورد. این

ترورهای ناجوانمردانه در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول که تا پایان نیمه اول سال ۱۳۶۱ ادامه داشت، مسئولان درجه یک نظام، ائمه جماعت، نمایندگان مجلس، سران نیروهای نظامی، استادان و به طور کلی کارگزاران اصلی نظام هدف قرار می‌گرفتند. این حربه در مقیاس وسیعی علیه انقلاب اسلامی به کار رفت که در جهان همانند و نظیری نداشت و شاخص‌ترین چهره‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی مورد سوءقصد و ترور واقع شدند. در مقطع دوم که از نیمه دوم سال ۱۳۶۱ آغاز شد، نوبت به اعضای نهادهای انقلابی و مردم عادی رسید. لازم به ذکر است مجریان اصلی عملیات‌های تروریستی و خرابکاری و بمب‌گذاری علیه انقلاب اسلامی را منافقین کوردل تشکیل می‌داده‌اند که بازیچه‌ای در دست استکبار هستند. نکته جالب اینجاست ایران اسلامی همواره به دلیل حمایت از تروریسم تحت فشار قرار داد در حالی که با تقدیم بیش از ۱۷ هزار نفر شهید در عملیات‌های تروریستی از قربیان اصلی تروریسم در جهان به شمار می‌رود که آخرین موارد آن ترور ناجوانمردانه دانشمندان هسته‌ای است.

۱-۴- تجاوز نظامی شیطان بزرگ به طبس

پس از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی در تهران توسط دانشجویان و در پی آن به اسارت درآمدن تعدادی از کارکنان و کارمندان سفارت، که حیثیت جهانی آمریکا را به شدت خدشه‌دار و ابهت این ابرقدرت را در هم شکست، آمریکایی‌ها برای حل بحران گروگانگیری از طریق سیاسی، از هر دری که وارد شدند، ناکام بازگشتند. پیش‌شرط امام خمینی (ره) برای مذاکره، تحویل شاه معدوم به ایران بود و آمریکایی‌ها به جای تمکین در برابر خواست ملت بزرگ ایران، در فاز نظامی قدم نهادند. دولت آمریکا در انتخاب بعدی، اقدام نظامی را در ایران در نظر گرفت اما عملیات نظامی آمریکا در سحرگاه سوم

اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ در طبس به وسیله امدادهای غیبی (توفان شن) با شکست مواجه شد. لازم به ذکر است پس از تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان از برگ‌های پاره‌شده اسنادی که در آنجا پیدا شد ۷۰ جلد کتاب به دست آمد که حاکی از آن بود که آمریکایی‌ها همواره در سفارتخانه‌شان پس از پیروزی انقلاب در تدارک برای براندازی نظام اسلامی و یا وابسته کردن ایران به ایالات متحده بودند که این بخشی از کارنامه جنایت آمریکایی‌هاست.

۱-۵- کودتاها

از جمله اقدامات براندازانه آمریکا پس از شکست حمله نظامی به طبس، طرح‌ریزی کودتای «نوژه» در هجدهم تیرماه ۱۳۵۹ بود که قبل از هر اقدامی با شکست مواجه شد. دولت آمریکا برای طرح‌ریزی و اجرای این کودتا، هزینه‌های سنگینی در نظر گرفته بود. کودتای نوژه توسط یک ستاد از پاریس به رهبری شاهپور بختیار هدایت می‌شد. علاوه بر کودتای نوژه، موارد دیگری نیز وجود داشت که کشف و خنثی شدند.

۱-۶- حصر اقتصادی و اقدامات تحریمی علیه نظام جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی اولین اقدام آمریکا در تحریم یک‌جانبه علیه جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۹۷۹/۱۱/۴ (۱۳ آبان ۱۳۵۸) و در پی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام صورت گرفت و پس از آن به صورت‌های مختلف انواع تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی اجرا شده است. آمریکایی‌ها در دوره اخیر به زعم خودشان دنبال تحریم‌های فلج‌کننده یا شکننده می‌باشند. آنها تلاش بسیاری نمودند تا گزنده‌ترین نوع تحریم‌ها را اعمال کنند تا بتوانند رفتار ایران را در مقابل غرب تغییر دهند. اهم موارد تحریمی به شرح زیر بوده است:

نفت: منظور از تحریم‌های نفتی در واقع موانعی است که در برابر خرید و فروش محصولات نفتی بر سر راه اقتصاد ایران قرار داده شده است که به علت وابستگی اقتصاد ایران به نفت اثرگذاری بالایی دارد و می‌تواند وضعیت اقتصادی کشور را دچار مشکل کند.

تحریم‌های تجاری: تحریم‌های فیزیکی که مربوط به تجارت و مبادله اجناس غیر نفتی مختلف مانند غذایی، دارویی، صنعتی و حتی تسلیحاتی است موجب وارد آمدن خسارات سنگینی به اقتصاد ایران شد.

بانک مرکزی: اما نوع سوم تحریم‌ها که تحریم‌های مالی نامیده می‌شوند در واقع تحریم‌های بانک مرکزی کشور و جلوگیری از مبادلات ارزی و پولی است که همین امر موجب شده بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران در کشورهای دیگر بمانند.

۱-۷- جنگ تحمیلی با حمایت آمریکا

آمریکایی‌ها پس از شکست‌سنگین در کودتای «نوزه»، تحرکات شدیدی را برای ترغیب صدام به جنگ با ایران آغاز کردند. صدام حسین که پس از سقوط شاه، علاقه وافری به ژاندارمی آمریکا در منطقه از خود نشان می‌داد، برای تحقق این رؤیای شیرین، در پی تحریکات و تحرکات سیاسی آمریکایی‌ها در نهایت در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حملات وسیع و گسترده‌ای را به ایران آغاز نمود و هشت سال تمام، نظام نوپای جمهوری اسلامی را درگیر خطرناک‌ترین و طولانی‌ترین نبرد پس از جنگ جهانی دوم کرد. هر چند آمریکایی‌ها تاکنون کوشیده‌اند که نقش خود را در تحریک صدام برای حمله به ایران کتمان کنند، اما تجهیز صدام به انواع سلاح‌های جدید جنگی و کشتار جمعی و نیز حمایت‌های رسانه‌ای، سیاسی و بین‌المللی از سوی آمریکا و هم‌پیمانان وی، چیزی نیست که بتوان آن را کتمان یا انکار کرد. دولت

آمریکا در شرایطی که ایران به یک برتری نظامی نسبت به عراق دست یافته بود، حتی مداخله مستقیم نظامی را نیز از نظر دور نداشت. سال ۶۶، آمریکا در جنگ دریایی با ایران و حمله به پایانه نفتی رشادت و رسالت، کشتی تجاری ایران ارج و در نهایت انهدام هواپیمای مسافربری ایران در تیر ۶۷، اوج خصومت خود را با ایران نشان داد.

۸-۱- سازماندهی و حمایت از فتنه ۸۸

رئیس جمهور آمریکا یک سال پس از فتنه ۸۸ با ارسال گزارشی، اقدامات واشنگتن را در حوزه جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران در فتنه سال ۸۸، برای کنگره و سنای آمریکا شرح داد. براساس گزارش اوباما، مجموعه این اقدامات با عنوان‌بندی به اصطلاح قانونی با نام بند ۱۲۶۴ (قانون قربانیان سانسور ایران) انجام می‌شود. براساس گزارش اوباما، محور اصلی عملیات رسانه‌ای کاخ سفید علیه ایران، نهادی دولتی به نام «شورای پخش مدیران» (BBG) است و شبکه خبر فارسی صدای آمریکا (PNN) و رادیو فردا متعلق به رادیو آزاد اروپا/رادیو آزادی (RFE/RL) از جمله رسانه‌هایی هستند که در این پروژه نقش دارند و به ادعای اوباما، ایرانی‌ها از این طریق می‌توانند به اخبار سانسورنشده و بی‌طرفانه دست یابند. در ادامه این گزارش به تلاش دوچندان آمریکایی‌ها برای دامن زدن به ناآرامی‌ها در ایران، درست روز بعد از انتخابات اشاره شده است. گزارش اوباما در این زمینه تصریح می‌کند: «روز بعد از انتخابات شبکه خبر فارسی صدای آمریکا دو برنامه جدید را در دستور کار خود قرار داد تا به ایرانیان درباره حوادث کشورشان اطلاع‌رسانی کند. فرکانس‌های ماهواره‌ای جدید، یک مسیر اینترنتی حفاظت‌شده، تویتر و فیس‌بوک از دیگر ابزارهایی بودند که واشنگتن در فتنه سال ۸۸ از آن‌ها برای گسترش اغتشاشات استفاده کرد. علی‌رغم شکست این

اقدامات، گزارش اوباما نشان می‌دهد آمریکا از توطئه علیه جمهوری اسلامی دست نکشید، و به دنبال گسترش و تنوع بخشیدن به گزینه‌های خود بود.

۲- راز دشمنی غرب با ایران اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران حادثه مهم و حیرت‌انگیزی برای جهان بود، این حادثه بزرگ از یکسو موج شوق و امیدواری را در میان مسلمانان و مستضعفین جهان برانگیخت و از سوی دیگر معادلات سیاسی استکبار را در ادامه سیاست سلطه و تقسیم استعماری جهان به هم زد، و با نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و با دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، سبب کینه و دشمنی استکبار جهانی و کشورهای غربی با آن شد. اگر بخواهیم اشاره‌ای گذرا به علل کینه‌ورزی و دشمنی کشورهای غربی با انقلاب اسلامی ایران داشته باشیم می‌توان به چند عامل به عنوان عوامل اصلی دشمنی کشورهای غربی با انقلاب اسلامی اشاره نمود:

۲-۱- تضاد ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی با آرمان‌های لیبرال

دموکراسی

اسلامی بودن انقلاب علت اصلی دشمنی‌های پایان‌ناپذیر قدرت‌های سلطه‌گر است. این انقلاب با ساختار فرهنگ دینی خود فرهنگ استعماری غرب را زیر سؤال برد به همین دلیل نظام استکباری غرب به نابودی فرهنگ انقلاب و نظام مبتنی بر آن همت گماشت. الکساندر هیک، وزیر دفاع اسبق آمریکا چنین اظهار نظر نموده که «به نظر من خطرناک‌تر و مهم‌تر از این مشکلات بین‌المللی، عواقب گسترش بنیادگرایی اسلامی است که در ایران پا گرفته ... اگر این از کنترل خارج شود منافع ابرقدرت‌ها را به خطرناک‌ترین

وجه به مخاطره خواهد انداخت».^۱ ساموئل هانتیگتون، نظریه پرداز آمریکایی و مبدع نظریه «برخورد تمدن‌ها» نیز می‌گوید: «تقابل اصلی آینده جوامع بشری برخورد فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی است».^۲ دیوید کیو، مأمور سازمان سیا چنین می‌گوید: «مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم».^۳

امروز به اعتراف صریح نظریه پردازان غربی درگیری اصلی بین فرهنگ دینی انقلاب و نظام اسلامی با فرهنگ غربی است. فرهنگ اسلامی که بر پایه ارزش‌های انسانی دینی و کرامت انسان‌ها استوار است و سرشار از آموزه‌های عدم پذیرش ظلم و مبارزه با آن است در تضاد ذاتی با فرهنگ مادی غرب است. بر این اساس استکبار جهان عمده‌ترین مانع نفوذ خود به منظور تجاوز و غارت منابع مادی ملت ما را اعتقادات دینی، ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه می‌داند و در صدد تضعیف و مقابله با آن برآمده است. در این باره مقام معظم رهبری می‌فرماید: «امروز دشمنی اردوگاه استکبار با ایران اسلامی به خاطر اسلام است آن‌ها با اسلام دشمن هستند که بر جمهوری اسلامی ایران فشار وارد می‌کنند و الله آمریکا از هیچ چیز ملت ایران به قدر مسلمان بودن و پایبندی به اسلام ناب محمدی (ص) ناراحت نیست او می‌خواهد شما از این پایبندی دست بردارید».^۴

بنابراین به نظر می‌رسد مشکل و چالش اصلی ما و غرب جدال بر سر

^۱ - روزنامه اطلاعات ۶۱/۱۲/۱.

^۲ - نفوذ و استحاله، تهران، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله، ۱۳۷۸، ص ۲۷.

^۳ - نگارش، حمید، هویت دینی و انقطاع فرهنگی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۰، ص ۱۸۴.

^۴ - روزنامه جمهوری اسلامی ۶۹/۲/۱۳.

ساختن آینده نظام جهانی و افکار عمومی است. ماهیت و خاستگاه منازعه برخاسته از دو مکتب اسلام سیاسی اهل بیت^(ع) و مکتب لیبرال دموکراسی غرب است. معادلات فعلی نظام امنیتی جهانی بر ایدئولوژی استوار می‌باشد و مشکل اساسی جمهوری اسلامی با نظام غرب طرح نویی است از اسلام که نظام دینی ایران پرچمدار آن است.

۲-۲- مدل حکومتی جدید بر مبنای دین (جمهوری اسلامی)

تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، تنها دو مدل و شیوه حکومتداری در جهان مطرح بود که البته هر دو نیز از یک آبشخور تغذیه می‌کردند: مدل کاپیتالیسم و مدل سوسیالیسم. اما پیروزی انقلاب اسلامی موجب شد تا شکل جدیدی از حکومت که تا پیش از این در جهان سابقه نداشت، روی کار آمده و به جهان معرفی شود. آن مدل نیز چیزی نبود جز «جمهوری اسلامی».

مدل «جمهوری اسلامی» که برخاسته از هوشیاری و درایت امام خمینی^(ره) بود نشان داد بر خلاف تصور مرسوم که «دین» را مقوله‌ای متعلق به جهان سنت دانسته و آن را فاقد توانایی بازتولید فرهنگی- سیاسی در دوران مدرن می‌دانند، بر عکس، می‌تواند در قالب و اشکال جدید حکومت و با توجه به مقتضیات جدید جهان، خود را بازتولید کند. جمهوری اسلامی در واقع ساختار و قالبی بود که اندیشه آرمانی امام خمینی^(ره) راجع به حکومت را محقق ساخت و اندیشه سیاسی ایشان را از ساحت نظر به صحنه عمل پیوند داد. آرمان حضرت امام خمینی^(ره) تشکیل حکومت اسلامی بود. اما ایجاد آن در گرو ارائه شدن در قالبی بود که توانایی استقرار در شکلی از اشکال نظام‌های سیاسی را دارا باشد. بنابراین امام خمینی^(ره) با ارائه مدل حکومتی جمهوری اسلامی توانست به همه اهداف خود نایل آید.

همین امر بود که باعث شد انقلاب اسلامی به سرعت در جهان به ویژه جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته و بسیاری از کشورهای مسلمان به دنبال الگوگیری از آن باشند و اصلاً همین اقبال زیاد به مدل جمهوری اسلامی بود که موجب شد نظام سلطه متوجه خطر آن شود و به فکر مقابله و مواجهه صریح و رو در رو با آن شود قبل از اینکه به سایر مناطق جهان سرایت کند.

۲-۳- استقلال و عدم وابستگی به قدرت‌های بزرگ

با سقوط رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی، نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران جهت‌گیری اعتراضی خود را به همراه تئوری سیاسی «نه شرقی نه غربی» جایگزین سیاست انطباق رضایت‌آمیز در سیاست خارجی ساخت. این واقعه ضمن بر هم زدن توازن قوا در منطقه خلیج فارس بدون گرایش به بلوک شرق و غرب به سان قطب سومی در برابر این دو قطب ظاهر شد. استقلال در سیاست‌گذاری خارجی تحت لوای سیاست اعتراضی «نه شرقی نه غربی» برگرفته از عقاید اسلامی و نیز عبرت‌آموزی از مداخلات قدرت‌های جهانی در تاریخ سیاسی- اجتماعی معاصر بود که ریشه مشکلات داخلی ایران را در اعمال نفوذ خارجی به ویژه ایالات متحده آمریکا جستجو می‌کرد. ایالات متحده در زمره نخستین کشورهایی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی دولت جدید جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. با وجود این اجرای سیاست اعتراضی پیامدهای زیانباری برای این کشور در پی داشت. اهمیت این مطلب زمانی آشکار می‌شود که توجه داشته باشیم قبل از انقلاب کشور ایران مهم‌ترین پایگاه آمریکا در منطقه بوده است.^۱

علت مهم دشمنی دو ابرقدرت با نظام نوپای جمهوری اسلامی هم به همین دلیل بود که الگوی جدیدی مقابل انسان‌های با فکر و آزاده به خصوص

^۱ - صادق سلیمی بنی، ارمان دموکراسی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶.

مسلمانان قرار داد. نوام چامسکی، نویسنده مشهور آمریکایی معتقد است که دشمنی‌ها، توطئه‌ها و مخالفت‌های آمریکا و کشورهای غربی علیه ایران به دلیل استقلال و تن ندادن این کشور به سلطه و استعمار غرب است. بنابراین می‌گوید: «تا زمانی که ایران مستقل بماند و در برابر سلطه آمریکا سر تعظیم فرود نیاورد دشمنی‌ها و مخالفت‌های آمریکا ادامه خواهد داشت. جمهوری اسلامی ایران از نظر آمریکا غیرقابل پذیرش است، چون از استقلال خود چشم‌پوشی نمی‌کند».^۱ مارتین ایندایک، معاون خاورمیانه‌ای وزارت خارجه آمریکا، گستاخانه تأکید می‌کند: «مجازات و تنبیه انقلاب اسلامی، درس عبرتی برای کشورهای خواهد بود که در مسیر استقلال و رهایی از سلطه آمریکا گام برمی‌دارند».^۲

۲-۴- کوتاه شدن دست قدرت‌های بزرگ از منابع ایران

نظر به اهمیت راهبردی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی منطقه خاورمیانه، اهمیت جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به موقعیت بحری (خلیج فارس)، گذرگاهی (تنگه هرمز) و بری (اوراسیا و همسایگی با ترکیه و جمهوری‌های شوروی سابق) آشکار می‌شود. از این رو، کشور ایران به لحاظ ژئوپلیتیک همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده و اهمیت به سزایی برای آنها داشته و بر همین اساس همواره مورد طمع جهانخواران بوده است. انقلاب اسلامی دست قدرت‌های بزرگ را از منابع سرشار کشور کوتاه نمود و همین امر سبب دشمنی آنان با انقلاب اسلامی گردید. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران با توجه به استقلال سیاست خارجی، ضدیت با اسرائیل و حمایت از جنبش‌های اسلامگرا به چالشی مقتدر برای نظام سلطه و اهداف منطقه‌ای آن در

^۱ - روزنامه رسالت، ۸۰/۲/۲۷.

^۲ - روزنامه کیهان، ۷۸/۱/۲۶.

خاورمیانه تبدیل شده است.^۱ زیگنیو برژینسکی، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی و مشاور امنیت ملی جیمی کارتر بر این اعتقاد است که: «موقعیت راهبردی ایران آن چنان برای غرب اهمیت دارد که آمریکا بایستی به هر ترتیب شده و حتی با اقدام نظامی جلوی اینکه غرب ایران را از دست بدهد بگیرد».^۲

۲-۵- حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان (جنبش‌های اسلامی

و رهایی‌بخش)

انقلاب اسلامی ایران با آگاهی‌های عمیقی که در میان ملت‌های مستضعف جهان، به ویژه در کشورهای اسلامی به وجود آورد، زمینه تحولات سیاسی چشم‌گیری را فراهم کرد. این جریان سیاسی یک بار دیگر اسلام را به عنوان یک قدرت تعیین‌کننده در جهان مطرح نمود و چشم‌انداز وحدت بزرگ جهان اسلام و حرکت عظیم بازیابی خویشتن خود و گریز از سلطه و ایستادگی در برابر استعمار را در برابر دیدگان مشتاق، اما مأیوس مسلمانان گشود و موجی از وحشت و اضطراب در دل‌های جهان‌نواران آفرید. انقلاب اسلامی براساس آموزه‌های دینی دفاع از حقوق مسلمانان و مستضعفان را از وظایف خویش برشمرده، لذا در اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی چنین آمده است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». بر این اساس، طبق اصل ۱۵۲ قانون اساسی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر «دفاع از

^۱ - سلیمی بنی، پیشین، ص ۱۲۷.

^۲ - روزنامه اطلاعات، ۶۲/۱/۲۸.

حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار شده است». این مواضع با منافع مستکبران سازگاری ندارد، بنابراین با انقلاب اسلامی ایران به مقابله برخاسته و با روش‌های مختلف درصدد نابودی آن برآمده‌اند.

۲-۶- به رسمیت نشناختن و ضدیت با رژیم صهیونیستی

یکی از نقاط اصطکاک و برخورد ایالات متحده با جمهوری اسلامی ایران در راستای مناسبات منطقه‌ای، اختلاف نگرش و دیدگاه این دو کشور درباره رژیم صهیونیستی است. بر خلاف نظر واشنگتن، سران جمهوری اسلامی ایران از ابتدای نهضت در سال ۱۳۴۲ با حمایت از میلیون‌ها آواره فلسطینی و محکومیت اشغال این سرزمین، موضع انقلابی خود را به نمایش گذاشتند. چنان‌که یکی از محکومیت‌های سه‌گانه اعلام‌شده از طرف رژیم پهلوی برای امام خمینی(ره) عدم موضع‌گیری مخالف در قبال اسرائیل بود. اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان هر سال از سوی معمار انقلاب اسلامی به عنوان روز قدس نیز در راستای ضدیت با رژیم صهیونیستی بوده است. مهم‌ترین پایه استدلالی و توجیه منطقی حمایت مسئولان جمهوری اسلامی از مردم آواره فلسطین و مخالفت آن‌ها با دولت اسرائیل نگرش ایدئولوژیکی و متأثر از اعتقادات مذهبی است. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار با شیخ احمد یاسین ابراز داشت: «فلسطین خط مقدم مبارزه اسلام با کفر و حق با باطل است»^۱.

۲-۷- روحیه استکبارگرایی کشورهای غربی

در کنار عوامل یادشده، روحیه استکبارگرایی و سلطه‌گری کشورهای

^۱ - سلیمی بنی، پیشین، ۱۵۴.

غربی خصوصاً آمریکا به عنوان عامل مُکَمَّل دشمنی و خصومت قدرت‌های بزرگ با انقلاب اسلامی است. این روحیه استکبارگری ناشی از فرهنگ استعماری غرب است که استثمار سایر فرهنگ‌ها جزء لاینفک آن است. در این زمینه حضرت امام(ره) می‌فرمایند: «آمریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمن‌اند؛ چرا که اسلام و کتاب و سنت را خار راه خود و مانع چپاولگریشان می‌دانند؛ چرا که ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان به پا خاست و انقلاب نمود و پیروز شد».^۱

نتیجه‌گیری

با نگاهی اجمالی به تاریخ سی‌وهفت ساله انقلاب اسلامی و تقابل آمریکا با آن در این مدت می‌توان به نکاتی دست یافت. در هر دوره از حیات انقلاب اسلامی، آمریکایی‌ها سعی کرده‌اند برای تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی در یکی از حوزه‌های امنیتی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که در آن زمان تصور می‌شده است که نقطه ضعف ایران در آن حوزه قرار دارد، وارد شده و تمام تلاش و امکانات خود را برای نابودی نظام اسلامی به کار گرفته است. اما از سوی دیگر نظام اسلامی در برابر این هجمه‌های دشمنان مقاومت کرده و به پیروزی رسیده است. جمهوری اسلامی در بر خورد با این هجمه‌ها چهار حالت را تجربه کرده است؛ در آغاز هر دوره از فشارها ما شاهد یک دوره کوتاه آشفتگی، ناشی از شوک فشارها بوده‌ایم. مرحله دوم صبر و تلاش برای مقابله با آنها، مرحله سوم پیروزی مقطعی و مرحله چهارم واکسینه شدن در آن حوزه است.

^۱ - صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۶.

سخن را با کلامی از مرحوم امام به پایان می‌بریم که فرمودند: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر این که شما را از دین‌تان برگردانند... آری اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند، ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آنها ولی و قیم باشند، ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها، نه یک ایران با هویت ایران اسلامی».^۱

^۱ - صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

وجوه افتراق دو گفتمان «جاهلیت مدرن» و «نوین اسلامی»

عبدالله گنجی

ورود مفهوم جاهلیت به ادبیات محاوره‌ای مسلمانان از صدر اسلام شروع و در همه اعصار و قرن‌ها به صورت پیوسته همراه بوده است. علت اصلی آن به وجود این مفهوم در قرآن و تبیین چگونگی حیات انسان‌ها در قبل از بعثت بر می‌گردد. به همین دلیل بازخوانی آن‌ها در دوران معاصر به راحتی انجام می‌شود و انطباق آن با اقدامات ضدانسانی در بخش‌هایی از جهان قابل فهم و قرینه‌سازی است. جاهلیت مدرن «کمال جاهلیت» سنتی است. بدین معنی که جاهلیت سنتی در مسیر تاریخی خود به بلوغ رسیده است، اما اصلاح‌پذیر نشده است. همان‌گونه که جنبه‌های مثبت و ایجابی انسان قابل رشد و واجد رسیدن به کمال است. جنبه‌های حیوانی و جهل آن نیز می‌تواند توسعه یابد و در همان مسیر به بلوغ برسد. بلوغ جاهلیت را می‌توان به «پیچیدگی» امروزی آن ارجاع نمود و مزین شدن آن به علم آن واجد مدرن نامیدن آن دانست. پیچیدگی جاهلیت مدرن بدان معناست که خروجی آن بسیار مشمئزکننده‌تر از جاهلیت سنتی است و ابعاد آن گسترده‌تر است و علم نیز آن را کارگتر نموده است. اما گفتمان جاهلیت مدرن یک‌ه‌تاز جهان معاصر نیست؛ چراکه گفتمان نوین اسلامی که قبلاً بر جاهلیت سنتی غلبه کرده است. امروزه مدعی اصلاح جوامع بشری و عدالت و معنویت است؛ بنابراین چالش اصلی برای جاهلیت مدرن امروز در حوزه اسلامی به وجود آمده است و می‌رود تا همان‌گونه که جاهلیت قبل از اسلام را به زباله‌دان تاریخ فرستاد،

جاهلیت مدرن را نیز به همان آبشخور وارد سازد. افتراق این دو، ابعاد گسترده‌ای دارد که می‌توان آن را به ابعاد مبانی معرفتی، ماهیت حقیقی و ماهیت رفتاری تقسیم نمود.

۱- افتراق در مبانی معرفتی

معرفت، زیرساخت یا نوع عینکی است که آدمی به چشم می‌زند تا به تواند حیات را بفهمد و تفسیر نماید. معرفت دستگاه شناخت‌شناسی است که چیستی و چگونگی حیات آدمی را تفسیر و ترجمه می‌کند در معرفت اسلامی، انسان موجودی «از اویی» و «به سوی اویی» است. به همین دلیل اعتقاد به معرفت ذاتی به مثابه کنترل‌کننده رفتار عمل می‌نماید. پاسخگویی نسبت به اعمال و محاسبه اعمال در جای دیگر، مانع از جنون جاهلیت خواهد شد و مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری را در خود رشد خواهد داد. در گفتمان دینی «معرفت ذاتی» است و در گفتمان جاهلیت «معرفت نسبی» به همین دلیل معرفت نسبی خود را مجاز به تغییر و حرکت به سمت سیالیت می‌داند. از آنجا که اساس معرفت نسبی «انسان خودبنیاد» است و این انسان پایان حیات را نابودی می‌داند، همه اعمال و رفتار را برای بهتر بودن مادی ساماندهی می‌کند. عقلانیتی که بر معرفت نسبی استوار می‌شود انسان را به سوی «منفعت‌طلبی بی‌رحمانه» سوق می‌دهد به همین دلیل برای رسیدن به منفعت، هدف وسیله را توجیه می‌نماید. نقطه اصلی و قانونی جاهلیت مدرن همین اینجاست که عبور از عدالت و انسانیت را کاملاً عقلانی جلوه می‌دهد. عقلانیت موجود در جاهلیت مدرن «عقلانیت ابزاری» است. این عقلانیت صرفاً دو هدف این جهانی را برای انسان مفید می‌داند. به تعبیر دیگر در جاهلیت مدرن چیزی را عقلانی می‌داند که به دو مسیر ختم شود.

این دو مسیر عبارتند از ۱- سود ۲- لذت. هر فعلی که به یکی از این دو مقوله ذکر شده منجر نشود امری بی‌فایده و غیر عقلانی است. علت اصلی این سود و لذت‌گرایی، باور به فناپذیری است. فناپذیری باعث می‌شود که در دوران حیات حداکثر استفاده از مواهب مادی صورت گیرد و جهان را در ابعاد تناول، لذت، گردش و نوآوری طی نماید. سیالیت معرفت در جاهلیت مدرن باعث می‌شود که هیچ امری «قطعی» شمرده نشود. به همین دلیل مسائلی مانند «حلال همیشگی» و «حرام دائمی» را امری موهوم و محروم‌ساز می‌دانند و آن را مانع از تنوع‌طلبی می‌شمارند. به طور مثال در معرفت ذاتی مسأله‌ای به نام ازدواج، دارای تعریف ثابت جوهری و ذاتی است که شکل اعمال و اجرای آن الهی است و لازمه پیدایش آن، دو جنس مخالف است (انا خلقناکم من ذکر و الانثی) یعنی مرد و زنی مبتنی بر چارچوب تعریف‌شده‌ای (که این تعریف فراتر از فهم آدمی است) به هم پیوند می‌خورد و با شرایط تعریف‌شده دیگری از هم جدا می‌شوند. اما در جاهلیت مدرن که تنوع‌طلبی و لذت‌پرستی شاخص اصلی آن برای زندگی مفید است می‌توان انواع و اقسام ازدواج‌های ابداعی را مشاهده کرد که در حال تبدیل شدن به ارزش جهانی است. برخی کشورهای غربی آن را به صورت قانون در آورده‌اند و به رسمیت می‌شناسند. یکی از شاخص‌ها برای فشار حقوق بشری بر کشورهای غیر غربی عدم رعایت حقوق هم‌جنس‌گرایان محسوب می‌شود. این در حالی است که حیوانات که نماد جاهلیت‌اند نیز به حسب فطرت خود با هم‌جنس خود روابط جنسی ندارند. بنابراین جاهلیت مدرن در حوزه روابط جنسی فراتر از حیوانات و فطرت حیوانی حرکت کرده است. ازدواج با محارم، ازدواج سفید، روابط آزاد جنسی به شرط رضایت و... از دیگر ابداعات معرفت سیال در جاهلیت مدرن است. علت اصلی آن را باید به بی‌معنی بودن مشروع، نامشروع، حلال و حرام

ارجاع نمود که رعایت این حلال و حرام امروزه نوعی نقض حقوق بشر از نگاه غرب محسوب می‌شود.

۲- ماهیت/ هویت حقیقی

نظام‌های سیاسی جهان از جهت ماهیت حقوقی اختلاف اساسی با هم ندارند. ساختارهای حکومتی و نهادهای ضروری برای اداره جامعه در همه جا مشهود است. ارتش، پلیس، آموزش، سیستم اخذ مالیات، پارلمان، رهبری یا رئیس‌جمهور یا پادشاه در همه کشورهای وجود دارد. اما همین اشتراک ساختاری و حقوقی باعث نمی‌شود که ماهیت حقیقی حکومت‌ها نیز از کلیشه‌ای همسو تبعیت نماید. بنابراین یکی از تفاوت‌های مهم بین گفتمان نوین اسلامی و جاهلیت مدرن غرب ماهیت حقیقی حکومت‌هاست. ماهیت حقیقی به مثابه مظروف است. مظروف یعنی محتوایی که در درون ظرف (ساختار حقوقی) ریخته می‌شود. ماهیت حقیقی نظام‌های جاهلی در مقابل نظام الهی به ماهیت حقیقی آن بر می‌گردد. بنابراین به فرموده امام و مقام معظم رهبری اگر ماهیت حقیقی نظام جمهوری اسلامی عوض شود، پسوند اسلامی دیگر کارگر نخواهد شد. از دیدگاه مقام معظم ماهیت حقیقی نظام دینی در ایران عبارت است: برادری، برابری، ایستادگی در مقابل زورگویان ساده‌زیستی مسئولان، عدالت، معنویت، تکریم شهادت و شهیدان و... در حالی که ماهیت حقیقی در جاهلیت مردن عبارت است: رقابت لجام‌گسیخته در ثروت‌اندوزی و چپاول ملت‌های دیگر و استفاده از ابزار علم برای حصول آن. در گفتمان نوین اسلامی برای رسیدن به هدف نمی‌توان از شاخص‌های نوع‌دوستی و انسانی عدول کرد. به همین دلیل امام با ارسال موشک به پایتخت عراق در دوران جنگ تحمیلی مخالف بودند و در نهایت با شرط عدم آسیب به مردم عادی قبول نمودند. اما ماهیت اصالت قدرت و ثروت باعث

می‌شود که ۲۰۰ هزار نفر در سایه علم اتمی در ژاپن با دو بمب نابود شود. امروز ساختن سلاح‌هایی که بیشترین تلفات انسانی را در کمترین زمان ممکن بگیرد در جاهلیت مدرن به مثابه پرستیژ است. بمب‌های خوشه‌ای، میکروبی، هسته‌ای نمونه‌ای از خدمتگزاری علم به جاهلیت مدرن است. به همین دلیل امام معتقد بودند در جهان انواع حکومت نداریم؛ چرا که ماهیت حقیقی همه نظام‌های غیر الهی یکی است. بنابراین در دیدگاه نوین اسلامی دو نوع حکومت وجود دارد: حکومت الهی - حکومت جاهلی و همین طور دو نوع جامعه وجود دارد: جامعه جاهلی - جامعه الهی (رجوع شود به کتاب «العالم فی طریق» سید قطب) که تفاوت آنان در ماهیت و اهداف حکومت است. در حکومت الهی فلسفه سیاست، رشد و کمال و هدایت است، اما در جاهلیت مدرن فلسفه حکومت، اصالت قدرت، ثروت، سلطه و منفعت است. به همین دلیل امام خمینی^(ره) معتقد است که «قیام الله» تفاوتش با نظام‌های مرسوم جهان این است که آنجا یک طاغوتی قیام می‌کند و طاغوت قبلی را بر می‌دارد و می‌گوید من باید باشم. بنابراین در ماهیت حکومت تفاوتی حاصل نمی‌شود و صرفاً علاقه‌مندان به قدرت و ثروت جابه‌جا می‌شوند. امام معتقد است اگر فردی جدیدی که در حکومت‌های جاهلی به قدرت می‌رسد آدم خوبی هم باشد صرفاً به یک بعد از ابعاد آدمی (بعد مادی) توجه دارد و کارش ناقص است. بنابراین ماهیت نظام‌های جاهلی صرفاً ترویج اباحه‌گری و عرفی‌گرایی و سرگرم کردن ملت‌ها به مسائل زودگذر و لذت‌های تصنعی است و در این مسیر هر کس قدرت بیشتری دارد ملت‌های دیگر را تحت ستم می‌گیرد تا ملت خود از منفعت بیشتری برخوردار باشد و در این مسیر از علم و فناوری به عنوان زنجیره وابستگی برای بردگی دیگران استفاده می‌کنند و این چنین علم ابزار پیش‌برد جاهلیت مدرن است.

۳- ماهیت رفتاری

در جاهلیت مدرن همه رفتارها در راستای تحقق علمی چهار مقوله دنیوی است و فلسفه حیات را منوط برای به دست آوردن و حفظ آن می‌دانند و غیر آن را فقدان عقلانیت ارزیابی می‌نمایند.

۱- اصالت قدرت ۲- اصالت ثروت ۳- اصالت لذت ۴- اصالت قدرت کشتار

جمع.

در رفتار حکومت‌ها و جوامع جاهلی غرب غیر از موارد ذکرشده هدف دیگری را نمی‌توان برای زندگی تعریف نمود. اصالت قدرت باعث می‌شود تا برای حفظ برتری‌طلبی تمام الزامات و امکانات خود را در راستای تقویت قاعده سلطه‌گر- سلطه‌پذیر به کار گیرند و در این مسیر هرگونه مانع را به بدترین شکل انسانی سرکوب کنند. مثال این نوع رفتار، بمباران شهرهای ژاپن در سال ۱۹۴۵ است. علاوه بر آن کشتن مردم غیر نظامی و زنان و کودکان در بوسنی و هرزگوین، عراق، افغانستان، پاکستان، ویتنام و... در راستای تثبیت قاعده سلطه است. تولید انبوه سلاح و فروش آن به رقبای گروه‌های رقیب در منطقه اسلامی در راستای سایش غیریت در نزاع‌های داخلی و حفظ برتری خود است. دو جنگ ویرانگر جهانی محصول اصالت قدرت و برتری‌طلبی است. اصولاً در دویست سال گذشته غرب محور اصلی تمام نزاع‌های جهانی بوده است؛ یا مستقیم درگیر آن بوده یا از طریق اعمال و سلاح خود بخشی از جهان را درگیر نموده است. اصالت ثروت دیگر عنصر مهم است. پایین آمدن درآمد سرانه یا درآمد ملی دغدغه اصلی غرب است. به همین دلیل دوران استعمار و چپاول جهان شرق را از قرن نوزده شروع نمودند. شرکت‌ها و کارتل‌های چندملیتی را در دنیا به راه انداخته‌اند. تمرکز در منطقه ثروت‌خیز خاورمیانه به دلیل برتری‌طلبی ثروت انجام می‌شود. در

عراق و افغانستان، سرویس‌های اطلاعاتی غرب اقدامات پیچیده‌ای را برای نفوذ در بانک‌های مرکزی این کشورها و انتقال پول به سنتی‌ترین روش‌های موجود انجام داده‌اند. ایران‌هراسی در خلیج فارس با هدف فروش سلاح و افزایش ثروت از این راه است. برخوردهای دوگانه با حقوق بشر و دموکراسی در خاورمیانه عربی - اسلامی، با رعایت اصل ثروت‌اندوزی است. کشورهای پردرآمد نفتی از رعایت حقوق بشر و دموکراسی معاف هستند، اما کشورهایی که مانع از چپاول منابع‌شان می‌شوند زیر فشار و اتهام قرار دارند. حقوق زنان و دموکراسی اهرمی است تا هر موقع لازم است پیچ شیر نفت عربستان یک دور بیشتر باز شود و منابع غرب را تقویت نماید. اصالت لذت، اصل فلسفه قدرت و ثروت‌اندوزی است. لذت جامعه جاهلی غرب به مثابه مسخ‌شدگی و جنون است. رهیافت علمی «صنعت سکس»، شکنجه در عراق و گوانتانامو به قصد لذت، آزار و اذیت حیوانات به قصد خوش‌گذرانی، بازی‌های خشن حیوانی، سقط جنین، رابطه نامشروع، تسهیل تساهل و تسامح جنسی با رعایت اصل رضایت و عدم اصالت خانواده بخشی از زمینه‌های تحقق اصل لذت‌پرستی است. علت اصلی توجه به لذت‌گرایی باور به این جهانی بودن حیات و نابودی است. بنابراین حداکثر لذایذ دنیوی را در حیات این جهانی مطالبه می‌کنند. در جاهلیت مدرن همجنس‌گرایی به عرفی‌تر از عرف زیست حیوانی مبدل شده است. حیوانات نیز به حسب فطرت خویش همجنس‌گرایی ندارند، اما جاهلیت مدرن این مسأله را تا مرز قانون‌سازی و دفاع علنی و رسمی از آن پیش برده است و عدم رعایت این قاعده در جوامع شرقی را به مثابه نقص حقوق بشر دنبال می‌کند. یکی از اتهامات نظام جمهوری اسلامی ایران در بیانیه سال گذشته اتحادیه اروپا عدم رعایت حقوق این دسته از افراد قید شده است. اصالت توان کشتار جمعی به عنوان ابزار

برای سلطه هرمونیک مد نظر است. در جاهلیت سنتی جنگ‌ها به صورت تن‌به‌تن و مردانه بود و از عادات غیوری پیروی می‌کرد. در جاهلیت مدرن هر دولت و کشوری که بتواند با کمترین سلاح و یا در کمترین زمان، بیشترین تلفات انسانی را بگیرد صاحب نوعی علم و فناوری برتر محسوب می‌شود. بمب اتم، سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و بمب‌های خوشه‌ای و چندزمانه بخشی از این آورده ویرانگر است. بنابراین ابزار جاهلیت مدرن ویرانگرتر و نابودکننده‌تر است و حیات بشر در این اندیشه به مثابه «تنازع بقا» معرفی شده است که یا باید ابزار برتر بودن را داشته باشی یا باید نظام سلطه را بپذیری.

۴- به کارگیری جاهلیت سنتی توسط جاهلیت مدرن

جاهلیت مدرن و سنتی دارای مراودات و واجد هم‌پوشانی هستند. امروزه داعش، القاعده، النصره، بوکوحرام، الشباب و... از جاهلیت سنتی پیروی می‌کنند، اما خطری برای جاهلیت مدرن محسوب نمی‌شود، بلکه جاهلیت مدرن از آنان بهره می‌برد. جاهلیت مدرن در صدد است تا منافع خود را با حداقل هزینه به دست آورد. بنابراین با راه‌اندازی نمادهای جاهلیت سنتی در عراق، سوریه و... هم برای گفتمان نوین اسلامی تهدیدساز شده است و هم چهره اسلام را به جاهلیت صدر اسلام برگردانده است و از طرفی امنیت جاهلیت مدرن نیز تهدید نمی‌شود. دوستان غرب در منطقه همچون سعودی‌ها (جاهلیت سنتی) و صهیونیست‌ها (جاهلیت مدرن) امروز از تهاجمات جاهلیت سنتی در امان هستند و جهت پیکان آنان نسبت به اسلام شیعی و انقلاب اسلامی است. از سوی دیگر جاهلیت سنتی از ابزار و فناوری جاهلیت مدرن بهره می‌برد. روش‌های سنتی قتل با استفاده از ابزار مدرن

انجام می‌شود. سلاح‌های پیشرفته، حضور جدی در شبکه‌های اجتماعی، به کارگیری افراتیون آمریکا و اروپا در عراق و سوریه، بخشی از همپوشی دو جاهلیت سنتی چهره‌ای خشن و بی‌منطق از اسلام ارائه دهد و با بدیل‌سازی، چهره نوین اسلامی را مخدوش نماید. استقلال گفتمان نوین اسلامی در مسائل منطقه با دست رد زدن به سینه هر دو توانسته این چهره مستقل و پر فروغ را فراتر از دو جاهلیت، تا کنون حفظ نماید. گفتمان اسلام نوین با تکیه بر عقلانیت و توجه به کرامت انسانی نه تنها در بدیل‌سازی غرب جای گرفت که توانست در مقام قیاس قرار گیرد و دیگران آن را با جاهلیت موجود در حوزه اسلامی مقایسه و برتری آن را در منطق و تعامل تأیید نمایند. درخواست روسیه و چین از ایران برای اقدامات فرهنگی در مناطق مسلمان‌نشین این دو کشور، حاکی از اقبال نسبت به منطق گفتمان نوین اسلامی است.

۵- منازعه معنابخش دو گفتمان

دو گفتمان اصلی جهان امروز در یک حوزه با هم تفاوت ماهوی دارند و در یک حوزه به منازعه معنابخش مشغولند. در حوزه معرفت، اختلاف ماهوی است. بدین معنی که گفتمان نوین اسلام ضمن روزآمد کردن خود، در اصول و معرفت از جوهره ذاتی آن تبعیت می‌کند و گفتمان جاهلیت مدرن بر سیالیت معرفت اصرار دارد و تلاش می‌نماید باقی‌مانده معرفت ذاتی در غرب را با استفاده از روش‌های پست‌مدرن نابود سازد و جوهرستیزی، شالوده‌شکنی و قطعیت‌ستیزی را مد نظر دارد و به صورت جدی آن را دنبال می‌کند و بسیاری از اندیشمندان شرق را نیز آلوده نماید. به طور مثال عبدالکریم سروش که در حوزه اسلامی تعریف می‌شود و حامیان وی را روشنفکر

مسلمان می‌نامند، با صراحت ارتباط جنسی با محارم در عصر حاضر را یک حق می‌داند، اما ممکن است کسی نخواهد از این حق استفاده کند. اما منازعه جهانی و اصلی گفتمان نوین اسلامی و گفتمان جاهلیت مدرن بر سر معنادگی به دال‌های اصلی گفتمان جهانی است. گفتمان جهانی عنصری دارد که از جهت شکلی هر دو گفتمان مدعی آن هستند، اما هر یک معنا و مفهوم و تفسیر خاص خود را از آن دارند. عناصر گفتمانی جهانی عبارتند از:

۱- دموکراسی ۲- حقوق بشر ۳- صلح ۴- خلع سلاح هسته‌ای ۵- مبارزه با تروریسم ۶- فقرزدایی ۷- محیط زیست. هر دو گفتمان این عناصر را قبول دارند، اما هر کدام معنای خاص خود را دارند. گفتمان جاهلیت تلاش نموده است دیو سیرتی خود را در پشت این مفاهیم زیبا مخفی نماید و با تغییر سیرت استعمار کهن به غارت فرهنگی، در قالب هنجارهای عرف‌شده بین‌الملل عمل نماید. بنابراین از مقوله‌های ذکرشده علیه کشورهای ناهمسو و ملت‌های مستقل استفاده می‌نماید. نبود دموکراسی در عربستان بلامانع است، اما در کره مسأله است. تروریسم اگر علیه سوریه باشد خوب است، اما اگر دفاع مشروع از سرزمین مادری باشد (حماس و حزب‌الله) تروریسم است. حقوق بشر اگر در ایران و به حکم معرفت بومی باشد از نگاه آنان نقض است و جهان غرب یکصدا فریاد می‌شود، اما اگر در اراضی اشغالی و عربستان سعودی و زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو باشد عین حقوق بشر است. گفتمان نوین اسلامی دموکراسی، حقوق بشر و مبارزه با تروریسم را می‌پذیرد، اما معتقد است این عناصر حربه‌ای در دست قدرت‌های مادی برای پیش‌برد منافع شیطانی است. بنابراین نبرد دو گفتمان در صحنه جهانی برای معنادگی به عناصر مذکور همچنان ادامه دارد. اما نوپایی گفتمان نوین اسلامی این مسأله را گوشزد می‌کند که موانع ایجاد در این مسیر را باید از خود نداند و به

ماهیت طرف مقابل ارجاع دهد. داعش به عنوان نماد تروریسم نمی‌تواند با گفتمان نوین اسلامی همسو باشد. بنابراین گفتمان نوین اسلامی با ابراز برائت از چنین تشکیلاتی آن را خارج از گفتمان اسلامی معرفی می‌کند و مولد آن را جاهلیت مدرن می‌داند و همین نقطه را محل تلاقی دو گفتمان جاهلیت سنتی و مدرن می‌داند و هر دو را به یک اندازه در نابودی حیات و کرامت انسان معاصر مسئول می‌داند این منطق روزبه‌روز پرفروغ‌تر می‌شود و می‌تواند با فربه کردن خود در آینده جهان بشریت هژمون گردد.

نگاهی به تحركات انتخاباتی جریان‌های سیاسی

حسین عبداللهی‌فر

مقدمه

در شماره پیش به اهداف، راهبردها و تاکتیک‌های انتخاباتی هر یک از جریان‌های سیاسی اشاره شد. در این شماره قصد داریم مهم‌ترین فعالیت‌های انتخاباتی این جریان‌ها را در زمانی که کمتر از هشت‌ماه به برگزاری انتخابات مانده است، بررسی کنیم. این در حالی است که فضای سیاسی حاکم بر کشور تحت تأثیر پیامدهای سیاسی مذاکرات هسته‌ای و پیامدهای سیاسی ناشی از مشکلات اقتصادی و معیشتی، در معرض خطر دو قطبی شدن قرار دارد. جریان‌ها، تشکله‌ها و برخی از شخصیت‌های سیاسی و دولتی با اصلی کردن مسأله انتخابات مجلس دهم و خبرگان پنجم، اهتمام ویژه‌ای را مصروف اقدامات و فعالیت‌های انتخاباتی نموده‌اند که عوارض منفی آن را می‌توان در کم‌توجهی به سایر مسائل اساسی کشور و مشکلات معیشتی مردم مشاهده کرد. ضمن آن که سوءاستفاده دشمنان انقلاب اسلامی از مذاکرات هسته‌ای، مشکلات اقتصادی و موضوع انتخابات به عنوان مهم‌ترین مسائل تأثیرگذار بر فضای سیاسی کشور، خطر شکل‌گیری دوقطبی‌های کاذب و غیر واقعی در جامعه ما را می‌دهد.

از همین رو مقام معظم رهبری با طرح شعار سال امکان دوقطبی شدن جامعه را کاهش داده و مذاکرات هسته‌ای را به گونه‌ای مدیریت کردند که تلاش‌های دشمنان ملت ایران به منظور ایجاد دوگانگی در مدیریت کلان کشور، دوقطبی بین نظام و مردم، دوقطبی بین دولت و نظام و سایر

دوقطبی‌های احتمالی بین نیروهای سیاسی را حثی کردند.
در ادامه به آخرین تلاش‌ها و فعالیت‌های انتخاباتی جریان‌ها، گروه‌های و
شخصیت‌های سیاسی در زمینه انتخابات آینده اشاره می‌شود:

الف) فعالیت‌ها و تحرکات میدانی اصلاحات - اعتدال

۱- تشکیل کمیته راهبردی و تفویض اختیارات تعیین کاندیداها به آن
از دل شورای مشورتی اصلاح‌طلبان کمیته‌ای به نام کمیته راهبردی
انتخابات شکل گرفته است که این کمیته کارهای سیاستگذاری کلان در
خصوص انتخابات را پیگیری می‌کند، اما در مصادیق، لیست انتخاباتی و
چگونگی شکل‌گیری سیاست‌های انتخاباتی دخالتی ندارد. کمیته راهبردی
اصلاح‌طلبان تنها مرجعی است که با چشم‌انداز ائتلاف و وحدت بین
اصلاح‌طلبان کار خود را دنبال می‌کند؛ به این معنا که اگر در حوزه انتخابی و
مراکز استان‌ها چند نامزد حضور پیدا کردند برای تعیین نامزد نهایی شورای
مشورتی و کمیته راهبردی مرجع داوری می‌شود، اما هیچ کار اجرایی برای
انتخابات انجام نخواهد داد. ۱

این در حالی است که شکل‌گیری این شورا اعتراض برخی از تشکلهای
اصلاح‌طلب را در پی داشته است. قائم مقام حزب اعتماد ملی می‌گوید:
«شورای راهبردی خود را مدعی و متولی انتخابات در میان اصلاح‌طلبان
می‌داند و می‌گوید احزاب باید خود را با ما هماهنگ کنند و شورای هماهنگی
در مرکز و استان‌ها باید با ما هماهنگ باشند. تشکیل این شورا به معنای
نادیده گرفتن احزاب است که یک تشکیلات غیرقانونی و موقت را با احزاب

جایگزین کنیم. چون این شوراهای نمی توانند آرم و تابلویی داشته باشند، می خواهند در زمان انتخابات بگویند که ما تصمیم گرفته ایم، شما بیایید اجرا کنید؛ این کار درستی نیست و قطعاً هم احزاب موضع گیری می کنند و در شورای هماهنگی هم با این طرح مخالفت شد». وی درباره چگونگی حضور احزاب و شخصیت های اصلاح طلب نیز می گوید: «اغلب احزاب در شورای راهبردی نیستند و در آنجا تنها اعضای کارگزاران و مشارکت هستند». قائم مقام حزب اعتماد ملی همچنین در خصوص آینده این شورا نیز گفته بود: «شورای راهبردی که این روزها در رسانه ها مطرح شده است را مسیر انحرافی می دانم و مطمئن هستم که تلاش این دوستان نه تنها به نتیجه نمی رسد که اگر به فعالیت خود ادامه دهند، منجر به دو دستگی و در نهایت شکست اصلاح طلبان در انتخابات آینده خواهد شد».^۱

۲- شکل گیری تشکل جدید با عنوان اختصاری «ندا»

حزب ندا یا حزب ندای ایرانیان، یک تشکل سیاسی اصلاح طلب در جمهوری اسلامی ایران است که در مردادماه ۱۳۹۳ از وزارت کشور درخواست مجوز کرد. بیشتر اعضای این حزب سیاسی از اعضای اصلی ستاد ملی جوانان اصلاح طلب، شورای مشاورین سیدمحمد خاتمی و دیپلمات های نزدیک به دولت روحانی هستند. صادق خرازی مشاور ارشد خاتمی، نماینده پیشین ایران در سازمان ملل و سفیر اسبق ایران در فرانسه از جمله اعضای این حزب است. یکی از مؤسسان حزب جدید ندای ایرانیان زمینه تأسیس ندای ایرانیان را اینگونه توضیح داد: «شاید بیش از هشت سال است که ما با

دوستان و فعالان شاخه جوانان احزاب اصلاح طلب و اصول گرا جلسات متعددی داشتیم و هم‌اندیشی می‌کردیم. یکی از مسائلی که مورد تفاهم قرار گرفت این بود که ما هیچ پیشینه تمایز و دعوایی با یکدیگر نداشتیم. ممکن است دوستان و عزیزان بزرگ‌تر، از شروع انقلاب و قبل از آن، چالش‌هایی در روش و حتی منش با یکدیگر داشته باشند و این مسأله طی این سال‌ها بیشتر شده است، اما در آن جلسات هم‌اندیشی جوانان احزاب متوجه شدیم که ما نقطه افتراقی جز دیدگاه‌های سیاسی‌مان نداریم و پس از مدتی به این جمع‌بندی رسیدم که ضرورتی ندارد ما ادامه‌دهنده اختلافات باشیم، بلکه ما می‌توانیم با تکیه و تأکید بر مشترکات گام‌های جدیدی را آغاز کنیم.^۱

یکی دیگر از اعضای مؤسس «ندا» در خصوص خط و مشی این تشکل تازه تأسیس می‌گوید: «شاخصه این است که می‌خواهیم حرکت‌مان را در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران ادامه دهیم و هر کجا که حرکت‌مان با مخالفت نظام و شاخصه‌های نظام یعنی قانون اساسی و رهبری روبه‌رو شود، حرکت‌مان را مسکوت می‌گذاریم تا بتوانیم طرف مقابل را متقاعد کنیم». وی در پاسخ این ادعا که «این سازش کاری است» گفت: «ما به دنبال اصلاح طلبی که به دنبال مبارزه طلبی و مبارزه‌جویی باشد نیستیم».^۲

۳- تشکیل جبهه متحد مستقلین اصلاحات با عضویت ۵۰ حزب
به گزارش مشرق، حجت الاسلام محمد زارع فومنی، دبیرکل حزب مردمی اصلاحات گفت: «جبهه متحد مستقلین با عضویت ۵۰ حزب از جمع کثیری

۱- ویکی پدیا

۲- شبکه اطلاع‌رسانی دانا، حسن یونسی پسر علی یونسی در مصاحبه با ایلنا، شناسه

از اعضا، جمعیت‌ها و تشکل‌های سیاسی اعلان موجودیت کرد». وی ادامه داد: «قدرت الله حشمتیان عضو هیأت رئیسه کانون نمایندگان ادوار و دبیرکل جمعیت مستقل ایران اسلامی به عنوان رئیس، علی فایضی دبیرکل کانون همبستگی فرهنگیان ایران به عنوان نایب رئیس، محمد زارع فومنی دبیرکل حزب مردمی اصلاحات به عنوان سخنگو، علی متانی به عنوان دبیر، اسماعیل ابراهیمی دبیرکل جمعیت اصلاح و تدبیر به عنوان خزانه‌دار، جعفر خدا قلی‌زاده به عنوان بازرس اول و روزبه مشکین خط به عنوان بازرس دوم هیأت رئیسه موقت جبهه متحد مستقلین انتخاب شدند».^۱

۴- اعلام مدل «فهرست سه‌لایه» به عنوان مدل انتخاباتی تهیه لیست شورای همکاری اصلاحات به عنوان مرجع اصلی تصمیم‌گیری اصلاح‌طلبان به انضمام دیگر احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب چند ماهی است که بر سرعت و کیفیت تصمیم‌گیرهای خود افزوده و راهبردی چند لایه را برای انتخابات مجلس دهم تدوین و طراحی کرده است؛ راهبردی که کمتر شباهتی به سیاستگذاری‌های اصلاح‌طلبان در ادوار سابق انتخابات مجلس دارد. واگذاری شناسایی، معرفی و تبلیغات سیاسی کاندیداهای اصلاح‌طلب در استان‌ها، نقطه کانونی راهبرد انتخاباتی اصلاح‌طلبان است...^۲ "فهرست انتخاباتی سه‌لایه" در تمامی کشور می‌تواند ترکیب مجلس را همسو با مطالبات مردم کند. دیگر تردیدی نیست که رمز موفقیت اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس نه از تهران که از شهرستان‌ها می‌گذرد.^۲

۱- سایت مشرق، ۹۴/۳/۵.

۲- روزنامه اعتماد ۹۴/۱/۲۳.

۵- تلاش برای پیدا کردن سرلیست انتخاباتی

تلاش برای پیدا کردن سرلیستی که بتواند ظرفیت ریاست مجلس آینده را نیز داشته باشد یکی از مشکلات جدی و اختلاف‌انگیز جریان اصلاحات است. از همین رو تاکنون اقدامات زیادی برای جلب رضایت ناطق نوری به عمل آورده و چندین نشست را به منظور دعوت از وی برگزار نموده‌اند که با موفقیت همراه نبوده است. همین امر سبب گردیده تا بر سرلیستی محمدرضا عارف اختلاف نظر زیادی به وجود آید. کارگزاران به عنوان اصلی‌ترین بازیگر انتخاباتی اصلاح‌طلبان یکی از جدی‌ترین مخالفان سرلیستی عارف هستند.

یک عضو بنیاد باران در واکنش به مخالفت کارگزاران با سرلیستی عارف می‌گوید: «اگرچه در شورای مشورتی تاکنون درباره فهرست و لیست انتخاباتی صحبت نشده اما من فکر می‌کنم چنانچه آقای دکتر عارف در انتخابات کاندیدا شود با توجه به موقعیتی که دارد از نظر من سرلیستی ایشان محرز و مسلم است». وی درباره سرلیستی عارف، تأکید کرد: «آقای عارف از هر جایی کاندیدا شود قطعاً سرلیست فهرست آن حوزه انتخابیه خواهد شد؛ چون ایشان این قابلیت را دارد که در لیست واحد اصلاح‌طلبان که مورد تأیید رئیس دولت اصلاحات و رئیس شورای مشورتی است رأی لازم را به دست آورد».^۱

۶- تمرکز بر استان‌ها به جای تهران

یکی از اقدامات میدانی جریان اصلاحات توجه به شهرستان‌ها به جای تمرکز بر تهران است. در همین راستا تاکنون اصلاح‌طلبان در شهرهای زیادی

اقدام به راه‌اندازی کارگروه‌های انتخاباتی در استان‌های سراسر کشور نموده و جلساتی را برای انتخاب اعضای این کارگروه‌ها برگزار نموده‌اند.^۱

(ب) تحرکات انتخاباتی جریان اصول‌گرا

۱- برگزاری جلسات بزرگان برای دستیابی به وحدت حداکثری
دیدار سه‌جانبه آیات عظام مصباح یزدی رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، موحدی کرمانی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز و یزدی دبیرکل جامعه مدرسین به عنوان بزرگان جبهه اصول‌گرایان، تأثیر زیادی بر روند وحدت میان طیف‌های مختلف این جریان داشته است. قرار است این دیدارها پس از یک دوره توقف مجدداً از سر گرفته شود. آیت الله موحدی کرمانی با اشاره به دیدار خود با آیت الله یزدی و آیت الله مصباح یزدی آن را خوب و مفید توصیف کرد و افزود: «جامعتین در عرصه سیاسی کشور می‌خواهد نقش کلیدی را ایفا کند، لذا بر اساس منشور اصول‌گرایی، همگرایی با همه ظرفیت‌های اصول‌گرایی را ضروری می‌داند».^۲

۲- تشکیل نشست‌های همگرایی میان اضلاع مختلف

طیف‌های مختلف اصول‌گرایان شامل جمعیت ایثارگران و رهیویان، پایداری‌ها و حزب مؤتلفه اسلامی این جریان تاکنون موفق به برگزاری چندین نشست به منظور دستیابی به یک ائتلاف بزرگ شده و بنا به اخبار منقول توافقات به عمل آمده مکتوب شده است.

۱- روزنامه اعتماد (۱/۲۳) ذیل تیتر اول «آغاز انتخابات از استان‌ها»

۲- نامه نیوز کد خبر: ۳۳۱۱۸۸ تاریخ انتشار: ۲ اردیبهشت ۱۳۹۴

حجت الاسلام مرتضی آقانهانی، دبیرکل جبهه پایداری، برگزاری جلسات متعدد جبهه متبوعش برای رسیدن به وحدت و انسجام زیر نظر جامعیتین را مثبت ارزیابی کرد و با اشاره به نشست سه‌جانبه در سه‌شنبه (۹ تیرماه) گفت: «در این نشست حاضران براساس چارچوب‌های توافق‌شده، برآن شدند تا سازوکار حقوقی و سیاسی ائتلاف حداکثری هرچه سریع‌تر شکل گیرد».^۱

۳- تشکیل جبهه یاران کارآمدی و تحول ایران

برای بهره‌گیری از اعتماد مردمی به عملکرد مثبت دولت نهم و دهم، "جبهه یاران کارآمدی و تحول ایران" با نام مخفف «یکتا» پا به عرصه سیاسی گذاشت و هدف خود را گفتمان‌سازی اعلام نمود.

در بخشی از بیانیه جبهه یکتا که در گردهمایی اعلام موجودیت آن منتشر شد، آمده است: «تشکیل این مجموعه برای وحدت‌آفرینی و انسجام نیروهای مؤمنی است که همواره خادم ملتند و بنا دارند با نقد منصفانه و عالمانه و ارائه فکر و برنامه از دولت و سایر متولیان کشور حمایت کرده و با حضور فعال در صحنه آگاهی‌بخشی، امیدآفرینی، کارآمدی و تحول را دنبال کنند. صراحتاً می‌گوییم در تشکیل و پیوستن به این مجموعه با هیچ فرد و یا گروهی وابسته نبوده و به جز دین به نظام اسلامی، امام و رهبری و شهیدان گرانقدر خود را وامدار کسی نمی‌دانیم. افراد و خادمان و گذشته حال را با معیارهای ولایت‌پذیری، دلسوزی، کارآمدی، خدمت خالصانه برای ملت، عدالت‌ورزی، عزت‌آفرینی در صحنه‌های داخلی و خارجی می‌سنجیم و در تصمیمات کلان همگرایی با اندیشه ولایت‌مدارایانه اصول‌گرایان و همراهی با

روحانیت دلسوز و انقلابی کشور را شرط مهم انسجام و موفقیت همه عناصر متدین کشور می‌دانیم».^۱

۴- تشکیل ستاد انتخاباتی جبهه پیروان

به گزارش نامه نیوز، "سیدکمال سجادی" سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری با اشاره به تشکیل ستاد انتخاباتی جبهه پیروان اظهار داشت: «محسن کوهکن به عنوان رئیس ستاد و اسدالله بادامچیان، احمد کریمی اصفهانی و محمد ناظمی اردکانی به عنوان اعضای ستاد انتخابات جبهه پیروان انتخاب شده‌اند». وی در ادامه افزود: «همچنین محمدنبی حبیبی به عنوان رئیس کمیته استان‌های جبهه پیروان انتخاب شده است که البته در گذشته هم این مسئولیت را برعهده داشته است».^۲

۵- توافق بر تبعیت از جامعین

به گزارش مشرق، "محسن کوهکن" دبیر سیاسی جبهه پیروان خط امام و رهبری در خصوص ائتلاف اصول‌گرایان با اشاره به فعالیت‌های انتخاباتی جبهه متبوع خود اظهار داشت: «رویکرد جبهه پیروان، تبعیت از جامعین است که این موضوعات به صورت مکتوب تدوین شده است». وی اضافه کرد: «علاوه بر این موارد، موضوعاتی مانند تعامل با سایر سلیقه‌های اصول‌گرایی تحت لوای روحانیت در جریان اصول‌گرایی در حال پیگیری است و در این راستا، سلیقه‌های مختلف اصول‌گرایی ۷۵ تا ۸۰ درصد به تفاهم رسیده‌اند».^۳

۱- خبرگزاری فارس، ۹۴/۰۳/۲۵، شماره: ۱۳۲۹، ۱۳۹۴۰۳۲۵۰۰

۲- نامه نیوز، ۹۴/۳/۱۰

۳- سایت مشرق، ۹۴/۳/۴

ج) تحرکات انتخاباتی احمدی نژاد و طرفدارانش

برخلاف رفتارهای انتخاباتی که از سوی احمدی نژاد و یارانش مشاهده می‌شود اطرافیان وی تاکنون بارها فعالیت وی برای ورود به عرصه رقابت‌های انتخاباتی را تکذیب کرده‌اند. رئیس دولت نهم و دهم خود نیز اخیراً با بیان اینکه ما در اینجا به طور مطلق هیچ برنامه‌ای و علاقه‌ای برای فعالیت‌های انتخاباتی نداریم، گفت: «اگر تصمیم یا تکلیفی داشتم که کاری را انجام دهم، در آن صورت خودم صراحتاً به ملت اعلام می‌کردم».^۱

سیدمجتبی ثمره هاشمی، دستیار ارشد محمود احمدی نژاد در دولت دهم در گفتگو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری تسنیم در پاسخ به حضور احمدی نژاد در انتخابات مجلس می‌گوید: «همان‌طور که قبلاً گفته شد آقای دکتر احمدی نژاد هیچ‌گونه برنامه‌ریزی برای حضور یا معرفی نامزد جهت شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی ندارد، هر چند که مطابق قانون افراد می‌توانند در این امر مهم فعالیت کنند».^۲

با وجود این عبدالرضا داوری از نزدیکان احمدی نژاد می‌گوید: «به عقیده من لازم است که اصول‌گرایان، حتی آن دسته از اصول‌گرایانی که همچنان منتقد دولت احمدی نژاد هستند، صحنه را درست تحلیل کنند. واقعیت این است که جریان حامیان آقای احمدی نژاد یک حضور جدی و واقعی در انتخابات خواهند داشت و این شبکه گسترده‌ای که به عنوان حامیان آقای احمدی نژاد شکل گرفته، مهم‌ترین ظرفیت جریان اصول‌گرایی است. جریان اصول‌گرایی اگر می‌خواهد در انتخابات آینده اکثریت مجلس را به دست

۱- سایت الف، شنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۴

۲- سایت دولت بهار به نقل از تسنیم، کد خبر: ۸۰۳۰۲، شنبه، ۶ تیر ۱۳۹۴

بیاورد و در رقابت با اصلاح طلبان و طیف آقای هاشمی و دولت فعلی پیروز شود، تنها راهی که دارد استفاده از ظرفیت شبکه نیروهای هوادار آقای احمدی نژاد است. بنابراین اگر تحلیل درستی از صحنه داشته باشند، طبیعتاً به سمت ائتلاف خواهند آمد».^۱

۱- جوان آن لاین، تاریخ انتشار: ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴، کد خبر: ۷۱۸۴۱۷

واقعیت‌های رشد اقتصادی ۹۳

اقتصاد ایران همیشه از نوسانات درآمدهای نفتی و دیگر عوامل خارجی مانند تحریم‌ها آسیب خورده است و برای کاهش این نوع آسیب‌های برون‌زا، «پایداری رشد» در اقتصاد ایران از جمله دغدغه‌هایی بوده که همواره با جدیت توسط دولت‌ها دنبال می‌شده است و به طور حتم تلاش برای دستیابی به این مهم با تکیه بر توان کارشناسی و ایجاد همگرایی میان مسئولان اجرایی و کارشناسان اقتصادی می‌تواند گامی مؤثر در تحقق رشد پایدار باشد.

از این منظر همواره اعلام نرخ رشدهای اقتصادی با مجادلات کلامی متفاوتی از سوی مخالفان و موافقان آن همراه بوده است. شاید از این رو است که نرخ اعلامی رشد اقتصادی حدود ۴ درصدی سال ۹۳ نیز با مخالفت‌ها و موافقت‌هایی روبه‌رو بوده است که در این نوشتار تلاش می‌شود با بررسی دقیق ابعاد مختلف، واقعیت‌های رشد اقتصادی اعلامی مورد واکاوی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها:

رشد اقتصادی، واقعیّت، تولید ناخالص داخلی، مصرف، تسهیلات اعطایی

مقدمه

به نظر می‌رسد که اعلام نرخ رشد اقتصادی حدود ۴ درصدی برای سال ۹۳، از آنجاکه تناسبی با روندهای عینی اقتصادی کشور نداشته، واکنش‌های منفی متعددی را از سوی صاحب‌نظران به همراه داشته است. اما با وجود این، برخی معتقدند که با تأملی در مفهوم رشد تولید ناخالص داخلی و نیز تحلیل سیاست‌های دولت طی یک سال گذشته، رسیدن به این رقم را دور از ذهن و انتظار نخواهیم دانست. حال با وجود این و با پذیرش این معنا، این سؤال مطرح می‌شود که اشکالات وارده به نرخ اعلامی از چه منظر قابل تأمل می‌باشد.

از این رو در ادامه تلاش می‌شود تا با ذکر دلایل موافقان و مخالفان رشد اقتصادی اعلامی از سوی دولت، به ارائه نگاهی متفاوت به مقوله رشد اقتصادی و واقعیتهای رشد مذکور پرداخته شود.

دلایل موافقان

موافقان تحقق رشد اقتصادی حدود ۴ درصدی، دلایل گوناگونی را برای این نظر خود مطرح نموده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) تأکید بر آمار نهادهای رسمی

موافقان معتقدند که رئیس جمهوری با استناد به اعلان نهادهای رسمی چون بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، رشد ۴ درصدی اقتصاد و کاهش نرخ تورم از ۴۰ به ۱۷ درصد را مطرح نموده‌اند.

حتی تا جایی که معتقدند تولید ناخالص داخلی در بازه زمانی شش ماهه

نخست سال ۹۳ بیش از این میزان بوده و در سه ماهه فصل تابستان به ۳.۷ درصد رسیده است.

چراکه معتقدند بنا بر اعلام بانک مرکزی، میزان رشد اقتصادی گروه‌های اقتصادی، برای مثال گروه نفت (۹.۲ درصد) و خدمات (۷.۲ درصد) حاصل شده و این در حالی است که در بازه زمانی مشابه در سال گذشته، میزان رشد در همه گروه‌ها به جز کشاورزی منفی بوده است.

ب) رشد شاخص سرمایه‌گذاری

یکی دیگر از دلایل موافقان رشد اقتصادی، اعتقاد به رشد شاخص سرمایه‌گذاری در سال ۹۳ بوده است. آنها معتقدند که به گزارش بانک مرکزی رشد شاخص سرمایه‌گذاری در کشور را در ۲ فصل بهار و تابستان ۱۳۹۳، ۱۵.۸ درصد اعلام کرده که این رقم در مدت زمان مشابه سال ۱۳۹۲، منفی ۱۶.۵ درصد بوده است. در این گزارش، نرخ تورم در ۱۲ ماه منتهی به آذرماه سال جاری ۱۷.۲ درصد اعلام شده است.

ج) کاهش نرخ تورم

این گروه معتقدند که همزمان، مرکز آمار ایران نرخ تورم شهری در ۱۲ ماه منتهی به آذرماه سال ۱۳۹۳ را ۱۶.۸ درصد اعلام نموده است. در این ماه، نرخ تورم نقطه به نقطه نیز ۱۴.۹ درصد برآورد شده است. بر پایه اعلام این مرکز، نرخ بیکاری کشور در تابستان سال ۹۳ به ۹.۵ درصد رسیده است.

د) آمارنمایی‌های سال‌های گذشته

این دسته از موافقان معتقد به وجود برخی آمارنمایی‌های سال‌های پیشین هستند، و معتقدند که این رخداد با دستکاری بخشی از شاخص‌ها همچون تعریف فرد شاغل و ساعات کاری او در نظام‌های آماری صورت می‌گرفت و نه زیرورو کردن و برهم زدن قواعد و سازوکارهای آماری.

در مواردی هم که برآوردهای اقتصادی نظیر رشد منفی ۵.۸ درصدی اقتصاد کشور به مسئولان دولت گذشته ارائه می‌شد، تنها امکان پیش رو، اعلام نشدن رسمی این آمار بود و نه انتشار آمار ساختگی که به هیچ وجه با شرایط تحریم و کاهش شدید صادرات کشور تناسب نداشت.

دلایل مخالفان

اما منتقدین رشد اقتصادی معتقدند که موافقان در حالی آمار نهادهای رسمی را یکی از دلایل تحقق رشد اقتصادی می‌دانند که خود با تشکیک در همین آمار در سال‌های گذشته، دولت‌های گذشته را به دستکاری آمار و ارقام مربوط به تورم، اشتغال، رشد اقتصادی و ... متهم نموده‌اند.

حال با این وجود، این پرسش را مطرح نموده‌اند که اگر آمار نهادهای رسمی کشور قابل اعتماد است؛ چرا ادعا می‌نمایند که آمار نهادهای رسمی چون بانک مرکزی و مرکز آمار ایران در سال‌های گذشته قابل استناد نیست؟

الف) تعارض با وضعیت معیشت

یکی از استدلال‌های مطرح‌شده از سوی منتقدان، نبود تناسب بین آمارهای رسمی و واقعیت‌های جامعه است.

در واقع منتقدان، وجود برخی مشکلات غیرقابل انکار اقتصادی و معیشتی مردم را نمودی از محقق نشدن بسیاری از وعده‌های دولت و در تضاد با آمارهای ارائه‌شده عنوان کرده‌اند.

ب) تردید در آمارها

البته شماری نیز نسبت به آمارهای نهادهای رسمی اظهار تردید کردند. این دسته از منتقدان با استناد به اظهارات دولتمردان درباره آمار صفر درصدی مرکز آمار ایران در باب تورم بهمن سال ۹۳، اشاره می‌کنند که

گزارش این مرکز حکایت از آن دارد که افزایش شاخص کل تورم نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۱۴.۴ درصد است. درصد تغییرات شاخص کل (نرخ تورم شهری) در دوازده ماه منتهی به بهمن ماه سال ۹۳ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۵.۲ درصد است.

همچنین معتقدند که در گزارش بانک مرکزی نیز خلاف این موضوع ذکر نشده است و نشان می‌دهد شاخص تورم در بهمن‌ماه ۱۳۹۳ نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۱۶.۲ درصد افزایش داشته است. نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به بهمن‌ماه ۱۳۹۳ نسبت به دوازده ماه منتهی به بهمن‌ماه ۱۳۹۲ معادل ۱۵.۸ درصد است.

(ج) اهداف سیاسی

برخی از منتقدین نیز با تأکید بر بررسی میان آمارهای ارائه‌شده توسط بانک مرکزی و مرکز آمار ایران و تشکیک در این دسته از آمار در دولت، معتقدند که برخی، آمارهای اقتصادی را با اهداف خاص سیاسی به دولت ارائه می‌کنند؛ چرا که معتقدند آمارهای این دو نهاد رسمی چنین سخنانی را تأیید نمی‌کند. البته در عین حال معتقدند که ممکن است این استنباط دولت از آنجا باشد که شاخص قیمت در دی ماه ۲۰۴.۱ درصد بوده و در بهمن ماه ۹۳ به ۲۰۴.۲ درصد رسیده است که به نوعی نشان‌دهنده رشد ماهیانه نزدیک به صفر درصدی تورم است؛ یعنی تورم نقطه به نقطه در ماه‌های دی و بهمن برابر با ۱۴.۴ درصد بوده که تغییری نکرده است که به طور طبیعی استنباط صحیحی نیست.

از این رو این دسته از منتقدان سایر آمار دولت را از این منظر مورد تردید قرار داده‌اند.

نگاهی متفاوت به رشد اقتصادی

الف) ایراد در مبانی مفهوم تولید ناخالص داخلی

اگرچه «تولید ناخالص داخلی» تا حدودی بیانگر تحولات در وضعیت اقتصاد یک کشور است، اما از آنجاکه این نمایه به عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتصاد بازار آزاد تعریف می‌شود به دلیل برخی ایرادهای وارده به مبانی این مفهوم نمی‌توان از آن به عنوان عاملی دقیق و بدون مناقشه برای نشان دادن رشد نشانگرهای اقتصادی همچون افزایش توانمندی‌های اقتصادی و بهبود وضعیت خانوارها، شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی و دولتی دانست.

ب) تضاد رشد و توسعه با عدالت

واقعیت‌های کشورهای در حال توسعه در سه دهه اخیر نشان داده که هرچند نرخ رشد درآمد ملی افزایش یافته، ولی شکاف طبقاتی و نابرابری فقیر و غنی نیز بیشتر شده است. نرخ‌های رشد GNP و درآمد سرانه، اغلب فریبنده و نمای فقر و نابرابری را پنهان می‌کنند. هنوز هم رویه اجرایی بسیاری از سیاست‌گذاران در کشورها به گونه‌ای است که عدالت را فدای رشد اقتصادی می‌کنند.

موضوع توسعه اقتصادی، با به حداکثر رسانیدن نرخ رشد اقتصادی از طریق تمرکز هر چه بیشتر سرمایه و افزایش بهره‌وری در اقتصاد تأکید دارد، ولی برای توزیع مجدد درآمدها راه حلی ندارد!

در واقع نظام اقتصادی بازار، مولد نابرابری است. مطابق قواعد این نظام، منابع و ثروت از کشورهای فقیر به کشورهای غنی منتقل می‌شود. بنابراین سهم بزرگی از توسعه اقتصادی کشورهای غنی مدیون منابع وارداتی از کشورهای فقیر است. اقتصاد لیبرال در حل مسائل بشر این ادعا را دارد که نظام بازار می‌تواند بستر ساز توزیع عادلانه باشد، اما در عمل آنچه اتفاق می‌افتد فاصله طبقاتی فزاینده و «له شدن طبقات ضعیف در زیر چرخ‌های

توسعه» است. به عبارتی علت نابرابری را نباید در فقر جستجو کرد، بلکه ثروتمندان عامل اصلی فقر جهانی‌اند.

ج) رشد بادکنکی با نگاهی به شاخص میزان مصرف

یکی از مهم‌ترین ایرادها در تکیه بر مفهوم تولید ناخالص داخلی به عنوان عامل تعیین‌کننده در میزان رشد اقتصادی محاسبه «میزان مصرف» بدون توجه به «منابع مالی مصرف» است. بدین معنی که در نظام محاسباتی تولید ناخالص داخلی، تفکیکی میان «مصرف ناشی از درآمد» و «مصرف ناشی از استقراض» وجود ندارد. برای مثال، خانواده‌ای را در نظر بگیرید که در شش‌ماه نخست سال ۹۲، مبلغ ۱۸ میلیون تومان درآمد خود را مصرف کرده است. اگر همین خانواده در شش‌ماه نخست سال ۹۳، ۵۰ میلیون تومان وام از بانک دریافت کرده و آن را بابت رهن منزل بپردازد، نظام محاسباتی تولید ناخالص داخلی، این ۵۰ میلیون تومان را به میزان مصرف این خانواده افزوده و به دلیل قرار گرفتن در فرآیند ارزش افزوده، آن را «رشد» محسوب خواهد کرد.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که اقتصاددانان سیاسی رشد کشوری چون ترکیه را «بادکنکی» می‌دانند، همین نکته است.

بر اساس آمارهای رسمی منتشرشده، از ۷۴ میلیون نفر مردم ترکیه، ۵۴ میلیون نفر کارت خرید اعتباری گرفته‌اند و سهم استقراض در منابع مالی خانوار، از ۷/۴ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۵۵ درصد در انتهای سال ۲۰۱۳ رسیده است. در سال ۲۰۱۳ بیش از ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی ترکیه را «مصرف» تشکیل داد و بخش قابل توجهی از منابع مالی این مصرف نیز استقراض دولتی و غیردولتی بود (در انتهای ۲۰۱۳ بدهی دولت ترکیه بالغ بر ۳۸۸ میلیارد دلار معادل ۴۷ درصد تولید ناخالص داخلی شد).

(د) بررسی سهم تسهیلات مالی در رشد اقتصادی

در گزارش مربوط به رشد حدود ۴ درصدی که از سوی بانک مرکزی منتشر شده، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که در شش ماهه نخست سال جاری، مخارج مصرف نهایی بخش دولتی ۳/۳ درصد افزایش یافته و این در حالی است که در همین بازه زمانی، دولت با عدم تحقق درآمدهای نفتی و کسری در پرداخت یارانه‌ها مواجه بوده است. در بخش خصوصی و خانوارهای ایرانی نیز با وجود بالا بودن میزان هزینه نسبت به درآمدها براساس گزارش مرکز آمار، با افزایش ۷/۳ درصدی مخارج مصرف نهایی مواجه هستیم. این افزایش مخارج مصرف در شرایط عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی‌شده و پیشی گرفتن هزینه از درآمد، ناشی از محل دیگری جز «مصرف استقراضی» نمی‌تواند باشد. آمارهای بانک مرکزی به ما می‌گوید در یک سال و نیم اخیر بدهی بخش خصوصی به بانک‌ها ۳۰ درصد افزایش یافته و بدهی بخش دولتی نیز از شهریور ۹۲ تا شهریور ۹۳، ۲۱ درصد رشد را تجربه کرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بخش قابل توجهی از این افزایش ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی طی شش ماه نخست سال ۹۳، که میزان دقیق آن را دولت باید اعلام کند، ناشی از مصرف تسهیلات فزاینده اعطاشده از سوی بانک‌ها به افراد و مؤسسات دولتی و غیردولتی بوده است.

یکی از اقدامات انجام‌گرفته در زمینه افزایش «مصرف استقراضی»، مصوباتی درباره افزایش ظرفیت وام‌دهی بانک‌هاست. دولت نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها را از ۱۷ درصد به ۱۳/۵ درصد رساند تا بانک‌ها بتوانند با خلق پول بانکی بیشتر، وام بیشتری به متقاضیان دهند. براساس اعلام آقای جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور، دولت بنا داشته این نرخ را تا ۱۰ درصد کاهش دهد و در نتیجه، این امکان را به شبکه بانکی کشور بدهد که ۱۰ برابر سپرده

واقعی، به اعطای وام پردازند. این سیاست و رویکردهای مشابهی از قبیل اهمال در الزام بانکها به رعایت ۸ درصد نسبت کفایت سرمایه، باعث شده میزان تسهیلات دهی بانکها از حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان در شش ماهه اول سال ۹۱ به بیش از ۱۴۶ هزار میلیارد تومان در پایان شهریور سال ۹۳ رسیده و رشدی ۸۳ درصدی را تجربه کند. گزارش بانک مرکزی می‌گوید از شهریور تا مهرماه سال ۹۳ نیز این رقم به ۱۷۷ هزار میلیارد تومان رسیده و طبق نظر بانک مرکزی، «این رشد بسیار خوبی است که در منابع بانکها ایجاد شده و صرف تسهیلات شده است». گزارش شماره ۱۳۹۵۵ مرکز پژوهش‌های مجلس نیز هشدار داده است که فقط طی یک سال منتهی به خرداد ۹۳ نقدینگی در کشور ۷/۳۰ درصد افزایش یافته و «این انبساط ممکن است با آثار تورمی همراه باشد». با وجود این، دولت در ظاهر این میزان تزریق پول‌های بانکی به اقتصاد کشور را ناکافی می‌داند و براساس بند ۴ برنامه عملیاتی وزارت اقتصاد برای «اقتصاد مقاومتی»، قصد دارد امکان استقراض از مؤسسات مالی خارجی را نیز برای بخش خصوصی داخلی فراهم نماید.

ارزیابی

اگرچه نباید دولت را متهم به این کرد که به دلایل سیاسی و صرفاً برای رسیدن به یک عدد به نام رشد تولید ناخالص داخلی، اقدام به تزریق این حجم زیاد از نقدینگی به اقتصاد کشور کرده و خطر موج جدید تورمی را به جان خریده است. اما با وجود این، رابطه مستقیمی میان افزایش اعطای تسهیلات از سوی بانکها و مصرف این تسهیلات از سوی واحدهای اقتصادی با افزایش تولید ناخالص داخلی وجود دارد. البته دقیقاً روشن نیست این حجم فزاینده تسهیلات مالی که در حوزه‌های مختلف اقتصادی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، دولتی و غیردولتی دریافت شده و به مصرف

رسیده، چه سهمی در افزایش حدود ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی داشته است.

در واقع تحلیل خوشبینانه این است که هدف دولت از این اقدامات پرریسک، تأمین نقدینگی برای واحدهای اقتصادی است تا بتوانند با مصرف آن در تأمین نیازها، به تولید رونق ببخشند و کشور به پیشرفت واقعی برسد. در این میان اما دو ملاحظه مهم وجود دارد که اگر بدانها توجه نشود، ممکن است نه تنها این اهداف غایی تأمین نشود، بلکه عوارض سوء تزریق نقدینگی به حوزه مصرف، شرایط را بدتر کند:

۱- نخستین نکته این است که مسئولان دولتی به ویژه مسئولان بلندپایه اجرایی، که ممکن است از کم و کیف و ریشه‌های این رشد اعلام‌شده اطلاع دقیق نداشته باشند، نباید دچار توهم رشد اقتصادی شوند؛ بلکه باید علل اصلی حصول این عدد ۴ درصد رشد را بدانند و در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی آن را مدنظر داشته باشند.

۲- دومین نکته این است که هدایت و نظارت بر مصرف تسهیلات در محل تولید، و نیز سیاست‌گذاری‌های مرتبط با حمایت از تولید داخلی، بسیار مهم‌تر از صرف اعطای تسهیلات است. بررسی آمارهای موجود نشان می‌دهد تنها ۵۰ درصد از تسهیلات بانک‌ها در شش ماه نخست ۹۳ به تولید اختصاص یافته است. درباره تخصیص این ۵۰ درصد در محل واقعی نیز نمی‌توان با قطعیت حکم کرد؛ چراکه طی سال‌های اخیر، گزارش‌های متعددی منتشر شده مبنی بر اینکه رقم‌های نجومی تسهیلات بانکی که به نام تولید اعطا شده، به کام دلالی رفته است. یک نقطه امیدواری این است که تشکیل سرمایه ثابت خالص ۸/۱۵ درصد افزایش یافته است. اما گزارش بانک جهانی درباره افت ۱۶ درصدی تولیدات صنعتی ایران در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۴ میلادی نسبت به بازه مشابه ۲۰۱۳، ما را از خوش‌بینی تام درباره محل

مصرف این تسهیلات بر حذر می‌دارد (سیدیاسر جبرائیلی، ۱۳۹۳: ۵). در مجموع به نظر می‌رسد که رشد ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی در شش ماهه نخست سال ۹۳ به شدت متأثر از مصرف تسهیلات اعطایی از سوی بانک‌هاست. اگر این مصرف در چرخه تولید انجام نگرفته باشد، باید درباره این رشد حدود ۴ درصدی نگران بود.

سخن آخر

در این که آرزوی ما و تمام مردم ایران، رسیدن کشور به وضعیتی آرمانی می‌باشد جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نیست، اما واقعیت این است که احتمال بازی با آمارهای اقتصادی توسط هر دولتی و با هر گرایشی که باشد، کاری نادرست و ناپسندیده بوده و مورد پذیرش هیچ کس نخواهد بود؛ چرا که با همگانی شدن چنین روالی در کشور دیگر گفته‌ها جایگزین آمار رسمی کشور خواهند شد. بنابراین باید همواره تلاش نمود تا بر اساس آمارهای رسمی به بررسی شاخص‌های اقتصادی اقدام نمود.

از سویی هر چند برخی در حاشیه دولت به دنبال انداختن برخی تقصیرها بر گردن گذشتگان بوده است، اما نکته مهم این است که پیامد تصمیم‌ها و برنامه‌های اقتصادی هر چقدر کلان‌تر باشد، به همان اندازه برای ملموس و آشکار شدن نیاز به زمان دارد. به همین ترتیب، لزوم پدیداری فوری آثار خروج اقتصاد کشور از رکود در معیشت امروز مردم، انتظار و استدلالی غیر قابل پذیرش از سوی کسانی است که خود را موافق و یا منتقد اقتصادی تلقی می‌کنند.

بی‌تردید فارغ از واقعیت‌های گزارش‌های اعلامی، اعلام رشد اقتصادی حدود ۴ درصدی و تورم ۱۷ درصدی به معنای حل تمامی مشکلات اقتصادی کشور نیست؛ چه اینکه اقتصاد همچون دیگر عرصه‌ها، عرصه

«نسبیت» هاست.

مسلم است که نمی‌توان در این بازه زمانی کوتاه انتظار معجزه داشت. اما آنچه که مهم است این است که در شرایط کنونی مسئولان اجرایی می‌بایست در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی مورد تأکید رهبر معظم انقلاب در رویارویی با چالش‌های بین‌المللی همچون ساز و کار تحریم‌ها، کاهش بهای جهانی نفت، با تکیه بر اقتصاد درون‌زا اقدام نموده تا کشتی اقتصاد کشور را به سوی ساحل رشد و تعالی به پیش ببرند.



«پاسخ به سؤال»

«سؤال‌های سیاسی»

۱- ارزیابی شما از حملات موشکی انصارالله یمن

علیه عربستان چیست؟

همان‌گونه که در رسانه‌ها اعلام شد بوده عربستان ادعا می‌کرد که در جریان حملات گسترده هوایی خود به یمن توانسته است انبارهای تسلیحاتی از جمله موشک‌های یمن را از بین ببرد و از افتادن آنها به دست کمیته‌های انقلابی به رهبری انصارالله جلوگیری کند، اما ارتش و نیروهای مقاومت مردمی یمن با شلیک یک فروند موشک اسکاد، پایگاه موشکی السلیل عربستان واقع در صحرای الدواسر از توابع استان ریاض را هدف قرار دادند. همچنین پایگاه هوایی عربستان واقع در منطقه «خمیس مشیط» از استان عسیر مورد حمله یک فروند موشک اسکاد یمن قرار گرفت. این حملات که می‌توان آن را در چارچوب بخشی از اقدامات تدافعی و تلافی‌جویانه کمیته‌های انقلابی و ارتش یمن ارزیابی کرد، حاوی پیام‌های هشدارآمیز نظامی و سیاسی به

عربستان سعودی است که بی‌توجهی به آن بیش از پیش می‌تواند این کشور را در باتلاق یمن فرو ببرد.

نکته مهم در شلیک دو موشک اسکاد یمن به پایگاه‌های نظامی خالد و السلیل هدف‌گیری دقیق و عبور موشک‌ها از سامانه پدافند هوایی است که بر فراز این پایگاه‌ها مستقر شده بود؛ به خصوص آنکه گفته می‌شود در نزدیکی پایگاه موشکی السلیل پایگاه هوایی سلطنتی نیز وجود دارد که در آن هواپیماهای تورنادوی انگلیسی نگهداری می‌شود و ۸ فروند از این هواپیماها مدام بر فراز این پایگاه به پرواز در می‌آیند.

حملات موشکی یمنی‌ها بعد از آن آغاز شد که انصارالله با توجه به استمرار حملات هوایی عربستان مجبور شد از راهبرد صبر راهبردی فاصله بگیرد و کم‌کم پاسخ به حملات این کشور را در دستور کار قرار دهد. این حملات به گونه‌ای تنظیم و مدیریت شده که به موازات استمرار حملات هوایی عربستان بر بُرد موشک‌های یمن افزوده شده است. در واقع پیامی که از این طریق به مسئولان سعودی ارسال شده این است که ادامه حملات هوایی موجب خواهد شد آنها حمله موشکی بعدی را نزدیکی کاخ‌های خود احساس کنند. همچنین با توجه به اینکه حملات موشکی یمن بعد از سنگ‌اندازی‌های مکرر عربستان سر راه مذاکرات صلح صورت گرفت از این رو این حملات حاوی این پیام به مسئولان سعودی هم هست که باید هر چه سریع‌تر به سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی‌های خود در مسیر تلاش‌های بین‌المللی برای پایان جنگ یمن خاتمه دهند. بنابراین هر دو حمله موشکی یمن به پایگاه هوایی خالد در استان عسیر و پایگاه موشکی السلیل در استان ریاض با دقت تمام صورت گرفته است و هدف قرار دادن آن علاوه بر اینکه از قدرت و توانایی نظامی بالای یمن حکایت دارد و در عین حال شکست اهداف اعلامی عربستان در نابودی قدرت موشکی یمن را یادآوری می‌کند، حاوی پیام

سیاسی به مسئولان جدید عربستان نیز هست که بلافاصله پس از راهیابی به قدرت با عجله فرمان تجاوز نظامی به یمن را بدون محاسبه عواقب آن صادر کردند و اکنون در باتلاق آن فرو رفته‌اند.

۲- به نظر شما فعالیت سیاسی در دانشگاه «تراز انقلاب اسلامی»

دارای چه الزاماتی است؟

برای تبیین نقش فعالیت سیاسی در دانشگاه به طور کلان، ابتدا باید به مؤلفه‌های اساسی پویایی در «دانشگاه ایده آل تراز» انقلاب از نگاه رهبر معظم انقلاب اشاره کرد. دانشگاه آرمانی مدنظر انقلاب اسلامی، دانشگاهی است که از رکود و خمودگی فاصله دارد و چنین فضایی عمدتاً دارای سه پارامتر اساسی است که می‌توان آنها را به مثابه اضلاع یک سه وجهی تصور نمود که هر یک از وجوه این سه وجهی مکمل دیگری به حساب می‌آیند. با نگاهی به بیانات متعدد رهبر فرزانه انقلاب در سال‌های اخیر در جمع دانشگاهیان می‌توان سه ضلع دانشگاه بانشاط را که متشکل از نشاط علمی، نشاط معنوی و نشاط سیاسی می‌باشد. نکته اساسی در فعالیت سیاسی که باید از سوی مجموعه‌های دانشجویی دنبال شود آن است که فعالیت سیاسی توسط این گروه به آن معنا نیست که میدانی برای حضور و تبلیغ جریان‌های سیاسی کشور در دانشگاه فراهم شود، بلکه جنس فعالیت‌های دانشجویی سیاسی از جنس ارائه مباحث سیاسی به دور از سیاست‌زدگی و در شأن فضای علمی دانشگاه است. در صورتی که فضای آرامش منطقی و علمی بر دانشگاه‌های کشور حاکم باشد، دانشگاه به جای میدان جنگ سیاسی، می‌تواند آوردگاه مشرب‌ها و مرام‌های مختلف و حتی متضاد فکری باشد که نتیجه آزاداندیشی از این نوع، نه تنها نشاط حقیقی سیاسی که بلکه ساخت پشتوانه علمی و ایدئولوژیک برای فضای سیاسی کشور و همین جریان‌های سیاسی باشد. از

این رو حتی اگر در دانشگاه در کنار کرسی‌های نظریه‌پردازی انقلابی و اسلامی، کرسی‌هایی جهت نقد و نظریه‌پردازی لیبرال و ... وجود داشته باشد، هیچ‌گاه از وجود چنین مباحثی نمی‌توان و نباید به خود هراس راه داد. اما آنجا که این اختلافات به سطوح جاری سیاسی و زد و خوردهای جریان‌ها و گروه‌ها می‌رسد در تقابل جدی با اصل آزاداندیشی و آزادفکری در دانشگاه است.

این بحث را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود؛ خطری که رهبر معظم انقلاب در این زمان به آن اشاره می‌کنند، آن است که از سویی مدیران دولتی دانشگاه‌ها و از طرف دیگر جریان‌ها و احزاب سیاسی کشور پس از مدتی که آرامش نسبی سیاسی بر فضای دانشگاه حاکم بود مجدداً بخواهند، از دانشگاه به عنوان ابزار قدرت نرم و فشار از پایین بر مجموعه حاکمیت استفاده کنند (نظیر بهره‌کشی از فضای دانشگاه در ایام اصلاحات) و از این روست که پرهیز دادن رهبری، مجموعه مدیران و جریان‌های سیاسی را از جولان سیاسی در دانشگاه‌ها، فضایی را می‌طلبد که مجموعه‌های دانشجویی که شایسته‌ترین مجموعه برای فعالیت دانشجویی هستند، ضمن استقلال کامل از این احزاب و گروه‌های سیاسی، جریان سیاسی دانشگاه‌ها را با فعالیت دو چندان خود در قبضه دانشجویی و هم‌راستا با هدف اساسی ایجاد «نشاط علمی» و ارتقای «نشاط معنوی» نگاه دارند.

۳- راهیمایی روز قدس امسال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

راهیمایی روز قدس امسال در حالی برگزار شد که غرب آسیا و جهان اسلام در شرایط ویژه‌ای قرار دارد. در سوریه، یمن، عراق و... تحولات اساسی انجام شده و بیداری اسلامی در منطقه همچنان در جریان است و وابستگان به نظام سلطه و صهیونیسم جهانی در حال حذف شدن از معادلات سیاسی و

اجرائی از کشورهای غرب آسیا هستند؛ در فلسطین نیز گفتمان سازش با رژیم صهیونیستی محکوم به شکست بوده و گفتمان مقاومت مورد پذیرش افکار عمومی قرار گرفته است. در چنین فضایی آرمان آزادسازی قدس طرفداران زیادی به خود جذب کرده است. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی هم اکنون در وضعیت سخت و دشواری از لحاظ بین‌المللی، منطقه‌ای و در داخل مرزهای فلسطین اشغالی به سر می‌برد. ناهماهنگی و اختلاف شدید بین احزاب صهیونیستی، مطالبات متعدد ساکنان مناطق اشغالی مبنی بر مهاجرت معکوس، امواج توفنده خشم و خروش ملت‌ها علیه رژیم صهیونیستی و ناتوانی حامیان بین‌المللی رژیم جعلی اسرائیل در حمایت از آن رژیم بخشی از مشکلات و چالش‌های موجود علیه رژیم صهیونیستی است که همه این موارد از آثار و نتایج روز قدس و بیداری اسلامی است. بنابراین راهپیمایی امسال در فضای جهان اسلام حتی میان مسلمانان و آزادی‌خواهان در کشورهای غربی و اروپایی در جهت تأکید دوباره بر آزادسازی قدس در قالب راهپیمایی روز قدس این نوید را داد که جریان مقاومت در نقطه‌ای مطلوب قرار دارد و می‌رود تا اصلی‌ترین دغدغه امام ^(ع) «آزادسازی قدس» تحقق یابد.

۴- ارزیابی شما از توافق هسته‌ای انجام‌شده و تحریک مردم از

سوی برخی از دولتمردان برای برگزاری جشن و سرور چیست؟

به نظر می‌رسد هرگونه برگزاری جشن و خوشحالی از سوی مردم مبتنی بر سه موضوع است: اول اینکه ما چه دادیم و چه گرفتیم، دوم باید بدانیم که مذاکرات با سرمایه دولت قبلی به نتیجه رسیده است؛ یعنی اگر دولت قبلی ۱۴ هزار سانتریفیوژ نساخته و فردو را برای تولید اورانیوم ۲۰ درصد راه‌اندازی نکرده و رآکتور آب سنگین را نساخته بود قطعاً تیم مذاکره‌کننده، سرمایه و

داده‌ای برای مذاکره نداشتند و این باید مورد توجه قرار گیرد. سومین نکته باید مورد اهمیت قرار بگیرد زحمات تیم مذاکره‌کننده و دیپلماسی فعال آنها در این مقطع است. آنچه را که از رسانه‌ها منعکس شد و رئیس‌جمهور و وزیر امورخانه بر آن صحنه گذاشتند، اما حقیقت تعهدات و امتیازات دریافتی مشخص نیست. بنابراین برگزاری هرگونه تجمع در خصوص مسائل هسته‌ای زود هنگام است و نباید احساسی برخورد کرد به دلیل اینکه موجب سوءاستفاده و تحریک دشمن می‌شود و آنها راحت می‌توانند زیر توافق و تعهداتشان بزنند. مطالبی که تاکنون به عنوان جمع‌بندی اعلام شده است هنوز به امضای طرفین مذاکرات نرسیده و با توجه به سوابق آمریکایی‌ها امکان خدعه و نیرنگ آنها و یا تغییر و تبدیل از سوی طرف غربی وجود دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد باید با احتیاط پیش رفت؛ چراکه این توافق باید به صورت دقیق توسط مجلس شورای اسلامی و شورای امنیت ملی بررسی شود تا منافع و مصالح ملی در توافق نهایی لحاظ شود. خطوط قرمزی که پیش‌تر نیز اعلام شده بود را به عنوان معیار در بررسی جمع‌بندی مذاکرات لحاظ کنند و در صورتی که خطوط قرمز رعایت شده باشد، تصمیم نهایی را بگیرند. حفظ دستاوردهای هسته‌ای و لغو تمام تحریم‌ها از خطوط قرمز ایران در مذاکرات است که باید مورد توجه واقع شود. منویات رهبری و منافع و مصالح کشور باید مورد مذاقه قرار گیرد تا نتایج مذاکرات منافع و مصالح راهبردی نظام اسلامی را تأمین کند.

۵- یکی از موضوعات مطرح‌شده در دیدار دانشجویان با مقام معظم رهبری تأکید معظم‌له بر آرمانگرایی جنبش دانشجویی بود. ارزیابی شما در این خصوص چیست؟

مقام معظم رهبری بارها از بحث آرمانگرایی و واقع‌بینی سخن به میان

آورده و بر اهمیت آرمانخواهی تأیید فرموده‌اند. این تأکیدات مکرر را وقتی در کنار تلاش مرموز، بی‌ریشه و ضد انقلابی که تلاش دارد با گذشت چند دهه از انقلاب عبور از آرمانگرایی و نشستن غبار فراموشی و کهنه‌گی بر روی آرمان‌های انقلابی گفتمان انقلاب مردمی در ایران را به نسل جوان قالب نماید، به نظاره می‌نشینیم، جای آن دارد که به سادگی از کنارش عبور نکرده و در جهت تبیین آن کوشا باشیم. اما در سال‌های اخیر دست‌های پیدا و پنهان و قلم‌های آشکار و نهان همراهان پشیمان انقلاب و یا زخم‌خوردگان سرخورده که کینه انقلاب اسلامی در دل‌هایشان تبدیل به بغضی فرو خورده شده است در تلاشند با وارونه جلو دادن واقعیت، آرمان‌ها را رنگ‌باخته، امام راحل را غیرثابت در اصول و حتی پشیمان در اواخر عمر، نسل جوان را بی‌تفاوت به آرمان‌ها، و واقعیت‌های جامعه امروز را در تعارض با آرمان‌های انقلاب جلوه دهند. در یک مغالطه فاحش، آرمانگرایی را در تعارض با واقع‌بینی و واقع‌گرایی ترجمه می‌نمایند. حال آنکه آنچه در مقابل آرمانگرایی قرار می‌گیرد محافظه‌کاری است نه واقع‌گرایی.

مغالطه دیگری که در این باب بایستی مورد توجه قرار گیرد تا در دام آن گرفتار نگردید این است که جریان مذکور همواره واقعیت‌های منفی احتمالی را به عنوان همه واقعیت‌های موجود مطرح نموده و از ذکر واقعیت‌های مثبت که دقیقاً دستاورد انقلابی در دهه‌های گذشته است اجتناب می‌نماید و یا تلاش در کم‌رنگ جلوه دادن آنها دارد. تلاش برای ضعیف جلوه دادن انقلاب اسلامی در مقطع فعلی، تضعیف بنیان‌های اقتصادی به دلیل تحریم‌ها و لزوم کوتاه آمدن در برابر کدخدا در حالی که دست برتر منطقه‌ای در قضایای مربوط به سوریه، لبنان، عراق و یمن با انقلاب اسلامی است، از مصادیق چنین مغالطه‌ای است. واقع‌گرایی، هموارکننده مسیر آرمانگرایی است. واقع‌گرایی تشخیص مسیر درست آرمانگرایی است و آرمانگرایی به همراه

واقع‌بینی یعنی اقدام انقلابی - و نه محافظه‌کاری - در مواجهه با واقعیتهای موجود. در حقیقت در نظر گرفتن مؤلفه عقلانیت در کنار احساسات که حرکت‌های آرمانگرایانه بیشتر به همراهی با آن متهم می‌شده‌اند در دهه چهارم انقلاب مسیر آرمانگرایی را دقیق‌تر و مستحکم‌تر طراحی نموده و در جهت حرکت روبه‌جلو رهنمون خواهد بود.

«سؤال‌های اقتصادی»

۱- خزانه‌داری انگلیس دارایی‌های ایرانی‌ها را در چه شرکت‌های آزاد

کرد؟

به گزارش پایگاه اینترنتی وزارت خزانه‌داری انگلیس، یک شخص حقیقی و هشت شخص حقوقی که دارایی‌های آنها در ارتباط با تحریم ایران مسدود شده بود، اصلاح کرد. همچنین اطلاعات شناسایی شش اشخاص حقوقی اصلاح شده است، اما آنها همچنان مشمول مسدود بودن دارایی‌ها هستند. اشخاص حقیقی و حقوقی زیر از فهرست مسدود بودن دارایی‌ها حذف شدند:

۱. محمود جنتیان، معاون سازمان انرژی اتمی ایران

اشخاص حقوقی (شرکت‌ها):

۱. شرکت کشتیرانی برایت نورد جی ام بی اچ ثبت‌شده در هامبورگ

آلمان؛

۲. شرکت کشتیرانی سی اف شارپ با مسئولیت محدود؛

۳. شرکت کشتیرانی کاسی ایست جی. ام بی. اچ ثبت‌شده در هامبورگ

آلمان؛

۴. شرکت گریت وست جی. ام بی. اچ با مسئولیت محدود ثبت‌شده در

هامبورگ آلمان؛

۵. شرکت شرکت هپی - سود جی ام بی اچ اند کو ثبت‌شده در هامبورگ

آلمان؛

۶. شرکت ان اچ ال بیسیک با مسئولیت محدود ثبت‌شده در هامبورگ

آلمان؛

۷. شرکت شرکت ان اچ ال نوردلند جی ام بی اچ ثبت شده در هامبورگ آلمان؛

۸. شرکت پراسپر بیسیک جی ام بی اچ ثبت شده در هامبورگ آلمان.
اصلاحات در اطلاعات مربوط به شرکت های زیر.
اطلاعات حذف شده، خط خورده و زیر اطلاعات اضافه شده خط کشیده شده است.

۱- نخستین بانک سرمایه گذاری اسلامی

اطلاعات اضافه شده: بابک زنجانی از این بانک برای مقدار قابل توجه پرداخت های مربوط به نفت ایران به نمایندگی از دولت استفاده می کرد.
اطلاعات حذف شده: نخستین بانک سرمایه گذاری اسلامی بخشی از گروه سورینت است که متعلق به بابک زنجانی است. از آن برای پرداخت های نفتی ایران استفاده شده است.

۲- شرکت اینترترید اچ کی با مسئولیت محدود HK INTERTRADE COMPANY LTD

اطلاعات حذف شده: شرکت هنگ کنگ اینترترید با مسئولیت محدود.
شرکت اچ کی آی. سی او یک شرکت پیشتر تحت کنترل شرکت ملی نفت ایران است که در فهرست تحریم اروپا قرار دارد.
اطلاعات اضافه شده: تغییر در آدرس. شرکت اچ کی اینترترید کاملاً متعلق و تحت کنترل سازمان ملی نفت ایران است. اچ کی اینترترید انتقال پول مربوط به نفت را به نمایندگی از دولت ایران تسریع کرده است.

۳- شرکت صنایع دریایی ایران (صدرا)

اطلاعات حذف شده: متعلق و تحت کنترل قرار گاه سازندگی خاتم الانبیا است.

اطلاعات اضافه شده: تحت کنترل شرکت مهندسی انرژی نفت و گاز سپانیر قرار دارد و از دولت ایران از طریق مداخله در بخش انرژی ایران از

جمله میدان گازی پارس جنوبی حمایت می‌کند.

۴. شرکت خدمات بازرگانی نفت ایران

اطلاعات حذف‌شده: حذف آدرس شرکت در انگلیس

اطلاعات اضافه‌شده: ندارد.

۵. شرکت پتروسوئیس

اطلاعات حذف‌شده: کمک به اشخاص حقوقی تعیین شده برای نقض مقررات قطعنامه اتحادیه اروپا در ارتباط با ایران

اطلاعات اضافه‌شده: شرکت پتروسوئیس شرکتی است که در بخش نفت و گاز ایران فعالیت دارد و به طور کامل متعلق به شرکت نفت ملی ایران است.

پتروسوئیس همچنین با شرکت نفتیران در ارتباط است که از یارانه صد درصد شرکت ملی نفت ایران برخوردار است.

۶. دانشگاه شهید بهشتی

اطلاعات حذف‌شده: متعلق و تحت کنترل وزارت دفاع و نیروهای مسلح است.

اطلاعات اضافه‌شده: دانشگاه شهید بهشتی شخص حقوقی دولتی است که تحت نظارت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است.

۲- جدول زمانی لغو تحریم‌ها چگونه بسته می‌شود؟

یک دیپلمات نزدیک به تیم مذاکراتی ایران با بیان این که پیشرفت اندکی در موضوع تحریم‌ها حاصل شده است، از مشخص شدن جدول زمانی لغو تحریم‌ها خبر داد و گفت: جزییات این جدول در حال مذاکره است. پیش از این نیز منابع نزدیک به هیات مذاکره‌کننده ایران درباره روند دست یافتن به توافق و اجرای آن گفته بودند که توافق و اجرای آن شامل سه مرحله می‌شود.

مرحله اول اعلام توافق است که هم‌زمان با آن یک قطعنامه شورای امنیت که در آن برنامه اقدام و لغو کامل تحریم‌های شورای امنیت مرتبط با موضوع هسته‌ای تأیید شده است، صادر می‌شود.

مرحله دوم که از زمان اعلام توافق تا اجرای آن است. این مرحله زمانی بین ۳۰ تا ۶۰ روز ممکن است به طول انجامد که در این مدت توافق باید در کنگره آمریکا بررسی و رأی‌گیری (رأی به رد توافق) شود. چنانچه توافق از سوی کنگره رد شود، رئیس‌جمهور آمریکا این اختیار را دارد که رأی منفی کنگره را وتو کند و در صورت وتوی او، با توافق برای عملیاتی شدن آماده می‌شود.

مرحله سوم از آغاز اعلام موافقت و پذیرش دولت آمریکا با توافق است که در این مرحله زمانی را برای اجرای توافق دو طرف تعیین خواهند کرد. تا رسیدن به روز اجرای توافق دو طرف باید اقدامات و شرایط اجرای آن را فراهم کنند که این مستلزم انجام کارهایی از سوی ایران و ۵+۱ است. این مرحله احتمالاً بین ۳ تا ۵ ماه به طول می‌انجامد. در این مدت ایران باید اقدامات و تعهدات هسته‌ای خود را انجام دهد و در پایان این دوره، روز اجرای توافق فرا می‌رسد؛ روزی که در آن تحریم‌های اروپا لغو و تحریم‌های آمریکا متوقف می‌شود. بنابراین لغو تحریم‌ها به بعد از اجرای اقدامات هسته‌ای ایران تاکنون موکول شده است. بر همین اساس می‌توان گفت که باید اواخر سال جاری شمسی انتظار لغو تحریم‌ها را در صورت به توافق رسیدن ایران و ۵+۱ را داشته باشیم.

بر اساس اعلام منابع نزدیک به مذاکرات تحریم‌های اقتصادی، مالی، بانکی در روز اجرای توافق به ترتیب از سوی اروپا و آمریکا لغو و متوقف می‌شود. در عین حال هنوز مشخص نیست که تحریم‌های تسلیحاتی و کنگره در کجای جدول زمانی لغو تحریم‌ها قرار دارند.

۳- آیا پلیس مالیاتی آن گونه که مسئولان گفته‌اند شکل می‌گیرد؟

این روزها خبرهایی درباره فرار مالیاتی زیاد شنیده می‌شود، به طوری که رقم فرار مالیاتی که سازمان امور مالیاتی کشور آن را اعلام کرده حدود ۱۳۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. بر این اساس کارشناسان اقتصادی مطرح می‌کنند که برای جلوگیری از این میزان فرار مالیاتی باید پلیس مالیاتی داشت. البته وعده آمدن پلیس مالیاتی را در آخرین روزهای سال گذشته معاون قوه قضائیه داد و اعلام کرد که به زودی شاهد تأسیس پلیس مالیاتی در دادگاه‌های مالیاتی و دستگاه‌های قضایی خواهیم بود که به صورت تخصصی موضوعات مالیاتی را مورد رسیدگی قرار می‌دهد، احکام صادره با جدیت اجرایی می‌شود و مجرمان مالیاتی به مردم معرفی خواهند شد. پرداخت مالیات یکی از اصول اساسی شهروندی است و این موضوع در کشورهای پیشرفته به یک اصل تبدیل شده است. البته در ایران علاوه بر اینکه پرداخت مالیات هنوز به یک فرهنگ تبدیل نشده است و نیازمند فرهنگ سازی است، در کشورهایی مانند آمریکا که خوداظهاری مالیاتی می‌شود، نظام (مالیاتی) طوری طراحی شده که ترس از این نظام موجب راستی آزمایی شده است؛ چون اگر کسی خلاف بگوید از زندگی ساقط می‌شود. می‌گویند در آمریکا قتل آسان تر از فرار مالیاتی است.

۴- عوامل رکود اقتصادی در کشور چیست و چه راه‌حل‌هایی برای

خروج آن وجود دارد؟

در ابتدا در تعریف رکود از منظر اقتصادی باید گفت: رکود اقتصادی به دو دوره سه‌ماهه پیاپی رشد منفی در اقتصاد یک کشور اطلاق می‌شود. دوره‌ای که کاهش معنی‌دار در چهار عامل تولید، درآمد، اشتغال و تجارت ایجاد شود. رکود بر این اساس به معنای کاهش تولید ناخالص داخلی واقعی است. بسیاری از کارشناسان عوامل اقتصادی را تنها دلیل بروز

رکود تورمی می‌دانند. ریشه‌های رکود تورمی در ویژگی‌های ساختاری هر اقتصاد، میزان کارآیی سیاست‌های پولی و مالی، ساختار بودجه‌ای دولت، میزان کشش‌پذیری سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، الگوهای مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و میزان نقش دولت در اقتصاد نهفته است. برخی از کارشناسان هم هستند که عوامل سیاسی- اجتماعی رکود تحلیل می‌کنند. به اعتقاد آنها یکی از اصلی‌ترین دلایل بروز رکود تورمی افزایش هزینه تولید است. افزایش هزینه تولید جدا از اینکه دلایل اقتصادی دارد دلایل سیاسی هم دارد. تغییرات مکرر مدیران و مسئولان و از سوی دیگر تصمیماتی که به صورت دقیق گرفته نمی‌شود یکی از اصلی‌ترین دلایل افزایش هزینه تولید است. ساختار مکرر قوانین و ناکارآمدی ساختار اقتصادی و از سوی دیگر بی‌ثباتی در ابلاغیه‌ها و دستورالعمل‌ها از دیگر عواملی است که هزینه تولید را افزایش می‌دهد طولانی شدن پروژه‌های دولتی هم یکی از عواملی است که به شدت در بروز رکود تورمی دامن می‌زند. عواملی که در بروز رکود ذکر شد معمولاً برای عموم اقتصاد کشور است، اما دلایل اصلی رکود در این فرایند دو - سه ساله به تحریم‌های اقتصادی شامل تحریم نفتی، تحریم مالی و تحریم شرکت‌های ایرانی بر می‌گردد. این تحریم‌ها از چند مسیر به رکود اقتصاد ایران منتهی شده که از جمله می‌توان به کاهش شدید درآمدهای نفتی، جهش نرخ ارز و بی‌ثباتی آن، حاکمیت نظام چندنرخ ارز، سخت‌تر شدن مبادلات مالی و کالایی با کشورهای خارجی و افزایش ریسک و نااطمینانی و کاهش امنیت اقتصادی اشاره کرد. از آنجاکه مهم‌ترین عامل بروز و تداوم رکود اقتصادی فعلی، اعمال تحریم‌های اقتصادی بوده است، طبیعتاً مهم‌ترین شرط خروج از رکود اقتصادی و بازگشت اقتصاد ایران به مدار رشد اقتصادی نیز رفع تحریم‌های اقتصادی است. بر این اساس به نظر می‌رسد برای خروج اقتصاد کشور از شرایط رکود کنونی، مهم‌ترین و مؤثرترین سیاست برای گشایش اقتصادی، اعمال اقدامات مؤثر در حوزه

سیاست خارجی است. پیگیری سیاست خارجی که بتواند در عین حفظ حقوق اساسی کشور در موضوعات مورد مناقشه با غرب، تنش در روابط خارجی را کاهش دهد و فضای بین‌المللی را به سمت کاهش و لغو تحریم‌های اقتصادی پیش ببرد، بستر مناسب برای خروج از رکود اقتصادی جاری را ایجاد می‌کند و با تکمیل این فرآیند با سیاست‌های اقتصادی مناسب امکان بازگشت رونق به اقتصاد کشور فراهم می‌شود. مهم‌ترین راه‌حل‌های دیگر مقابله با رکود تورمی در ایران می‌تواند انضباط مالی دولت از طریق تنظیم صحیح بودجه و اجتناب از تداوم بیشتر کسری بودجه، کنترل و کاهش هزینه‌های جاری دستگاه‌ها، نحوه استفاده از دلارهای نفتی به گونه‌ای که موجب افزایش پایه پولی و بالتبع آن افزایش نقدینگی نشود. اصلاح ساختار مالیاتی، اصلاح بازارهای مالی و پولی (پرهیز از سیاست‌های انبساطی پولی) و افزایش سرمایه‌گذاری به نحوی که به افزایش تولید منجر شده، پرهیز از سیاست‌هایی که عواقبی چون فعالیت‌های رانت‌جویانه و دلالی دارد (مانند بازار مسکن) و افزایش تولید و بهره‌وری کل عوامل تولید باشد. در واقع، یکی از بهترین راه‌ها برای مبارزه با رکود تورمی این است که سرمایه‌گذاری در کشور افزایش یابد که در پی آن افزایش تولید و اشتغال و درآمدزایی و کاهش کسری بودجه به وجود می‌آید و در چرخه علت و معلولی، به کاهش تورم و افزایش تولید منجر خواهد شد.

۵- چشم‌انداز اقتصادی جهان در سال‌های آینده چگونه خواهد بود؟

مؤسسه تحقیقاتی «فیچ» رشد اقتصاد جهانی را در سال جاری میلادی ۲۰۱۶ میلادی ۲.۹ درصد و همچنین در سال ۲۰۱۷ میلادی ۲.۸ درصد پیش‌بینی کرده است. بر این اساس، علت رشد اقتصادی قابل توجه در سال ۲۰۱۶ میلادی به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی برزیل و روسیه از رکود خواهد بود. این درحالی است که وضعیت رو به کند اقتصاد

چین همچنان اقتصاد جهانی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. براساس پیش‌بینی مؤسسه تحقیقاتی «فیچ»، رشد تولید ناخالص داخلی اروپا از ۹۰٪ درصد در سال ۲۰۱۴ میلادی به ۶۰٪ درصد در سال جاری میلادی و دو سال بعد از آن افزایش خواهد داشت. این مؤسسه همچنین پیش‌بینی کرده که سیاست‌های پولی سخت‌گیرانه‌تر در آمریکا توانایی رشد اقتصادی این کشور را حدود ۳ درصد در سال کاهش خواهد داد. پیش‌بینی مؤسسه فیچ در شرایطی است که دولت آمریکا اعلام کرد: میزان بیکاری در این کشور به ۳۵٪ درصد رسیده است. این رقم پایین‌ترین میزان بیکاری از سال ۲۰۰۸ تاکنون بوده است. این رقم حتی کمتر از پیش‌بینی بسیاری از اقتصاددانان است و اقتصاد آمریکا را به دوران پیش از بحران مالی می‌برد. در ماه ژوئن ۲۰۱۵ آمریکا ۲۲۳ هزار شاغل به بازار کار افزود. رقمی که دولت آمریکا گفته اندکی کمتر از رقم ۲۳۵ هزار شاغلی است که «سی.ان.ان-مانی» در نظرسنجی از اقتصاددانان به آن رسیده است. روند جهانی این گونه نشان می‌دهد وضع اقتصادی جهان رو به بهبود خواهد بود و رونق اقتصادی صورت می‌گیرد.



امام فامنه ای (مدظله العالی) :

حضور پر مضمون
مردم در تشیع این
دردانه های به میهن بازگشته
یکی از بیاد ماندنی ترین
حوادث انقلاب است.



نماینده ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین
معاونت سیاسی